

$$\bar{x} = \frac{\sum_{i=1}^n x_i}{n}$$



$$s^2 = \frac{1}{n-1} \sum_{i=1}^n (x_i - \bar{x})^2$$

دکتر غلامرضا محسنی برزادران

نکو داشت استاد پیشکسوت گروه آمار
دانشگاه‌های بیرجند و فردوسه مشهد
ورئیس اسبق دانشگاه بیرجند

همزمان با هجدهمین کنفرانس آمار ایران



دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی



بنیاد علم و فناوری خلیج



جهش کنفرانس آمار ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نکوداشت استاد پیشکسوت گروه آمار
دانشگاه‌های بیرجند و فردوسه مشهد
ورئیس اسبق دانشگاه بیرجند

دکتر غلامرضا محترم برزادر

به انتخاب هیات مدیره و اعضای انجمن آمار ایران
تدوین: دکتر محمد خراشادی‌زاده، دکتر محسن عارفی
طراح: روابط عمومی دانشگاه بیرجند (رفیعی‌زاده، باقریان)
تاریخ تدوین: تابستان ۱۴۰۵
حق مالکیت: دانشگاه بیرجند



فهرست

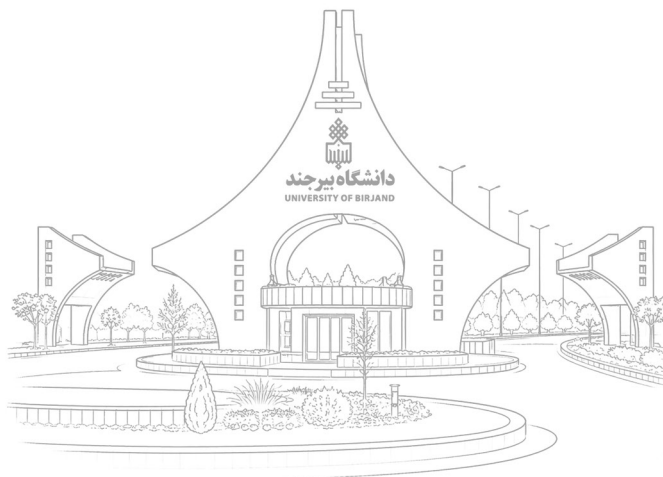
۵	شرح زندگی دکتر غلامرضا محتشمی برزادران
۶	محل تولد
۶	تحصیلات مقدماتی
۷	تحصیلات دانشگاهی
۷	شروع به کار در دانشگاه
۸	ادامه تحصیلات دانشگاهی در خارج از کشور
۸	بازگشت به ایران
۹	فعالیت های آموزشی و پژوهشی
۱۱	یادداشت های تقدیمی ۱
۷۱	یادداشت های تقدیمی ۲
۸۵	یادداشت های تقدیمی ۳
۱۰۳	یادداشت های تقدیمی ۴
۱۳۱	یادداشت های تقدیمی ۵
۱۳۹	یادداشت های تقدیمی ۶
۱۵۱	تصاویر ماندگار
۱۵۰	سمینار و همایش ها
۱۵۹	در طبیعت
۱۶۰	تحصیل در انگلستان
۱۶۳	دکتر محتشمی و دانشجویان
۱۶۷	دوره دبیرستان
۱۶۸	ملا محمد حسن هردنگی
۱۶۹	دکتر محتشمی و خانواده
۱۷۴	دوران کودکی
۱۷۵	دوران نوجوانی

دکتر غلامرضا محتشمی برزادران

تکوداشت استاد پیشکسوت گروه آمار
دانشگاه‌های بیرجند و فردوسی مشهد
ورئیس اسبق دانشگاه بیرجند



شرح زندگی دکتر غلامرضا محتشمی برزادران



محل تولد

غلامرضا محتشمی برزادران در اسفند ماه سال ۱۳۳۴ در روستای برزادران متولد شد. پدرش مرحوم میر حسینعلی از بزرگان منطقه (نوه مرحوم آخوند ملا محمد حسن هردنگی) و مرد با سواد و بسیار با تدبیری بود و مادرش مرحومه خانم ربابه شیروانی زنی پرتلاش و نیت به خیر بود. اینان خانواده متدین و خبره در امور کشاورزی و دامپروری بوده و از این طریق معیشت می نمودند. در روستای برزادران انواع و اقسام میوه های مناطق معتدل وجود داشت و این روستا، روستای کار و تلاش بود. از ملاکین و برزرگر و نوکر و بقیه اقشار همواره همگی مشغول فعالیت و کار بودند. نتیجه مدیریت کشاورزی پدر (مرحوم میر حسینعلی) انتقال اطلاعات فنی به کارگران و کشاورزان زیر دست بود که در مزرعه ایشان کار می کردند. درباره این روستا می گفتند: «اگر در برزادران کاری برای انجام نباشد هاوونی را پر از آب می کنند و می گویند بکوب» که این نشان از پر تلاش بودن مردم آن منطقه بوده است. مرحوم میر حسینعلی فرزندان بسیاری داشت که بعضی در کودکی و بعضی در بزرگی به رحمت خدا رفته بودند و غلامرضا آخرین فرزند و آخرین امید مادرش بود که با توسل به امام رضا(ع) خدا به آنها بخشیده بود. خواهر غلامرضا نیز که خیلی از او بزرگتر بود باز با توسل به امام رضا (ع) زنده مانده بود که نامش کنیز رضاست. غلامرضا از ۴ سالگی شروع به آموختن الفبای قرآن نمود و تقریباً در ۵ سالگی حروف الفبا را می شناخت.

تحصیلات مقدماتی

در ۶ سالگی در روستای چپکند ماهکان به دبستان رفت و تا کلاس دوم در این روستا به تحصیل اشتغال داشت. از کلاس سوم به روستاهای محل کار خانواده خواهرش منتقل شد و به شاگردی آقای مهدی غوث، پسرخاله، پسرعمو و داماد خانواده که معلم مدرسه بود نایل گردید. کلاس سوم را در فنود و مختاران و کلاسهای چهارم و پنجم را در توتسک عربخانه گذراند و در سال ششم دبستان به همراه معلم خود به مدرسه ملی صائب بیرجند منتقل گردید و سال ششم را با معدل عالی در آنجا گذراند. سیکل اول (کلاس هفتم تا نهم) را در دبیرستان خزیمه علم گذرانده و دانش آموزی نمونه بود. جادارد یادی از رییس فقیه مدرسه مرحوم صباغ و معلمین آن مدرسه داشته باشیم. سیکل دوم (کلاس دهم تا دوازده) به دبیرستان علم که در آن زمان مخصوص دانش آموزان ریاضی و فیزیک بود منتقل شد و پایه فهم ریاضیات در سایه تلاش ها و

تعلیمات استاد گرانقدر جناب آقای پرویز حسن پور تقویت و تکامل یافت.

تحصیلات دانشگاهی

پس از پایان دوره تحصیل با موفقیت در کنکور دانشگاه قبول شد و در رشته های دبیری فیزیک در دانشگاه مشهد و مهندسی آبیاری در دانشگاه شیراز پذیرفته شد و چون به کشاورزی علاقه داشت مهندسی آبیاری را برگزید و به دانشگاه شیراز رفت. پس از گذراندن چند ماهی در شیراز در فصل تابستان در کلاس (زبان) به علت دوری راه و مشکلات ناشی از آن از تحصیل در شیراز اصرار خانواده انصراف حاصل کرد و به مشهد مراجعت نمود و در رشته فیزیک به تحصیل مشغول شد و یک ترم را گذراند که در نهایت به علت اعتصابات دانشجویی آن ترم منحل شد و از تحصیل در دانشگاه مشهد در ترم دوم انصراف حاصل نمود و در کنکور نیمسال دوم در دانشکده آمار و انفورماتیک پذیرفته شد. در رشته آمار ادامه تحصیل داد و در خرداد سال ۵۸ دانشنامه لیسانس خود را در رشته آمار با رتبه عالی دریافت نمود و در همان رشته در دوره فوق لیسانس پذیرفته شد. در پایان ترم دوم دوره فوق لیسانس به دلیل انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها از تحصیل بازماند و در آموزش و پرورش تهران به عنوان دبیر استخدام گردید و پس از یکسال کار به تقاضا و علاقه خودش به بیرجند منتقل شد و در آنجا در دبیرستانهای شهید چمران، شهید رجایی و هنرستان ابوذر به تدریس پرداخت و در همین ایام موفق به تشکیل خانواده گردید. وی با خانم خدیجه محتشمی (نوه عمویس مرحوم آقا شیخ غلامرضا محتشمی) که دبیر آموزش و پرورش بود ازدواج کرد که حاصل این ازدواج چهار فرزند به نامهای فاطمه (کارشناس ارشد ریاضی و کارشناس ارشد علوم اعصاب از دانشگاه فرانکفورت المان و دانشجوی دکتری علوم اعصاب در کرمان)، حمیده (دانشجوی ترم اخردکتری اقتصاد رفتاری در دانشگاه بیرمنگام و نقاش)، حسینعلی (دکترای آمار) و وحیده (دانشجوی ترم آخر دکتری آمار دانشگاه مشهد) می باشد. بعد از بازگشایی دانشگاه ها در سال ۶۳ با داشتن ۲ فرزند دوباره تحصیلات خود را در دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد و با معدل (۱۹/۲) از این دانشگاه دانشنامه فوق لیسانس خود را در بهمن ۶۴ دریافت نمود.

شروع به کار در دانشگاه

پس از انتقال به مجتمع آموزش عالی بیرجند با همت و تلاش مرحوم دکتر درویش (ریاست وقت) در گروه ریاضی داشکده علوم شروع به کار نمود. بعد از یکسال مدیریت

گروه ریاضی را به عهده گرفت و در مدت بیش از ۳ سال توانست تعدادی نیروی جوان و پرتوان علمی را جذب و بورسیه نماید که نتیجه این اهتمام جایگاه ویژه ای را برای گروه ریاضی در ایران به جای گذاشت. در سال ۱۳۷۱ برای مدت کوتاهی مدیریت طرح و برنامه دانشگاه به ایشان محول شد.

ادامه تحصیلات دانشگاهی در خارج از کشور

در طی این مدت از سال ۶۴ تا ۷۱، ایشان چندین بار در آزمون اعزام شرکت کرد و در همه آزمونها با رتبه خوب قبول می شد ولی به علت مخالفت مادر پیرش موفق به اعزام نمی شد. بالاخره در سال ۷۲ توانست رضایت مادرش را جلب نموده و جهت ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام گردد. از سال ۷۲ تا ۷۶ وی در دانشگاه شفیلد انگلستان با تمام توان و تحمل مشکلات عدیده و داشتن ۴ فرزند با موفقیت دوره دکتری را به پایان رساند.

بازگشت به ایران

در سال ۷۶ به بیرجند مراجعت نمود. در سال ۷۷ به ریاست دانشگاه بیرجند انتخاب شد و در مدت بیش از ۳ سال مدیریت، برنامه ریزیهای کلان در جهت تحول شگرف در زیر ساخت فیزیکی و علمی دانشگاه به وجود آورد که اثرات آن همیشه در دانشگاه مشهود خواهد بود. علاوه بر راه اندازی گروه آمار در شرایط سخت مسئولیت دانشگاه فعالیت های شاخص ایشان از جمله: ۱- بورسیه ۵۵ نفر هیئت علمی در داخل و خارج از کشور جهت ادامه تحصیل در دوره دکتری ۲- بورسیه بیش از ۸۰ نفر از جوانان باهوش و مستعد مشغول به تحصیل در دوره دکترا ۳- انجام پروژه های عمرانی از جمله: ساخت خوابگاه دانشجویان، مسجد، استخر، زمین بازی، سردخانه، بازارچه دانشجویی، خانه های مسکونی اساتید و ... در پردیس شوکت آباد و مهمتر از همه دانشکده کشاورزی در پردیس امیرآباد (که بیش از ۷۰ درصد کار دانشکده کشاورزی توسط وی به انجام رسید). ۵- جذب کارشناسان علمی مستعد و خلاق در رشته های مختلف ۶- ایجاد پل ارتباطی علمی و فرهنگی بین دانشگاه های بیرجند و همین طور دانشگاه های کشور ۷- ایجاد زیر ساختهای مناسب در جهت توسعه و تحول دانشگاه در زمینه های فرهنگی، علمی، پژوهشی و اداری می باشد. در دوره تصدی این مسئولیتها، فعالیتهای علمی و پژوهشی خود را نیز رها نکرده و با تمام توان در آن کوشا بوده و پس از رها کردن مسئولیت ریاست دانشگاه در این زمینه فعال تر شد.

به علت عدم وجود دانشگاه جامع در دسترس برای تسهیل در ادامه تحصیلات فرزندان، علیرغم عدم تمایل ترک بیرجند، ناگزیز به انتقال به دانشگاه فردوسی مشهد شد و در گروه آمار فعالیت علمی خود را ادامه داد و در داخل و خارج از کشور در صحنه های علمی فعالیتهای چشمگیری را داشت که موارد زیر می تواند گوشه ای از این فعالیتهای را نمایان می کند.

فعالیت های آموزشی و پژوهشی

۱- چاپ بیش از ۱۹۰ مقاله علمی پژوهشی، ISI و ISC در مجلات معتبر دنیا که بیش از ۸۰ درصد آنها به زبان انگلیسی است

<https://prof.um.ac.ir/grmohtashami>

<https://scholar.google.com/citations?user=npAOP-QAAAAJ&hl=en&oi=sra>

<https://www.researchgate.net/profile/G-R-Mohtashami-Borzadaran>

۲- ارایه بیش از ۱۶۰ مقاله در مجامع بین المللی داخل و خارج.

۳- عضو هیئت تحریریه مجله فرهنگ و اندیشه ریاضی (انجمن ریاضی ایران) سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰.

۴- عضو هیئت مدیره انجمن آمار ایران به مدت ۶ سال که همچنان ادامه دارد.

۵- سر دبیر مجله ندا (انجمن آمار ایران سال ۱۳۸۴ تا حدود ۱۳۹۱) و همچنین سردبیر مجله تفکر و یادگیری آماری از ابتدای ۱۴۰۰.

۶- عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشی علوم آماری ایران سال ۱۳۸۵ تاکنون.

۷- عضو هیات مدیره انجمن آمار ایران (۶ دوره) و عضو پیوسته و دائم انجمن ریاضی ایران.

۸- تدریس دروس متنوع در دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در رشته آمار در دانشگاه های بیرجند و فردوسی مشهد، بسیاری از دروس پایه تخصصی رشته ریاضی را قبل از دوره دکتری (با مدرک فوق لیسانس) در دانشگاه بیرجند تدریس نموده است.

۹- راهنمایی پایان نامه های زیادی در دوره کارشناسی ارشد و دکتری مرتبط با مباحث نظریه اطلاع و قابلیت اعتماد و نابرابریهای اقتصادی در هر دو دانشگاه بیرجند و فردوسی مشهد.

۱۰- چاپ کتاب ریاضیات پیشرفته برای رشته های علوم و مهندسی

۱۱- عضویت در مجامع بین المللی از جمله انجمن برنولی و RSS به مدت ۴ سال.

۱۲- عضو کمیته تخصصی هیئت ممیزه علوم پایه دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۳- عضو اصلی هسته قطب علمی داده های ترتیبی و فضایی دانشگاه فردوسی مشهد (به مدت ۵ سال)

۱۴- داوری بیش از ۱۵۰ مقاله از مجلات معتبر علمی و پژوهشی بین المللی

۱۵- عضو هیات امنای دانشگاه بیرجند (۱ دوره).

۱۶- نماینده وزیر در هیات ممیزه دانشگاه بیرجند (۳ دوره) و نماینده وزیر در هیات
ممیزه دانشگاه زابل (۲ دوره)

۱۷- نماینده وزیر در هیات امنای موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری ۲ دوره

۱۸- عضو گروه تخصصی برنامه ریزی و گسترش آموزش عالی آمار ۲ دوره.



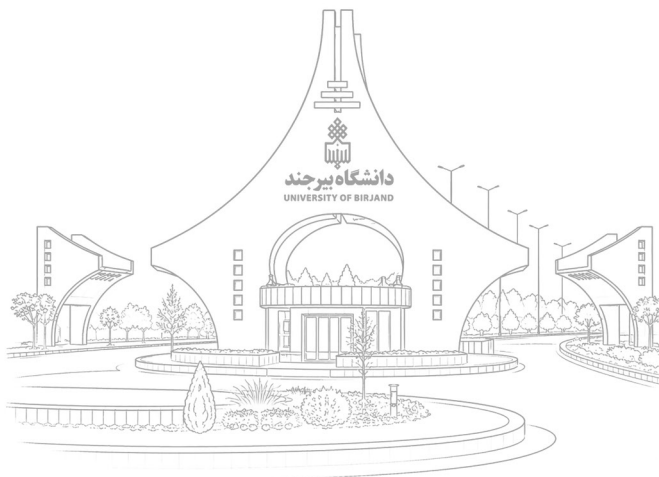
دکتر غلامرضا محترم برزادران

نکوداشت استاد پیشکسوت گروه آمار
دانشگاه‌های بیرجند و فردوسه مشهد
ورئیس اسبق دانشگاه بیرجند



یادداشت‌های تقدیمی ۱

جمعی از همکاران هیات علمی در دانشگاه‌های مختلف



دکتر محتشمی؛ نماد تعهد، اخلاق و همراهی همیشگی با جامعه آماری ایران



برای اینجانب، به عنوان عضوی از خانواده بزرگ آمار ایران، افتخاری ارزشمند است که در وصف استاد فرهیخته، پیشکسوت گرانمایه و چهره اثرگذار عرصه علم آمار، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمیبرزاداران، چند سطری به رشته تحریر درآورم. شخصیت‌هایی همچون ایشان، تنها با فهرستی از مسئولیت‌ها، عناوین دانشگاهی یا دستاوردهای علمی شناخته نمی‌شوند؛ بلکه آنچه نام آنان را در حافظه یک جامعه علمی ماندگار می‌سازد، مجموعه‌ای از فضایل انسانی، منش حرفه‌ای و خدمات خالصانه‌ای است که در گذر سالیان از خود برجای گذاشته‌اند. جامعه آماری ایران دکتر محتشمی را سال‌هاست به عنوان استادی دانشمند، مدیری مدبر، انسانی شریف و همراهی دلسوز می‌شناسد؛ استادی که دانش را با اخلاق، مدیریت را با فروتنی و مسئولیت را با احساس عمیق خدمت درآمیخته است. ایشان همواره با روحیه‌ای سرشار از تعهد و اخلاص، فارغ از توجه به عنوان‌ها و تقدیرها، توان و تجربه خود را در راه توسعه علم آمار، اعتلای جایگاه انجمن آمار ایران و پشتیبانی از فعالیت‌های علمی کشور به کار گرفته‌اند.

حضور مستمر و تأثیرگذار ایشان در هیئت‌مدیره انجمن آمار ایران در دوره‌های ششم، هفتم تا دهم و نیز دوازدهم و سیزدهم، نشان‌دهنده تعهد پایدار و مشارکت ارزشمند در مسیر رشد و بالندگی انجمن است. همچنین، نقش برجسته ایشان در هیئت تحریریه مجلات انجمن آمار به‌ویژه مجله اندیشه آماری نیز بخشی دیگر از خدمات علمی ماندگار ایشان به شمار می‌آید. اهتمام ویژه ایشان به داوری مقالات علمی موجب شد چندین بار به عنوان داور برتر مجله شایسته تقدیر شناخته شوند؛ با این حال، روحیه فروتنانه و پایبندی ایشان به اصول اخلاق حرفه‌ای سبب شد به دلیل عضویت در هیئت تحریریه، از پذیرش این عنوان و دریافت تقدیر مربوطه خودداری کنند.

دغدغه ارزشمند دیگر دکتر محتشمی، حفظ و معرفی میراث علمی آمار در ایران بوده است. فعالیت ایشان در کمیته تاریخ انجمن آمار ایران و تلاش برای ثبت، مستندسازی خدمات پیشگامان این حوزه، نشان‌دهنده نگاه عمیق ایشان به اهمیت تاریخ علم و نقش آن در هویت‌بخشی به جامعه علمی است. برگزاری نشست‌ها و برنامه‌های تخصصی در زمینه تاریخ آمار ایران، از جمله اقداماتی است که حاصل این نگاه مسئولانه و آینده‌نگرانه ایشان بوده است.

تجربه ارزشمند مدیریتی دکتر محتشمی، از جمله دوران ریاست دانشگاه بیرجند، در کنار



سال‌ها فعالیت آموزشی و تربیتی، تصویری از مدیری دانشگاهی ارائه می‌دهد که علم، اخلاق و تدبیر را در کنار یکدیگر به کار گرفته است. ایشان نمونه‌ای از معلمانی هستند که تأثیرشان تنها در کلاس درس و میان دانشجویان خلاصه نمی‌شود، بلکه در رفتار حرفه‌ای، تعامل با همکاران و خدمت به جامعه علمی نیز امتداد می‌یابد. در دوران مسئولیت اینجانب، بارها شاهد بودم که ایشان با دلسوزی و احساس تعلقی مثال‌زدنی، برای حل مسائل و پیشبرد اهداف انجمن آمار ایران تلاش می‌کردند و همواره منافع جامعه آماری را بر هر امر دیگری مقدم می‌دانستند.

توجه ویژه به جوانان، حمایت از رشد علمی نسل‌های جدید، پاسداشت مقام استادان و پیشکسوتان و حضور فعال در رویدادهای علمی و فرهنگی، از دیگر ویژگی‌هایی است که سیمای علمی و انسانی دکتر محتشمی را برجسته‌تر می‌سازد. ایشان نه تنها خود از سرمایه‌های ارزشمند جامعه آماری ایران هستند، بلکه با رفتار و منش خویش، الگویی شایسته برای نسل‌های آینده این رشته فراهم آورده‌اند.

فرآیند انتخاب پیشکسوت آمار در هفدهمین دوره انجمن آمار ایران، با دریافت پیشنهادهای گروه‌های آموزشی آمار سراسر کشور و بررسی دیدگاه‌های ارائه‌شده آغاز شد. کمیته منتخب پس از بررسی دقیق سوابق علمی، آموزشی، پژوهشی و خدمات حرفه‌ای نامزدهای معرفی‌شده، ضمن ارج نهادن به مقام علمی و تلاش‌های ارزشمند همه استادان و همکاران پیشنهادی، با اتفاق نظر دکتر غلامرضا محتشمی را شایسته دریافت عنوان پیشکسوت آمار این دوره دانست. این انتخاب، بیش از آنکه صرفاً اعطای یک عنوان باشد، ادای احترام جامعه آماری ایران به سال‌ها تلاش بی‌وقفه، خدمت صادقانه و نقش ماندگار ایشان در مسیر توسعه علم آمار کشور است.

به نمایندگی از هیئت‌مدیره انجمن آمار ایران، این انتخاب شایسته را صمیمانه به جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی تبریک عرض می‌کنم و مراتب سپاس و قدردانی خود را از تمامی پیشکسوتان و استادانی که با دانش، تلاش و بردباری، بنیان‌های علمی این جامعه را استوار ساخته‌اند، ابراز می‌دارم. بی‌تردید حضور استادانی چون دکتر محتشمی، سرمایه‌ای ارزشمند برای جامعه آماری ایران است و امید می‌رود که این جامعه علمی همچنان از اندیشه، تجربه، راهنمایی و نگاه بلند ایشان در سال‌های پیش رو بهره‌مند باشد.

دکتر زهرا رضائی قهرودی

دانشگاه تهران

و رئیس انجمن آمار ایران

دکتر محتشمی: استادی سخت کوش و با سعه صدر گسترده مانند افق



خوشحالم از این که فرصتی پیش آمده است تا در باره‌ی ویژگی‌های همکارم آقای دکتر محتشمی مطالبی را مکتوب کنم. از مدیر محترم گروه آمار دانشگاه بیرجند که چنین فرصتی را برایم فراهم کرده‌اند تشکر می‌نمایم. سعی کردم که بخاطر بیاورم که آقای دکتر محتشمی را از کجا و چگونه می‌شناسم، چیز روشنی بخاطرم نرسید. به گمان این آشنایی به قعر دوران می‌رسد، البته همکلاس نبودیم ولی بیشتر به نظرم می‌آید که در دانشگاه تربیت مدرس (آن روزها مدرسه تربیت مدرس) بیشتر ایشان را می‌دیدم. البته ظرفیت این دیدار هم برایم روشن نیست. در هر صورت آشنایی مانند نهالی که رشد کند و تنومند گردد خود بخود شکل گرفت، بعدها دانستم که ایشان از سرزمین کویری بیرجند آمده‌اند و بعد هم به همانجا بازگشتند و آنچه را که اندوخته بوده و یا در آن مهارت یافته بودند، با خود به دیار اجدادی بردند و در آنجا مصدر امور متعدد شدند و هر آنچه که از دست ایشان بر می‌آمد برای دانشگاه بیرجند انجام داده‌اند. به کارهای اجرایی و تالیفات ایشان نمی‌خواهم وارد شوم زیرا در مقاله مستقلی آمده است. نزدیکترین همکاری ما در مورد دوره‌ی دکتری آقای دکتر یاری بود که من قرار بود استاد راهنمای ایشان باشم و با تماس‌هایی که با آقای دکتر یاری داشتند، پیشنهاد عنوان رساله را دادند و من هم پذیرفتم و از آن به بعد بدون هیچ چشم داشتی همکاری صادقانه کردند. روان‌شناسان معتقدند که محیط زندگی انسان بر خلیقات و رفتار افراد اثر می‌گذارد، البته بیرجند را ندیده‌ام ولی باید محیطی کویری باشد. در کویر افق دور از دسترس استو شبها ستارگان و تمام اتفاق‌هایی که در آسمان شب می‌افتد به وفور دیده می‌شود. آقای دکتر محتشمی هم متأثر از این شرایط طبیعی فردی با سعه صدر گسترده مانند افق، دور از دسترس کویر و با ذهنی فعال چون آسمان شب و البته چون افراد کویری سخت کوش هستند. ایشان از طبیعت آموخته‌اند که برای به دست آوردن نتیجه باید سخت کار کرد و البته چنین هم کرده‌اند. از نتیجه‌ی زحمات ایشان دانشجویان بسیاری بهره‌برده‌اند و وجود ایشان در آن خطه سرمنشاء خیر و برکات برای علم آمار بوده و در مجموع تاثیر گذار بوده‌اند. قطعا در سالهای آتی که بسیاری از فعالیتهای ایشان ثمر می‌دهد، نتیجه‌ی زحمات ایشان بهتر دیده می‌شود. برای آقای دکتر محتشمی آرزوی سلامتی و توفیقات بیشتر را دارم.

در ستایش محتشم طایفه آمار



در زندگی هر انسان، برخی افراد تنها نقش همکار را ایفا نمی‌کنند، بلکه با دانش، منش و شخصیت خود به بخشی از مسیر فکری و حرفه‌ای او تبدیل می‌شوند. برای من استاد دکتر غلامرضا محتشمی از همین دسته افراد هستند؛ شخصیتی علمی و فرهیخته که سال‌هاست نام ایشان با آمار، آموزش و پرورش نسل‌های متعدد دانشجویان این رشته گره خورده است.

افتخار آشنایی من با ایشان به سال‌های دور و دوران تحصیل در مؤسسه آموزش عالی آمار باز می‌گردد؛ زمانی که هر دو در فضای علمی آن مؤسسه حضور داشتیم و از نزدیک شاهد تلاش‌ها، پشتکار و علاقه عمیق ایشان به علم و اندیشیدن بطور اعم بودم. مؤسسه آموزش عالی آمار در آن سال‌ها یکی از مهم‌ترین مراکز تربیت متخصصان آمار در کشور به شمار می‌رفت و بسیاری از چهره‌های برجسته این رشته از دل همان محیط علمی برخاستند. در میان آن جمع، غلامرضا همواره به واسطه دقت علمی، نگاه تحلیلی و اخلاق و حجب ذاتی خود جایگاه ویژه‌ای داشتند.

آمار علمی است که در ظاهر با اعداد و فرمول‌ها سرو کار دارد، اما در حقیقت ابزاری برای فهم بهتر جهان پیرامون ماست. تدریس این علم نیز تنها انتقال مجموعه‌ای از قواعد و تکنیک‌ها نیست، بلکه نیازمند توانایی ایجاد نگرش علمی در دانشجویان است. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های دکتر محتشمی همین توانایی است. ایشان نه تنها مفاهیم پیچیده آماری را با بیانی روشن و قابل فهم ارائه می‌کنند، بلکه همواره تلاش دارند دانشجویان را به تفکر انتقادی، تحلیل دقیق داده‌ها و جستجوی حقیقت علمی و بیش از آن به تفکر بنیانی تشویق کنند.

به اعتقاد وی رشد علمی درسایه پرسیدن، اندیشیدن و به چالش کشیدن فرضیات شکل می‌گیرد. همین رویکرد حتم دارم سبب شده است کلاس‌های ایشان فضایی پویا و زنده داشته باشد و دانشجویان خود را بخشی از فرآیند یادگیری احساس کنند.

علاوه بر دانش تخصصی، آنچه همواره در شخصیت دکتر محتشمی برجسته بوده، فروتنی و اخلاق عملی و علمی ایشان است. در روزگاری که گاه موفقیت‌های حرفه‌ای می‌تواند فاصله‌ای میان استاد و دانشجو ایجاد کند، ایشان همواره با رویی گشاده، رفتاری محترمانه و روحیه‌ای انسانی با اطرافیان خود برخورد کرده‌اند. بسیاری از دانشجویان و همکارانشان نه تنها از دانش ایشان بهره برده‌اند، بلکه از منش و رفتار حرفه‌ای ایشان نیز درس‌های ارزشمندی آموخته‌اند.

فعالیت‌های علمی دکتر محتشمی نیز گواه دیگری بر جایگاه برجسته ایشان در جامعه آماری کشور است. پژوهش‌های متعدد، تربیت دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی، مشارکت در توسعه دانش آماری و حضور مؤثر در مجامع علمی تنها بخشی از خدمات ارزشمند ایشان به این حوزه است. با این حال، شاید مهمترین میراث هر استاد نه مقالات و کتابها، بلکه انسانهایی باشد که تربیت کرده است. در این زمینه نیز دکتر محتشمی سهم بزرگی در پرورش نسل‌های مختلف متخصصان آمار داشته‌اند؛ افرادی که امروز در دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی مشغول خدمت هستند و هر یک به نوعی ادامه دهنده راه استاد خود به شمار می‌روند.

برای من، یادآوری سال‌های حضور در مؤسسه آموزش عالی آمار همواره با خاطراتی خوش از آن فضای علمی و نیز چهره جوانی شریف باهوش و خجالتی و باحیا همراه است. کسانی که با تلاش و پشتکار خود به ارتقای جایگاه علم آمار در کشور کمک کردند و الگویی برای نسل‌های بعدی شدند. هر بار که نام ایشان را می‌شنوم، علاوه بر یادآوری توانایی‌های علمی‌شان، به یاد شخصیت متین، اخلاق حرفه‌ای و علاقه صادقانه ایشان به آموزش می‌افتم.

جامعه علمی هر کشور برای پیشرفت خود نیازمند استادانی است که علاوه بر دانش تخصصی، الهام‌بخش دانشجویان و پژوهشگران جوان باشند. دکتر محتشمی بی‌تردید از جمله همین استادان هستند. حضور ایشان در عرصه آموزش و پژوهش نه تنها موجب رشد علمی بسیاری از دانشجویان شده، بلکه به توسعه فرهنگ علمی، تفکر منطقی و نگرش پژوهش محور نیز کمک کرده است.

امروز که سال‌ها از دوران دانشجویی ما در مؤسسه آموزش عالی آمار گذشته است، همچنان با افتخار از رفقای چوون وی یاد می‌کنیم. استادانی که نشان داده‌اند علم و اخلاق دو روی یک سکه‌اند و موفقیت واقعی زمانی معنا پیدا می‌کند که با انسانیت، فروتنی و خدمت به دیگران در حوزه و عرصه علم درخشد.

آثار استاد غلامرضا محتشمی را می‌توان در چهار محور اصلی بررسی کرد: نظریه اطلاعات و آنتروپی، قابلیت اعتماد و تحلیل طول عمر، توزیع‌های وزن دار و نامتقارن، و کاربردهای آماری در کنترل کیفیت، ریسک و نابرابری. ویژگی مهم این مجموعه آثار آن است که غالباً میان مفاهیم نظری احتمال و نیازهای کاربردی در آمار پیوند برقرار می‌کند. به بیان دیگر، پژوهش‌های او صرفاً به معرفی کمیته و مفاهیم ریاضی جدید محدود نمی‌شوند، بلکه نشان می‌دهند این نتایج چگونه برای مقایسه توزیع‌ها، سنجش عدم قطعیت، تحلیل داده‌های طول عمر، یا مدل‌سازی پدیده‌های نامتقارن و وابسته به کار می‌آیند.

یکی از برجسته‌ترین خطوط پژوهشی در آثار او، مطالعه آنتروپی و تعمیم‌های آن است. در مقالات مربوط به آنتروپی برای توزیع‌های پارتو و آماره‌های ترتیبی، آنتروپی نه فقط به عنوان



یک اندازه کلاسیک اطلاعات، بلکه به عنوان ابزاری برای فهم ساختار توزیعهای سنگین‌دم و رفتار نمونه‌های مرتب شده به کار می‌رود. این جهت‌گیری اهمیت زیادی دارد، زیرا در بسیاری از مسائل اقتصادی، بیمه‌ای، مالی و قابلیت اعتماد، توزیعهای سنگین‌دم نقش اساسی دارند. مطالعه آنتروپی در این توزیعها امکان مقایسه میزان پراکندگی، عدم قطعیت و تمرکز را فراهم می‌کند.

محور دوم، قابلیت اعتماد و تحلیل بقا است. در این حوزه، او و همکارانش مفاهیمی مانند زمان کل آزمون، عمر باقیمانده، عمر گذشته، ترتیب لاپلاس، شاخصهای پیری، و تبدیلهای مرتبط با قابلیت اعتماد را بررسی کرده‌اند. این آثار در سنت کلاسیک آمار قابلیت اعتماد قرار می‌گیرند، اما با افزودن ابزارهای اطلاعاتی و ترتیبی، امکان مقایسه ظرفیت‌تر سیستمها و توزیعهای طول عمر را فراهم می‌کنند. برای نمونه، مطالعه حفظ ترتیبهای تصادفی تحت آمیخته‌سازی، همنهشتی، یا سیستمهای سری، از نظر نظری مهم است و در تحلیل بقا درمسائل مهندسی، پزشکی و بیمه کاربرد دارد.

بخش مهم دیگری از زحمات او به متغیرهای تصادفی وزن‌دار اختصاص دارد. توزیعهای وزن‌دار زمانی ظاهر می‌شوند که نمونه‌گیری یا مشاهده داده‌ها با نوعی سوگیری ساختاری همراه باشد؛ برای مثال، واحدهایی با اندازه، طول عمر یا شدت بیشتر احتمال مشاهده بالاتری دارند. آثار مربوط به متغیرهای وزن‌دار، آنتروپی‌های دینامیک وزن‌دار، و نزدیکی پیتمن برای متغیرهای وزن‌دار نشان می‌دهد که این چارچوب چگونه می‌تواند برای استنباط آماری، مقایسه برآوردگرها، و تحلیل قابلیت اعتماد گسترش یابد. اهمیت این خط پژوهشی در آن است که بسیاری از داده‌های واقعی با سازوکار مشاهده ساده و بیطرف به دست نمی‌آیند. در سالهای اخیر، آثار او به سمت موضوعات چندمتغیره، وابستگی، کنترل کیفیت و ریسک نیز گسترش یافته است.

مقالاتی درباره نمودارهای کنترل ناپارامتری چندمتغیره با استفاده از کاپولا، آزمون استقلال سریالی با فاصله کولبک- لایبلر و نمادگذاری چارکی، و مدل‌های فضایی خودرگرسیون نشان می‌دهد که پژوهشهای او از قلمرو کلاسیک قابلیت اعتماد فراتر رفته و به مسائل داده محور جدید نیز توجه دارد. این آثار به ویژه برای موقعیتهایی مهم‌اند که داده‌ها نرمال نیستند، وابستگی پیچیده، یا ساختار زمانی و فضایی دارند.

نکته قابل توجه دیگر، ارتباط میان نظریه اطلاعات و نابرابری است. برخی آثار متأخر او به شاخصهای ریسک دمی، منحنیهای تمرکز، شاخصهای نابرابری و ارتباط آنها با توزیعهای بریده شده می‌پردازند. این مسیر پژوهشی از نظر مفهومی جالب است، زیرا نشان می‌دهد ابزارهایی که در آمار قابلیت اعتماد یا نظریه اطلاعات توسعه یافته‌اند، می‌توانند در تحلیل تمرکز، نابرابری و ریسک نیز به کار روند. به این ترتیب، مفاهیمی مانند آنتروپی،

ریسک دمی و منحنیهای تمرکز در یک چارچوب واحد قرار می‌گیرند. از نظر روش شناختی، آثار محتشمی اغلب بر تعریف کمیت‌های جدید، اثبات خواص ریاضی آنها، ارائه نتایج ناشیه، و سپس نشان دادن کاربرد آنها در خانواده‌های توزیعی خاص تکیه دارند. این سبک پژوهش، بیشتر نظری و تحلیلی است تا تجربی، اما ارزش کاربردی آن در این است که ابزارهای لازم برای تحلیل داده‌های واقعی را فراهم می‌کند. در بسیاری از مقالات، ابتدا یک اندازه یا تبدیل معرفی می‌شود، سپس خواصی مانند یکنوایی، تحذب، کرانه‌ها، حفظ ترتیب یا رابطه با شاخصهای شناخته شده بررسی می‌شود. جمع‌بندی کلی این است که غلامرضا در پی ساختن پلی میان احتمال نظری، نظریه اطلاعات و آمار کاربردی است. سهم اصلی این آثار را می‌توان در گسترش ابزارهای مقایسه توزیعها، سنجش عدم قطعیت، تحلیل قابلیت اعتماد، و مدلسازی داده‌های وزن‌دار و وابسته دانست. انسجام پژوهشی او در این است که حتی زمانی که موضوعات ظاهراً متفاوت‌اند- مانند آن‌تروپی، عمر باقیمانده، شاخصهای نابرابری یا نمودار کنترل- همگی حول پرسشی مشترک می‌چرخند: چگونه میتوان ساختار یک توزیع یا فرایند تصادفی را با کمیت‌هایی دقیق‌تر، قابل مقایسه‌تر و از نظر آماری معنادارتر را توصیف کرد؟ در پایان، بر خود لازم میدانم از خدمات علمی و آموزشی ارزشمند این رفیق پنجاه و چند ساله قدردانی کنم و برای ایشان سلامتی، شادکامی و توفیق روزافزون آرزو نمایم. بی تردید نام ایشان در حافظه علمی جامعه آماری ایران ماندگار خواهد ماند.

دکتر سیامک نوربلوچی
دانشگاه مینه سوتا آمریکا



تکریم پیشکسوتان، در حقیقت تکریم علم، تجربه، اخلاق و فرهنگ خدمت است. جامعه‌ای که بزرگان خود را ارج می‌نهد، در واقع سرمایه‌های معنوی خویش را پاس می‌دارد و الگویی روشن پیش روی نسل‌های آینده قرار می‌دهد. نکوداشت خدمتگزاران حوزه علم و دانشگاه، تنها قدردانی از یک فرد نیست، بلکه پاسداشت سال‌ها تلاش صادقانه برای اعتلای دانش، تربیت سرمایه انسانی و ساختن آینده‌ای بهتر برای کشور است.

آشنایی من با استاد ارجمند، جناب آقای دکتر محتشمی به سال ۱۳۷۷ بازمی‌گردد، زمانی که اداره دانشگاه فردوسی مشهد را بر عهده گرفتم و ایشان نیز هم‌زمان ریاست دانشگاه بیرجند را عهده‌دار شدند. در آن سال‌ها، دانشگاه بیرجند تحت پوشش هیئت امنای دانشگاه‌های منطقه شمال شرق کشور، با محوریت دانشگاه فردوسی مشهد، اداره می‌شد. از همین رو، در جلسات متعدد هیئت امناء و نشست‌های مدیریتی، فرصت یافتم از نزدیک با اندیشه، منش و شیوه مدیریت ایشان آشنا شوم.

آنچه از همان آغاز بیش از هر چیز در وجود ایشان جلوه‌گر بود، اخلاص، پاکدستی، فروتنی، عشق به کار و دغدغه‌ای عمیق برای توسعه دانشگاه بیرجند بود. مسئولیت برای ایشان نه یک منصب، بلکه فرصتی برای خدمت بود. با پشتکاری مثال‌زدنی، صبری برخاسته از تجربه و عزمی استوار، همه توان خود را برای پیشرفت دانشگاه به کار گرفتند. روحیه سخت‌کوشی، قناعت، استقامت و نجابتی که از ویژگی‌های مردمان کویر است، به زیبایی در شخصیت ایشان متجلی بود و همین خصال، منشأ خدماتی ماندگار در دانشگاه بیرجند شد.

سال‌های بعد، با حضور ایشان در دانشگاه فردوسی مشهد، فرصت تعامل و هم‌نشینی بیشتری فراهم آمد و شناخت من از ابعاد مختلف شخصیت علمی، مدیریتی و اخلاقی ایشان عمیق‌تر شد. در همه این سال‌ها، دکتر محتشمی را مدیری متواضع، استادی اخلاق‌مدار، همکاری مهربان و انسانی شریف یافتم که همواره مصالح دانشگاه و جامعه علمی را بر منافع شخصی ترجیح داده‌اند. بی‌تردید بخشی از هویت و اعتبار امروز دانشگاه بیرجند، مرهون تلاش‌های مدیران دلسوزی است که با نگاه بلندمدت، صداقت و احساس مسئولیت، پایه‌های رشد و بالندگی آن را فراهم ساخته و دکتر محتشمی از جمله چهره‌های برجسته این مسیر پرافتخار هستند.

از این رو، انتخاب شایسته ایشان به عنوان پیشکسوت برگزیده از سوی انجمن آمار ایران را صمیمانه تبریک می‌گویم و از اعضای محترم انجمن به سبب این اقدام ارزشمند که نشانه‌ای از قدرشناسی جامعه علمی نسبت به خدمتگزاران خود است، سپاسگزاری می‌کنم. همچنین از دانشگاه بیرجند که با برگزاری این آیین، خدمات یکی از فرهیختگان و مدیران خدوم خود

را ارج نهاده است، صمیمانه قدردانی می‌کنم. چنین آیین‌هایی، علاوه بر تجلیل از اشخاص، فرهنگ سپاسگزاری، وفاداری و مسئولیت‌پذیری را در جامعه دانشگاهی تقویت می‌کند. در پایان، از خداوند متعال برای استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر محتشمی، سلامتی، عزت، آرامش، توفیق روزافزون، دوام تندرستی و عمری طولانی و پربرکت مسئلت دارم و امیدوارم وجود ارزشمند ایشان همچنان منشأ خیر، برکت و الهام‌بخش نسل‌های آینده دانشگاهیان و پژوهشگران این سرزمین باشد.

دکتر عبدالرضا باقری
رئیس اسبق دانشگاه فردوسی مشهد



استاد دکتر غلامرضا محتشمی برزاداران؛ پیشگام آموزش و توسعه علم آمار در ایران



در تاریخ آموزش عالی ایران، نام برخی استادان نه تنها با یک رشته علمی، بلکه با شکل‌گیری و رشد یک نهاد دانشگاهی و تربیت نسل‌های متعدد دانش‌آموختگان پیوند خورده است. استاد دکتر غلامرضا محتشمی برزاداران را می‌توان از زمره این شخصیت‌های ماندگار دانست؛ دانشمندی که بیش از چهار دهه از عمر خویش را صرف اعتلای آموزش، پژوهش، مدیریت دانشگاهی و گسترش فرهنگ علمی در کشور کرده است و سهمی ارزشمند در توسعه علم آمار و آموزش عالی، به‌ویژه در شرق ایران، بر جای گذاشته است.

دکتر محتشمی برزاداران از نسل استادانی است که دوران شکل‌گیری و گسترش آموزش عالی نوین در ایران را از نزدیک تجربه کرده‌اند. نسلی که دانشگاه را صرفاً محل انتقال دانش نمی‌دانست، بلکه آن را کانونی برای تربیت انسان‌های اندیشمند، مسئولیت‌پذیر و اثرگذار در جامعه تلقی می‌کرد. همین نگرش سبب شد که فعالیت علمی ایشان همواره فراتر از تدریس در کلاس درس باشد و ابعاد گوناگون پژوهش، مدیریت علمی، برنامه‌ریزی آموزشی و توسعه نهادهای دانشگاهی را در بر گیرد.

از علاقه به ریاضیات تا ورود به دنیای آمار

استعداد و علاقه ایشان به علوم ریاضی از سال‌های نوجوانی آشکار بود. در روزگاری که امکانات آموزشی و پژوهشی با امروز قابل مقایسه نبود، تلاش، پشتکار و عشق به دانش راه را برای ادامه تحصیل در عالی‌ترین سطوح علمی هموار ساخت. انتخاب رشته آمار، در زمانی که این رشته هنوز جایگاه امروزی خود را در ایران نیافته بود، نشان از نگاه آینده‌نگر و درک عمیق ایشان از اهمیت این دانش داشت.

تحصیلات دانشگاهی و سپس ادامه مسیر علمی در خارج از کشور، افق‌های تازه‌ای را پیش روی ایشان گشود. حضور در دانشگاه شفیلد انگلستان و آشنایی با جریان‌های روز علم آمار، روش‌های نوین پژوهش و نظام‌های پیشرفته آموزش عالی، سرمایه‌ای علمی و مدیریتی برای ایشان فراهم آورد که بعدها در خدمت توسعه دانشگاه و جامعه علمی کشور قرار گرفت.

بازگشت به ایران پس از پایان تحصیلات، تنها یک انتخاب شخصی نبود؛ بلکه تصمیمی آگاهانه برای به‌کارگیری دانش و تجربه در مسیر توسعه علمی کشور به شمار می‌رفت. در سال‌هایی که کشور بیش از هر زمان دیگر به نیروهای متخصص و دانشگاهیان متعهد نیاز داشت، دکتر محتشمی برزاداران فعالیت دانشگاهی خود را با انگیزه‌ای مثال‌زدنی آغاز کرد.

استاد دانشگاه؛ فراتر از یک معلم

نسل‌های مختلف دانشجویان آمار، ریاضی و علوم وابسته، دکتر محتشمی برزادران را بیش از هر چیز با ویژگی‌های ممتاز آموزشی ایشان به یاد می‌آورند. دقت علمی، نظم فکری، تسلط بر مباحث تخصصی و توانایی انتقال مفاهیم پیچیده به زبانی روشن و قابل فهم، از مهم‌ترین ویژگی‌های تدریس ایشان بود.

در نگاه ایشان، آموزش صرفاً ارائه مطالب درسی نبود. استاد باید بتواند ذهن دانشجو را به تفکر مستقل، پرسشگری و تحلیل منطقی سوق دهد. به همین دلیل، بسیاری از دانشجویان ایشان اذعان کرده‌اند که مهم‌ترین دستاورد حضور در کلاس‌های وی، تنها یادگیری مفاهیم آماری نبود، بلکه آموختن شیوه اندیشیدن علمی و مواجهه منطقی با مسائل بود. ایشان همواره بر این باور بوده‌اند که آمار تنها مجموعه‌ای از فرمول‌ها و محاسبات نیست، بلکه زبانی برای فهم جهان و ابزاری برای تصمیم‌گیری آگاهانه است. این نگرش در تدریس و فعالیت‌های پژوهشی ایشان به روشنی دیده می‌شود.

نقش آفرینی در توسعه دانشگاه بیرجند

کارنامه علمی دکتر محتشمی برزادران با نام دانشگاه بیرجند پیوندی ناگسستنی دارد. بخش مهمی از رشد و بالندگی این دانشگاه در دهه‌های گذشته با حضور و تلاش ایشان همراه بوده است. وی در مسئولیت‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و مدیریتی نقش مؤثری در ارتقای جایگاه دانشگاه ایفا کرد. شناخت دقیق از نیازهای علمی منطقه، توجه به کیفیت آموزش، حمایت از اعضای هیئت علمی جوان و تأکید بر توسعه پژوهش از جمله محورهای فعالیت ایشان بود. اوج این مسئولیت‌ها در دوران ریاست دانشگاه بیرجند نمود یافت. در آن دوران، دانشگاه در مسیر توسعه و گسترش قرار داشت و نیازمند مدیریتی مبتنی بر آینده‌نگری، برنامه‌ریزی علمی و تعامل سازنده با اعضای هیئت علمی بود. دکتر محتشمی برزادران با تکیه بر تجربه دانشگاهی و شناخت عمیق از مسائل آموزش عالی، کوشید تا مسیر رشد دانشگاه را هموار سازد. دوران مدیریت ایشان را می‌توان دوره‌ای دانست که در آن توسعه فیزیکی دانشگاه با توسعه علمی و پژوهشی همراه شد. تقویت زیرساخت‌های آموزشی، توجه به پژوهش، حمایت از فعالیت‌های علمی دانشجویان و تلاش برای ارتقای کیفیت دانشگاه از جمله دستاوردهای این دوره به شمار می‌آید.

نکته‌ای که جایگاه ایشان را بیش از پیش برجسته می‌سازد آن است که پس از پایان مسئولیت‌های مدیریتی، همچنان با همان شور و علاقه به کلاس درس و فعالیت علمی بازگشت و نشان داد که هویت اصلی او پیش از هر عنوان مدیریتی، هویت یک استاد دانشگاه است.



پژوهشگر و مروج علم آمار

دکتر محتشمی برزادران در کنار فعالیت‌های آموزشی و مدیریتی، همواره پژوهش را یکی از ارکان اصلی زندگی علمی خود دانسته است. راهنمایی پایان‌نامه‌های متعدد کارشناسی ارشد و دکتری، مشارکت در طرح‌های پژوهشی و انتشار آثار علمی بخشی از فعالیت‌های پژوهشی ایشان را تشکیل می‌دهد.

اما شاید مهم‌تر از تعداد آثار علمی، تأثیری باشد که ایشان در گسترش فرهنگ پژوهش و تفکر آماری در میان دانشجویان و پژوهشگران برجای گذاشته‌اند. بسیاری از شاگردان ایشان بعدها خود به استادان دانشگاه، پژوهشگران و مدیران علمی کشور تبدیل شدند و این زنجیره انتقال دانش و تجربه همچنان ادامه یافته است. ایشان همواره بر اهمیت نقش آمار در توسعه علمی و اجتماعی تأکید داشته‌اند. از دیدگاه وی، تصمیم‌گیری مبتنی بر داده و شواهد علمی، یکی از ضرورت‌های جهان معاصر است و آمار در این میان نقشی بنیادین ایفا می‌کند. این نگاه سبب شد که فعالیت‌های ایشان تنها به حوزه نظری محدود نماند و همواره به کاربردهای واقعی علم آمار در مسائل جامعه نیز توجه داشته باشد.

اخلاق علمی و منشی دانشگاهی

اگرچه دستاوردهای آموزشی و مدیریتی دکتر محتشمی برزادران قابل توجه است، اما بسیاری از همکاران و شاگردان ایشان، مهم‌ترین ویژگی وی را در منش انسانی و اخلاق علمی او می‌دانند. فروتنی، احترام به دیگران، روحیه گفت‌وگو، انصاف در قضاوت، دقت در انجام مسئولیت‌ها و پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای از ویژگی‌هایی است که در توصیف شخصیت ایشان بارها مورد اشاره قرار گرفته است.

در دورانی که فضای دانشگاهی بیش از هر زمان دیگری نیازمند الگوهای اخلاقی است، شخصیت علمی و انسانی استاد محتشمی برزادران نمونه‌ای ارزشمند از پیوند دانش، اخلاق و مسئولیت اجتماعی به شمار می‌رود. ایشان نشان داده‌اند که موفقیت علمی زمانی ماندگار خواهد بود که با صداقت، فروتنی و تعهد همراه باشد.

میراثی ماندگار برای نسل‌های آینده

ارزش واقعی یک استاد دانشگاه را نمی‌توان تنها با تعداد مقالات، کتاب‌ها یا مسئولیت‌های اجرایی سنجید. میراث حقیقی استادان بزرگ در شاگردانی است که تربیت کرده‌اند، در اندیشه‌هایی که گسترش داده‌اند و در نهادهایی که به رشد و بالندگی آن‌ها کمک کرده‌اند. دکتر غلامرضا محتشمی برزادران از این منظر یکی از سرمایه‌های ارزشمند جامعه علمی ایران محسوب می‌شود. صدها دانشجو، ده‌ها پژوهشگر و اعضای هیئت علمی که از محضر او

بهره برده‌اند، بخشی از میراث علمی و فرهنگی ایشان را تشکیل می‌دهند. همچنین نقش مؤثر وی در توسعه دانشگاه بیرجند و ارتقای جایگاه علم آمار در کشور، یادگاری ماندگار برای نسل‌های آینده خواهد بود.

امروز که جامعه علمی ایران به مرور تاریخ خود و معرفی چهره‌های اثرگذار می‌پردازد، نام استاد دکتر غلامرضا محتشمی برزاداران با احترام و سپاس یاد می‌شود؛ استادی که دانش را با اخلاق، مدیریت را با مسئولیت‌پذیری و آموزش را با انسان‌سازی درآمیخت و بدین‌گونه جایگاهی شایسته در حافظه علمی کشور به دست آورد. بی‌تردید خدمات علمی، آموزشی و فرهنگی این استاد فرهیخته، همچنان الهام‌بخش نسل‌های آینده دانشگاهیان خواهد بود و نام ایشان در تاریخ آموزش عالی و علم آمار ایران ماندگار خواهد ماند.

در خاتمه با گزاره ای از سعدی و از خود تلاش علمی ایشان را نتیجه گیری می‌کنم. دو تن رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند. یکی آنکه آموخت و نکرد و دیگر آنکه اندوخت و نخورد (سعدی).

دو تن سعی و رنج را معنا دادند. یکی آنکه رنج برد که دانش به دیگران آموزد و دگر آنکه سعی کرد صفحه ای به دفتر علم افزون کند (ارس). غلامرضا محتشمی سعی و رنج را معنا داد.

احمد رضا سلطانی

دانشگاه شیراز

دکتر محتشمی: دوستدار علم و عاشق خدمت بی‌ریا به جامعه علمی



ذهن ما از هر فردی دوگونه خاطره در خود نگه می‌دارد: یکی خاطراتی پراکنده و سطحی از آشنایان گذرا و دیگری رشته‌ای ناگسستنی از خاطرات عمیق که شرحی بلند از شخصیت کسانی که آنها را به‌درستی می‌شناسیم، در وجود ما می‌سازد. در این شرح بلند، خصلت‌های اصلی فرد آن‌چنان پررنگ می‌شوند که گویی همه‌ی رفتار و گفتار او را همان چند ویژگی ناب تعیین می‌کنند.

خاطرات من از دکتر محتشمی، از دسته‌ی دوم است. نمی‌دانم نخستین بار در چه زمانی به دیدار ایشان نایل آمده‌ام، اما شرح بلند و پرمعنایی از اغلب ویژگی‌ها و خصلت‌های او در ذهنم نقش بسته است. می‌توانم بگویم که همه یا قریب به اتفاق ملاقات‌ها و هم‌صحبتی‌هایم با ایشان، در متن یا حاشیه‌ی جلسات و همایش‌های انجمن آمار بوده است.

مهم‌ترین خصلت دکتر محتشمی را، علاوه بر عشق او به کار علمی در هر سطحی و هر وجهی، در دلبستگی عمیق او به انجمن آمار دیده‌ام؛ دلبستگی‌ای که همواره با این آرزو همراه بوده که انجمن تعالی یابد و اهداف خود را در مسیری درست پی بگیرد. یادم نمی‌آید که در هیچ‌یک از موارد تصمیم‌گیری برای تعیین خط‌مشی فعالیت‌های انجمن، ایشان موضعی خارج از اصول بنیادین انجمن آمار، و به‌طور کلی، انجمن‌های علمی اتخاذ کند و با وجود شور و حرارتی که اغلب در لحن و گفتارش در بیان موضعش آشکار بوده، از دایره‌ی انصاف خارج شده باشد. صفای باطن او همواره از کلامش نمایان است.

از دیگر خصال نیکوی ایشان، تکریم و حرمت‌داری نسبت به دیگر استادان و به‌ویژه پیشکسوتان بوده است. از خاطرم نمی‌رود که در یکی از دوره‌های مسئولیت من در انجمن آمار، موضوع انتخاب پیشکسوت انجمن برای آن دوره مطرح بود. دکتر محتشمی که به دلیل رابطه استاد و شاگردی ارتباط مستمری با شادروان خانم دکتر ماه‌بانو تاتا داشتند و مرتباً به ایشان سر می‌زدند، اعضای کمیته را متوجه شرایط جسمی خانم دکتر تاتا کردند. اعضای کمیته نیز که فارغ از موضوع وخامت حال خانم دکتر، به جایگاه والای ایشان اذعان داشتند، به اتفاق آرا مهر تأیید بر انتخاب خانم دکتر ماه‌بانو تاتا به عنوان پیشکسوت آن دوره زدند و به این ترتیب، دقت نظر و حواس‌جمعی دکتر محتشمی (و البته نظر مساعد دیگر اعضای کمیته) موجب شد که کار انتخاب و تدوین کتابچه‌ی بزرگداشت به‌موقع انجام شود و پیش از آنکه سفر بی‌ بازگشت دکتر تاتا آغاز شود، به رؤیت ایشان برسد.

شاید اضافه کردن نکته‌ای درباره‌ی دلیل علاقه و احترام خاص دکتر محتشمی نسبت به خانم

دکتر تاتا خالی از لطف نباشد. به طوری که پیشتر هم متذکر شدم، دکتر محتشمی احترام خاصی برای استادان خود و کلاً همهٔ استادان و به ویژه استادان پیشکسوت قائل هستند اما احترام ویژهٔ ایشان برای خانم دکتر تاتا عمدتاً از این بابت بود که خانم دکتر تاتا بعد از فارغ التحصیلی از یک دانشگاه معتبر آمریکایی و چند سال کار در یک دانشگاه معتبر دیگر، کشور آمریکا را به قصد خدمت در ایران - کشور نیاکانی خود - ترک گفته و ساکن ایران شده بودند؛ به خصوص در زمانی که کشور ما نیاز جدی به استادان علوم پایه داشت. همان طور که اشاره شد، یکی از ویژگی های بارز دکتر محتشمی صفای باطن اوست؛ صفایی که موجب می شود همه ی کارها را با خلوص نیت انجام دهد و برای پیشبرد مقاصد علمی و اهداف انجمن، از هیچ کوششی فروگذار نباشند. شرکت منظم در همایش های انجمن آمار و همکاری و همراهی در برگزاری آنها به نحو احسن از دیگر کارهای سودمند ایشان و خدمت رسانی به جامعه علمی است. نکته قابل ذکر در این رابطه آن است که دکتر محتشمی عموماً مسئولیت نشست هایی را در کنفرانس های انجمن تقبل می کنند که کمتر شرکت کننده دارند، از قبیل نشست های تاریخ و فلسفه ی آمار، و همه تلاش خود را به عمل می آورند که این نشست ها به بهترین وجه ممکن برگزار شوند و استمرار پیدا کنند. دکتر محتشمی با وجود جایگاه علمی و اداری والا، در ارتباط با کارهای علمی و انجمن، همواره سعی کرده است همچون یک سرباز عمل کند: مخلصانه، فروتنانه، جانانه. شاید همین است راز ماندگاری خاطره او در ذهن ها با شاخص های خلوص نیت و صفای باطن. خلاصه کلام اینکه دکتر محتشمی انسانی خلیق، باصفا، و بی ریاست؛ یعنی یک شهروند خوب، دوست داشتنی، و قابل احترام. اما در مقام اندیشوری و عضویت در جامعه علمی، او را یک «عضو نمونه» یا «الگو» برای انجمن آمار می دانم. روزهای عمرش دراز و صدق و صفایش مستدام باد.

دکتر محمد قاسم وحیدی اصل
دانشگاه شهید بهشتی

آیین تجلیل از پیشکسوت گرانمایه، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران



در آستانه برگزاری هجدهمین کنفرانس آمار ایران و در روزهایی که دوست و همکار دیرینم، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران (عضو محترم هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد)، به افتخار بازنشستگی نائل آمده‌اند، مایه افتخار و خرسندی بنده است که چند کلامی را به پاس یک عمر دوستی و قرابت علمی به ایشان تقدیم کنم. تقارن دوران تحصیل ما در مقاطع عالی و هم‌سنگری در مسیر خدمت به آموزش عالی، فرصتی ناب بود تا همواره از اندیشه‌های پویا و صفات نیکوی اخلاقی ایشان بیاموزم.

برادر عزیزم آقای دکتر محتشمی، از همان روزهای جوانی و تحصیل، دانشجویی ساعی، دقیق و شیفته دانش آمار بودند. یاد و خاطره تلمذ مشترک در محضر استاد بی‌نظیر اخلاق و علم، زنده‌یاد جناب آقای دکتر محمدرضا مشکانی، همواره در جان ما زنده است. استاد مشکانی عزیز همواره با نگاهی پدرانه، از جناب محتشمی به عنوان یکی از بهترین و قدرشناس‌ترین شاگردان خود یاد می‌کردند و افق‌های روشنی را برای ایشان نوید می‌دادند.

کارنامه علمی جناب دکتر محتشمی، مشحون از دستاوردهای ارزشمندی است که مرزهای دانش آمار را گسترش داده است، انتشار مقالات متعدد و کلیدی در مجلات معتبر بین‌المللیو حضور فعال در مجامع علمی جهانی، تنها بخشی از مجاهدت‌های پژوهشی این استاد فرزانه است. ایشان در کنار این جدیت علمی، در عرصه اجرایی نیز مدیری مدبر و منشأ خیر بودند. تلاش‌های بی‌شائبه ایشان در دوران ریاست دانشگاه بیرجند برای جذب اساتید فرهیخته و جوانان متعهد، سنگ‌بنایی شد تا امروز گروه آمار آن دانشگاه به مجموعه‌ای پرافتخار و پویا در کشور تبدیل شود.

حضور دلسوزانه ایشان در ادوار مختلف هیئت مدیره انجمن آمار ایران، تاکید بر تقویت بنیه علمی گروه‌های آمار در شهرستان‌ها و خدمت خالصانه در نقش سردبیر و داور مجلات علمی، کنفرانس‌های ملی و سمینارهای تخصصی، گواهی بر عشق بی‌پایان ایشان به این مرز و بوم است. به ویژه سرعت عمل و تیزبینی ایشان در عضویت هیئت تحریریه مجله علوم آماری، همواره مایه اعتبار و ارتقای این جراید بوده است.

دکتر محتشمی عزیزم، فراتر از یک پژوهشگر برجسته، یک معلم راستین است. ایشان سالیان متمادی از عمر شریف خود را وقف هدایت و تربیت نسل‌های متمادی از دانشجویان در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری نموده‌اند، مربی دلسوزی که اصالت اخلاقی و وظیفه‌شناسی او امروز در رفتار و منش شاگردانی که تربیت کرده و تحویل جامعه

علمی و اجرایی کشور داده، تکثیر شده است. اوج این نگاه تربیتی متعالی و عشق به رشته آمار را می‌توان در کانون خانواده محترم ایشان نیز به نظاره نشست، جایی که فرزندان برومند و شایسته ایشان با الگوپذیری از پدر فرزانه‌شان، مسیر علم‌آموزی را در همین رشته تا مقطع دکتری ادامه داده و امروز با همان تعهد و اصالت خانوادگی، خدمت به جامعه علمی و اعتلای دانش آمار در کشور را سرلوحه کار خویش قرار داده‌اند. با صمیمانه‌ترین درودها، بازنشستگی اداری این استاد فرهیخته را تهنیت گفته و باور دارم که دانشگاه و جامعه علمی آمار همواره به مشاوره و تجارب ارزشمند ایشان نیازمند است. از درگاه باری تعالی برای برادر بزرگوارم و خانواده ارجمند و دانشمندشان، سلامتی، دلخوشی و طول عمر باعزت مسئلت دارم.

محسن محمدزاده

استاد گروه آمار، دانشگاه تربیت مدرس



در نکوداشت پیشکسوت آمار، استاد فرهیخته جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران



با عرض سلام خدمت شرکت‌کنندگان محترم در هجدهمین کنفرانس آمار ایران. مایه افتخار و خرسندی فراوان است که به مناسبت نکوداشت یکی از چهره‌های ارزشمند جامعه آماری ایران، دوست دیرین و همکار ارجمندم، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران، مطالبی را می‌نویسم.

تجلیل از پیشکسوتان، تنها بزرگداشت یک فرد نیست؛ پاسداشت نسلی است که با دانش، تعهد، بردباری و ازخودگذشتگی، بنیان‌های امروز آموزش و پژوهش کشور را بنا نهاده‌اند. اگر امروز جامعه آماری ایران از جایگاهی شایسته برخوردار است، این جایگاه بر شانه‌های استادانی استوار شده است که عمر، دانش و توان خود را بی‌دریغ در راه اعتلای علم و تربیت نسل‌های آینده صرف کرده‌اند. دکتر محتشمی بی‌تردید از جمله برجسته‌ترین چهره‌های این نسل پرافتخار هستند.

کارنامه علمی ایشان، سرشار از آموزش، پژوهش، مدیریت علمی و خدمت به جامعه دانشگاهی است؛ اما آنچه شخصیت ایشان را ممتاز می‌سازد، تنها این دستاوردها نیست. ارزش واقعی یک استاد را باید در تأثیری جست‌وجو کرد که بر انسان‌ها بر جای می‌گذارد. دکتر محتشمی از آن دسته استادانی هستند که نه تنها دانش می‌آموزند، بلکه مسئولیت‌پذیری، اخلاق حرفه‌ای و عشق به حقیقت را نیز به شاگردان خود منتقل می‌کنند. تعدادی از دانش‌آموختگان ایشان، امروز در دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و سازمان‌های مختلف کشور مشغول خدمت‌اند و هر یک بخشی از میراث علمی و اخلاقی استاد خود را با خود به همراه دارند.

از جمله افتخارات ماندگار ایشان، می‌توان به نقش تعیین‌کننده در بنیان‌گذاری، رشد و تثبیت گروه آمار دانشگاه بیرجند اشاره نمود. این اقدام صرفاً ایجاد یک گروه آموزشی نبود؛ بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده علم آمار در یکی از مناطق مهم کشور بود. ثمره آن دوراندیشی را امروز در پویایی و اعتبار این گروه آموزشی به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد؛ اما دامنه خدمات دکتر محتشمی فراتر از دانشگاه محل خدمت ایشان بوده است. حضور مؤثر و مستمر در انجمن آمار ایران، مشارکت در کارگروه تخصصی برنامه‌ریزی آموزش عالی، همکاری در کمیته‌های علمی، نقش‌آفرینی در برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌های تخصصی و همراهی همیشگی با برنامه‌های جامعه آماری، نشان می‌دهد که دغدغه ایشان همواره پیشرفت علم آمار در سراسر کشور بوده است، نه صرفاً موفقیت یک دانشگاه یا یک گروه

آموزشی. این روحیه خدمت، حتی پس از بازنشستگی نیز با همان انگیزه و مسئولیت‌پذیری ادامه یافته است.

آشنایی اینجانب با دکتر محتشمی به سال ۱۳۷۱ بازمی‌گردد؛ زمانی که برای ادامه تحصیل راهی دانشگاه شفیلد انگلستان شدم. در سال نخست، تنها دانشجوی ایرانی گروه آمار بودم. سال بعد، ایشان به همراه خانواده به شفیلد آمدند و همان آشنایی اولیه، به دوستی عمیقی انجامید که اکنون بیش از سی‌وسه سال از آن می‌گذرد. این دوستی، با گذر زمان نه تنها کمرنگ نشد، بلکه هر روز استوارتر شد و به ارتباط خانوادگی تبدیل گردید. در این سال‌ها، بارها در مسائل علمی و دانشگاهی از اندیشه، تجربه و مشورت‌های ارزشمند ایشان بهره برده‌ام؛ اما اگر بخواهم مهم‌ترین ویژگی دکتر محتشمی را در یک جمله بیان کنم، خواهم گفت که ایشان پیش از آنکه استادی برجسته باشند، انسانی بزرگ هستند. فروتنی، صداقت، انصاف، متانت، وفاداری، احترام به دیگران و روحیه خیرخواهانه، صفاتی است که در تمام سال‌های دوستی، همواره در رفتار و منش ایشان دیده‌ام. بی‌تردید نقش همسر گرمی و همراه ایشان نیز در شکل‌گیری این فضای سرشار از محبت، اخلاق و صمیمیت، نقشی ارزشمند و ستودنی است.

در محیط‌های علمی، دانش شرط لازم است، اما آنچه نام یک استاد را ماندگار می‌کند، منش اوست. مقالات علمی درگذر زمان ممکن است با پژوهش‌های تازه جایگزین شوند، اما تأثیری که یک استاد بر اندیشه، شخصیت و زندگی شاگردان و همکاران خود می‌گذارد، میراثی ماندگار است. به باور من، دکتر غلامرضا محتشمی برزاداران از همین گروه استادان هستند؛ کسانی که نه تنها در توسعه علم آمار، بلکه در اعتلای فرهنگ دانشگاهی و اخلاق علمی نیز سهمی ارزشمند داشته‌اند.

با نهایت احترام به همه استادان پیشکسوت جامعه آماری ایران، انتخاب جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزاداران به عنوان پیشکسوت آمار ایران در سال ۱۴۰۵ را صمیمانه تبریک عرض می‌کنم. این انتخاب، تجلیل از دهه‌ها تلاش صادقانه، مسئولیت‌پذیری، اخلاق علمی و خدمات ماندگار ایشان به جامعه آماری کشور است؛ انتخابی که بی‌تردید مورد تأیید و استقبال همه همکاران خواهد بود.

دکتر عبدالرحمن راسخ
دانشگاه شهید چمران اهواز

آیین تجلیل از پیشکسوت گرانمایه، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران



جناب دکتر غلامرضا محتشمی برزادران یکی از اساتید آمار و احتمال دانشگاه فردوسی مشهد هستند که در سال ۱۳۳۴ در روستای برزادران و در یک خانواده مذهبی و فعال در زمینه کشاورزی دنیا آمده‌اند و پس از اخذ درجه کارشناسی از دانشکده آمار و انفورماتیک به شغل شریف معلمی روی آورده‌اند. ایشان پس از مدتی به بیرجند انتقال یافتند و معلمی را ادامه دادند. ایشان پس از انتقال به مجتمع آموزش عالی بیرجند تلاش کردند با جذب نیرو گروه ریاضی این موسسه را تقویت نمایند. تادر نهایت در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه شفیلد انگلستان دکتری خود را اخذ و برای ادامه خدمت به دانشگاه بیرجند برگشتند. یک سال بعد از بازگشت ریاست این دانشگاه را به عهده داشته‌اند و سپس به دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شده‌اند. با دکتر محتشمی در جریان فعالیت‌های ایشان برای انجمن آمار و استماع سخنرانی‌هایشان در کنفرانس‌ها و سمینارهای انجمن آمار ایران آشنا شدم و به علاقه ایشان به فلسفه و تاریخ علم آمار و احتمال آگاه گردیدم. در برگزاری سمینارهای آموزش آمار که در دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه بیرجند برگزار شد توانستم مستقیماً در کنار ایشان باشم و در جریان برگزاری کنفرانس آمار ایران در بیرجند به علاقه و توجه ایشان به پیشرفت انجمن که ریشه در سابقه خانوادگی و تجربه زیبای معلمی ایشان دارد، بیشتر آشنا گردیدم. نقش دکتر محتشمی عزیز در گسترش دانشگاه بیرجند و فعالیت‌های انتشاراتی انجمن آمار ایران بر کسی پوشیده نیست. بسیار متأسفم که بیشتر از این در خدمت دکتر محتشمی نبوده‌ام و از کلاس درس ایشان بهره‌مند نشده‌ام. اطمینان دارم که همکاران ایشان در دانشگاه‌های فردوسی مشهد و بیرجند از خدمات مشارالیه بیشتر خواهند نوشت. حقیر فقط برای اطاعت از امر دوستان در مورد ایشان جسارت کردم و اطمینان دارم که خدمات ایشان در این مجموعه به خوبی عرضه خواهد شد. از این که با نداشتن صلاحیت کافی در مورد این دوست عزیز و علاقمند دست به قلم بردم، مرا ببخشید.

دکتر علی رجالی
دانشگاه صنعتی اصفهان

درباره دوستم



افتخار داشتم دوستی ارزشمند و همکاری علمی با ایشان داشته باشم. علاقه مشترک ما به مباحث آمار، نظریه اطلاعات و به ویژه مفهوم آنتروپی، زمینه ساز گفتگوهای علمی فراوان و یادگیری متقابل بوده است.

در کنار فعالیت های علمی، خاطرات خوشی نیز با هم داشته ایم. یکی از به یادماندنی ترین آن ها حضور ایشان در کنفرانس آمار کرمانشاه و همچنین سفر به پاوه بود که فرصتی فراهم کرد تا علاوه بر تبادل ایده های علمی، لحظات دلنشینی را در کنار یکدیگر سپری کنیم. ایشان را همواره به عنوان فردی اندیشمند، صمیمی و علاقه مند به گسترش دانش شناخته ام و برایشان موفقیت های روزافزون آرزو می کنم

بهاالدین خالدي

دانشگاه بین المللی فلوریدا



جان را هر که معرفت اندوخت، مردم است دل را هر آنکه نیک نگه داشت، پادشاست



جای بسی افتخار و خرسندی است که به مناسبت نکوداشت دوست، همکار و استاد فرهیخته، جناب آقای دکتر محتشمی، چند سطری را به پاس سال‌ها تلاش علمی، آموزشی و اجرایی ایشان به

رشته تحریر درآورم.

افتخار آشنایی اینجانب با ایشان به سال ۱۳۷۳ بازمی‌گردد؛ زمانی که در دانشگاه شفیلد انگلستان و در یک گروه علمی، تحت راهنمایی یک استاد راهنمای مشترک، مشغول به تحصیل بودیم. از همان نخستین دیدارها دریافتم که با شخصیتی ممتاز، انسانی وارسته، خوش‌خلق، متواضع و سرشار از روحیه‌ی همدلی و دلسوزی روبه‌رو هستم. در طول نزدیک به سه دهه آشنایی و همکاری، همواره ایشان را برخورداری از همین فضایل اخلاقی و انسانی دیده‌ام؛ ویژگی‌هایی که در کنار توانمندی‌های علمی، شخصیت ایشان را بیش از پیش ارزشمند و ماندگار ساخته است.

بی‌تردید بیان تمامی ویژگی‌های اخلاقی، علمی و خدمات ارزشمند اجرایی جناب آقای دکتر محتشمی در این مجال کوتاه نمی‌گنجد؛ با این حال، شایسته است به برخی از برجسته‌ترین ابعاد شخصیت علمی و حرفه‌ای ایشان اشاره کنم.

از منظر علمی دستاوردهای پژوهشی ارزشمند ایشان در نشریات معتبرحوزه آمار منتشر شده که سهم قابل توجهی در ارتقای جایگاه پژوهش‌های آماری کشور داشته است. تلاش‌های علمی ایشان نه تنها موجب اعتلای دانش آمار در ایران شده، بلکه الگویی ارزشمند برای پژوهشگران و دانشجویان این حوزه فراهم آورده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته ایشان، جایگاه ممتازشان به عنوان یک معلم و استاد دلسوز است. دکتر محتشمی نمونه‌ای شایسته از یک استاد علمی هستند که آموزش را صرفاً انتقال دانش نمی‌دانند، بلکه آن را رسالتی انسانی و تربیتی تلقی می‌کنند. در زمینه شاگردپروری، که از مهم‌ترین وظایف اعضای هیأت علمی دانشگاه‌هاست، ایشان طی سال‌های خدمت علمی خود توانسته‌اند دانش‌آموختگان بسیاری را تربیت کنند که امروز در دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی و اجرایی کشور منشأ اثر و خدمت هستند. تأثیرگذاری ایشان بر دانشجویان تحصیلات تکمیلی تنها به جنبه‌های علمی محدود نبوده، بلکه ویژگی‌های اخلاقی، منش انسانی و روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری ایشان نیز همواره الهام‌بخش شاگردانشان بوده است..

دکتر محتشمی همچنین خدمات ارزشمندی را به جامعه علمی کشور، به‌ویژه جامعه آماری ایران، ارائه کرده‌اند. ایشان نقش مؤثری در توسعه و ارتقای جایگاه علم آمار در کشور داشته

و از طریق فعالیت‌های مستمر در انجمن آمار ایران، از جمله عضویت در دوره‌های مختلف هیأت مدیره این انجمن، مشارکت فعال در برنامه‌ها، نشست‌ها و فعالیت‌های علمی آن، همواره در مسیر پیشرفت و گسترش این رشته تلاش کرده‌اند. برگزاری همایش‌ها و سمینارهای علمی در زمینه‌های مختلف آمار، در دوران حضور ایشان در دانشگاه بیرجند و دانشگاه فردوسی مشهد، از دیگر خدمات ماندگار ایشان در این عرصه است. بخش مهم دیگری از خدمات ارزشمند دکتر محتشمی به دوران مسئولیت ایشان به عنوان ریاست دانشگاه بیرجند بازمی‌گردد. در دوره مدیریت ایشان، این دانشگاه از جنبه‌های مختلف علمی، آموزشی و توسعه‌ای گام‌های مؤثری به‌سوی پیشرفت برداشت. از جمله اقدامات ماندگار ایشان، حمایت و فراهم‌سازی زمینه برای ادامه تحصیل جمعی از نیروهای مستعد دانشگاهی در دانشگاه‌های معتبر خارج از کشور بود که بسیاری از آنان پس از بازگشت، به سرمایه‌های علمی ارزشمند دانشگاه بیرجند و جامعه علمی کشور تبدیل شدند. در پایان، از درگاه خداوند متعال برای ایشان طول عمر باعزت، همراه با سلامتی، آرامش و شادکامی مسئلت دارم و امیدوارم سال‌های سال همچنان منشأ خدمات ارزشمندتر برای جامعه علمی کشور باشند و حضور پربرکت ایشان چراغ راه نسل‌های آینده پژوهشگران و دانشگاهیان این سرزمین باشد.

دکتر مجید اسدی
دانشگاه اصفهان

دکتر غلامرضا محتشمی: استادی تحول‌گرا



آشنایی این‌جانب با جناب دکتر غلامرضا محتشمی به بیش از پنجاه سال پیش برمی‌گردد، زمانی که جوانی ریزاندام، سبزه‌رو، نجیب، مهربان، صمیمی، آرام و با استعداد دانش‌جوی کارشناسی آمار موسسه آموزش عالی آمار شد. با دکتر محتشمی هم‌دوره کارشناسی و بعداً کارشناسی ارشد بودم. دکتر محتشمی دانش‌جویی کوشا، اهل مطالعه، موفق در تحصیل، و دوست‌داشتنی بود که مفتخر به افتخار رفاقت با او شدم. در دوره کارشناسی ارشد و با رخ‌دادن انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانش‌گاه‌ها، دیگر توفیق زیارت دکتر محتشمی تا بازگشایی دانش‌گاه‌ها، دست نداد. پس از فراغت از تحصیل در دوره کارشناسی ارشد آمار هر دو برای ادامه تحصیل در مقطع دکترای آمار عازم خارج از کشور شدیم: یکی به انگلستان و دیگری به ایالت‌های متحده آمریکا.

موسسه آموزش عالی آمار برپایه قانون تاسیس مرکز آمار ایران مصوب سال ۱۳۴۴ ه. ش. و به همت اولین رییس مرکز آمار ایران (مرحوم دکتر عباس جامعی) و مرحوم دکتر عباسقلی خواجه‌نوری به منظور تربیت نیروی انسانی مورد نیاز مرکز آمار ایران و سایر ارکان نظام آماری کشور در سال ۱۳۴۵ ه. ش. تاسیس شد. نظام آماری کشور نیاز به دانش‌آموختگانی داشت (و دارد) که علاوه بر موارد نظری با مسئله‌های کاربردی آمار آشنا باشند.

رشته آمار در دانش‌گاه‌های ایران بیشتر بر موارد نظری متکی است (تاکید بر خطای نمونه‌گیری) در صورتی‌که در عمل، آمارگیری‌ها با خطاهای غیرنمونه‌گیری مواجه هستند. موسسه آموزش عالی آمار سعی داشت که هر دو وجه را در برنامه آموزشی خود در نظر بگیرد. بنا بر این دانش‌آموختگان این موسسه از جمله جناب دکتر محتشمی آمار را با رویکرد عملی فرا می‌گرفتند.

این تجربه و نیز توجه به نیاز کشور سبب شد که جناب ایشان رویکردی مسئله‌محور در تربیت دانش‌جویان خود داشته باشند و پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی را با جهت‌گیری حل مسئله، راهنمایی کنند. از این نظر دکتر محتشمی علاوه بر این‌که استادی ممتاز در مباحث‌های نظری آمار است، استادی مجرب در کاربر آمار نیز هست.

نیاز مبرم کشور به استفاده‌های کاربردی آمار و با نبود موسسه آموزش عالی آمار، ضرورت بازنگری در سرفصل‌درس‌های رشته آمار را بیش از پیش نمایان ساخته است. آموزش کلاسیک آمار آن‌همه‌صورتی که وجود دارد، کمک چندانی به نیازهای کاربردی آمار نمی‌کند. بنا بر این علاوه بر لزوم بازنگری در سرفصل مطالب درس‌های رشته آمار با رویکردی ناظر بر خطای نمونه‌گیری و خطاهای غیرنمونه‌گیری ضرورت جهت‌گیری پژوهش‌های آماری مبتنی بر حل

مسئله نیز احساس می‌شود.

پس از فراغت از تحصیل در دوره دکترا و بازگشت به ایران مدت‌ها توفیق زیارت دکتر محتشمی را نداشتم تا این‌که حضرت ایشان را در مردادماه ۱۳۷۸ و در پنجاه دومین اجلاس ISI (موسسه بین‌المللی آمار) در هلسینکی، فنلاند، ملاقات کردم. بعد از این ملاقات و در دوران معلمی نیز توفیق زیارت و همکاری علمی با ایشان را داشتم. سخن آخر این‌که دکتر غلامرضا محتشمی علاوه بر اخلاق مداری، عمر شریف خود را صرف تربیت دانش‌جویانی کارآمد در نظام آماری کشور کرد. خداوند عمر پرخیر و برکت ایشان را برای نظام آماری کشور مستدام بدارد.

دکتر حمیدرضا نواب‌پور

دانشگاه علامه طباطبائی



دکتر غلامرضا محتشمی: استادی تحول‌گرا



بر حسب وظیفه‌ای که برای بنده تعیین شده است افتخار دارم تا در مورد یکی از اعضای محترم و پیشکسوت جامعه آماری کشور مطالبی را بیان کنم. جناب آقای دکتر محتشمی.

در ابتدا باید بگویم سابقه آشنایی بنده با ایشان به صورت کاملاً تصادفی به سال ۱۳۷۰ در دانشگاه شهید بهشتی در دفتر دکتر نوربلوچی بر می‌گردد. اما در سالهای بعد و به دلایل مختلف آشنایی مان بیشتر شد و خصوصیات ایشان نیز برای بنده بیشتر مورد توجه قرار گرفت که در ادامه به طور مختصر در حد توانم به آن‌ها اشاره خواهم داشت. معمولاً در هر جامعه علمی، استادانی وجود دارند که علاوه بر انتقال دانش، با منش، اخلاق حرفه‌ای و شیوه مدیریت خود، نقش مهمی در تربیت نسل‌های آینده ایفا می‌کنند. دکتر محتشمی را می‌توان از جمله استادان برجسته‌ای دانست که با سال‌ها تلاش در حوزه آمار، سهم ارزشمندی در آموزش، پژوهش و توسعه این علم داشته‌اند. ویژگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای ایشان، از جمله خانواده‌دوستی، علاقه به گسترش علم آمار، پیگیری مستمر امور، توانایی در تیم‌سازی، توجه به جایگاه استادی و پایبندی به قوانین و مقررات، سبب شده است تا همکاران و دانشجویان از ایشان به عنوان مدیری مسئولیت‌پذیر و استادی دلسوز یاد کنند.

علاقه به توسعه علم آمار

دکتر محتشمی همواره از حامیان جدی توسعه علم آمار بوده‌اند. ایشان باور دارند که آمار تنها یک رشته دانشگاهی نیست، بلکه ابزاری ضروری برای تصمیم‌گیری صحیح در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی است.

به همین دلیل، همواره دانشجویان را به انجام پژوهش‌های کاربردی، یادگیری روش‌های نوین آماری و استفاده از فناوری‌های جدید در تحلیل داده‌ها تشویق کرده‌اند. حضور فعال در فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و علمی، حمایت از پایان‌نامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی و تلاش برای ارتقای کیفیت آموزش آمار، بخشی از اقدامات ارزشمند ایشان در مسیر توسعه این علم به شمار می‌رود. نگاه آینده‌نگر دکتر محتشمی باعث شده است که همواره بر به‌روز بودن دانش و استفاده از دستاوردهای جدید علمی تأکید داشته باشند و دانشجویان را به یادگیری مستمر و پژوهش‌های نوآورانه ترغیب کنند.

پیگیری مستمر امور

تا آن‌جا که بنده اطلاع دارم از دیگر ویژگی‌های بارز دکتر محتشمی، پشتکار و پیگیری

دقیق امور است. ایشان اعتقاد دارند که موفقیت تنها با برنامه‌ریزی حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند پیگیری مستمر و نظارت دقیق بر اجرای برنامه‌هاست. در مسئولیت‌های آموزشی و مدیریتی، همواره تا حصول نتیجه نهایی، روند انجام کارها را دنبال می‌کنند و اجازه نمی‌دهند مسائل بدون تعیین تکلیف باقی بماند. این ویژگی موجب شده است که بسیاری از کارهای علمی و اجرایی با کیفیت مطلوب و در زمان مناسب به پایان برسند. دانشجویان نیز همواره از نظم، دقت و حساسیت ایشان نسبت به کیفیت کارها بهره‌مند شده‌اند و این ویژگی را عاملی مؤثر در افزایش مسئولیت‌پذیری خود می‌دانند.

توانایی در تیم‌سازی

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در فعالیت‌های علمی، همکاری و کار گروهی است. دکتر محتشمی با شناخت این موضوع، همواره بر اهمیت تیم‌سازی و همکاری میان اعضای هیئت علمی، پژوهشگران و دانشجویان تأکید داشته‌اند. ایشان معتقدند که پیشرفت علم در سایه تعامل، تبادل تجربه و همکاری مشترک امکان‌پذیر است. از این رو تلاش کرده‌اند فضایی ایجاد کنند که افراد با تخصص‌های مختلف بتوانند در کنار یکدیگر فعالیت کرده و از توانمندی‌های هم بهره‌مند شوند. تشویق دانشجویان به انجام پروژه‌های گروهی، ایجاد روحیه همکاری، تقسیم مسئولیت‌ها و استفاده از ظرفیت‌های افراد مختلف، از جمله رویکردهایی است که دکتر محتشمی همواره در فعالیت‌های علمی خود دنبال کرده‌اند.

استاد محوری و توجه به جایگاه استاد

دکتر محتشمی برای جایگاه استاد در نظام آموزش عالی احترام ویژه‌ای قائل هستند. ایشان معتقدند که استاد نه تنها انتقال‌دهنده دانش، بلکه الگوی اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان نیز محسوب می‌شود. از دیدگاه ایشان، حفظ شأن و منزلت استاد، موجب ارتقای کیفیت آموزش و افزایش انگیزه در محیط دانشگاه می‌شود. در عین حال، همواره بر مسئولیت‌پذیری استادان در قبال دانشجویان و جامعه علمی تأکید داشته و تلاش کرده‌اند این فرهنگ را در محیط دانشگاه تقویت کنند. احترام متقابل میان استاد و دانشجو، رعایت اخلاق حرفه‌ای و پایبندی به اصول علمی، از مهم‌ترین ارزش‌هایی است که ایشان در طول فعالیت علمی خود به آن پایبند بوده‌اند.

خاطره به یاد ماندنی برای نسل‌های آینده

همه می‌دانیم یکی از بزرگان علم آمار در کشور که شهرت بین‌المللی نیز داشتند و دارند

مرحوم استاد ارجمند دکتر محمدرضا مشکانی است. ایشان به حق جامعه آماری کشور قدر دان زحمت‌های این بزرگ مرد هستند. بعد از فوت ایشان یاد دارم که آقای دکتر محتشمی جقدر بزرگ مندان به عنوان یک دانشجوی قدر دان ایشان در فکر برگزاری مراسم یاد بود برای ایشان بودند. با بنده در این خصوص مشورت نمودند و قرار شد مراسمی برای بزرگ داشت ایشان انجام شود. میدانستم آقای دکتر محتشمی خودشان خیلی گرفتار بودند. اما برای هماهنگی گارهای و نظم چینش درست برنامه تقریباً هر دو روزیکبار با هم تلفنی صحبت می‌کردیم تا آن طور که در شان آن استادارجمند بود برگزار شود. به گواه ودوستان و همکاران مراسم یاد بود دکتر مشکانی بسیار خوب بر گزار گردید و این موضوع فقط به همت آقای دکتر محتشمی گرانقدر و پیگیریهای ایشان انجام پذیرفت.

قانون‌مداری و پایبندی به مقررات

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته دکتر محتشمی، قانون‌مداری و رعایت دقیق مقررات است. ایشان معتقدند که نظم و عدالت تنها در سایه اجرای صحیح قوانین تحقق می‌یابد و پیشرفت هر سازمانی نیازمند احترام به مقررات است.

در فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی، همواره بر اجرای دقیق آیین‌نامه‌ها تأکید داشته و تلاش کرده‌اند همه امور در چارچوب قوانین انجام شود. این ویژگی موجب ایجاد اعتماد، شفافیت و عدالت در محیط کاری شده است.

دانشجویان نیز از همان ابتدای همکاری با ایشان با اهمیت نظم، مسئولیت‌پذیری، رعایت زمان و پایبندی به مقررات آشنا می‌شوند و این موضوع تأثیر مثبتی بر رشد علمی و حرفه‌ای آنان دارد. در پایان باید گفت دکتر محتشمی نمونه‌ای از یک استاد متعهد، دلسوز مسئولیت‌پذیر و آینده‌نگر هستند که توانسته‌اند با تلفیق دانش، اخلاق و مدیریت، نقش مؤثری در پیشرفت علم آمار و تربیت دانشجویان ایفا کنند. به اعتقاد بنده جامعه آماری کشور باید به وجود چنین استاد برجسته‌ای افتخار نماید به بهانه‌های مختلف خصوصیات و الگویی باشد که خانواده‌دوستی، علاقه به توسعه علم آمار، پیگیری مستمر امور، توانایی در تیم‌سازی، احترام به جایگاه استاد و قانون‌مداری، از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که شخصیت علمی و مدیریتی ایشان را متمایز می‌سازد.

خانواده‌دوستی؛ پایه‌ای برای موفقیت حرفه‌ای

تا آنجا که اطلاع دارم یکی از ویژگی‌های دکتر محتشمی، توجه ویژه به خانواده و ارزش‌های خانوادگی است. ایشان همواره بر این باور بوده‌اند که آرامش و استحکام خانواده، زمینه‌ساز موفقیت‌های علمی و حرفه‌ای افراد است. این نگاه در رفتار و تعاملات ایشان نیز قابل مشاهده

است؛ به گونه‌ای که همواره تلاش کرده‌اند میان مسئولیت‌های حرفه‌ای و زندگی خانوادگی تعادل برقرار کنند. این روحیه موجب شده است که در برخورد با دانشجویان و همکاران نیز نگاهی انسانی و همراه با احترام داشته باشند. ایشان معتقدند محیط دانشگاه زمانی می‌تواند پویا و اثربخش باشد که روابط آن بر پایه احترام متقابل، همدلی و مسئولیت‌پذیری شکل گیرد.

بی‌تردید حضور استادانی با چنین ویژگی‌هایی سرمایه‌ای ارزشمند برای دانشگاه‌ها و جامعه علمی کشور است و می‌تواند الهام‌بخش نسل‌های آینده در مسیر علم، اخلاق و خدمت به جامعه باشد.

دکتر فرزاد اسکندری
دانشگاه علامه طباطبائی



در نکوداشت استاد ارجمند جناب آقای پرفسور غلامرضا محتشمی برزادران



در تاریخ آموزش عالی و پژوهش کشور، استادانی هستند که فراتر از انتقال دانش، با منش علمی، اخلاق حرفه‌ای و تربیت نسل‌های متعدد دانش‌آموخته، نقشی ماندگار در شکل‌گیری سرمایه انسانی و علمی جامعه ایفا می‌کنند. جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران از جمله این چهره‌های ارزشمند و اثرگذار در عرصه علم آمار و نظریه احتمال و کار بردهای آن در ایران و در سطح جهانی به شمار می‌آیند.

ایشان سالیان متمادی از عمر پر بار علمی خویش را در دانشگاه‌های بیرجند و فردوسی مشهد صرف آموزش، پژوهش و خدمت به جامعه دانشگاهی کرده‌اند. دانش گسترده، دقت علمی، نگاه نقادانه و پایبندی به اصول اخلاق دانشگاهی، ویژگی‌هایی است که همواره نام ایشان را در میان همکاران، دانشجویان و پژوهشگران برجسته ساخته است.

آموزش و تربیت دانشجو

یکی از برجسته‌ترین ابعاد شخصیت علمی دکتر محتشمی برزادران، نقش مؤثر ایشان در آموزش و تربیت دانشجویان است. ایشان در طی دهه‌ها تدریس در حوزه‌های مختلف آمار ریاضی، نظریه احتمال، فرایندهای تصادفی و سایر مباحث تخصصی این رشته، همواره کوشیده‌اند تا علاوه بر انتقال مفاهیم علمی، روحیه پژوهشگری، تفکر منطقی و دقت علمی را در دانشجویان خود پرورش دهند.

شیوه تدریس ایشان، مبتنی بر تسلط علمی، نظم فکری و توجه به فهم عمیق مفاهیم بنیادین بوده است. بسیاری از دانش‌آموختگان رشته آمار، رشته ریاضی و سایر رشته‌ها که از کلاس‌های درس ایشان بهره‌مند شدند، موفقیت‌های علمی و حرفه‌ای خود را وامدار راهنمایی‌ها و آموزش‌های استادانه ایشان می‌باشند. حضور فعال ایشان در همایش‌ها، سمینارها و نشست‌های علمی داخلی و خارجی نیز همواره فرصتی برای انتقال دانش و تجربه به نسل جوان پژوهشگران و سایر علاقمندان فراهم آورده است.

پژوهش و مرجعیت علمی

کارنامه پژوهشی دکتر محتشمی برزادران گواهی روشن بر جایگاه علمی ایشان در جامعه دانشگاهی داخل و خارج از کشور است. پژوهش‌های متعدد در زمینه نظریه احتمال، فرایندهای تصادفی، قابلیت اطمینان، نظریه اطلاعات و شاخه‌های مختلف آمار ریاضی،

موجب شده است که آثار علمی ایشان مورد توجه و استناد پژوهشگران داخلی و بین‌المللی قرار گیرد.

انتشار مقالات ارزشمند در نشریات معتبر علمی، مشارکت در طرح‌های پژوهشی، راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و تربیت پژوهشگران جوان، بخشی از خدمات علمی ماندگار ایشان به توسعه دانش آمار در ایران است. آثار علمی برجای‌مانده از ایشان نه تنها پاسخگوی مسائل علمی روز بوده، بلکه زمینه‌ساز گسترش پژوهش‌های نوین در این حوزه نیز شده است.

خدمات مدیریتی و اجرایی

در کنار فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، دکتر محتشمی برزادران همواره در مسئولیت‌های اجرایی و مدیریتی دانشگاهی نیز حضوری فعال و مسئولانه داشته‌اند. ریاست دانشگاه بیرجند، مشارکت در شوراهای علمی، برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی و ایفای نقش در اداره امور دانشگاهی، بیانگرا حساس مسئولیت و تعهد عمیق ایشان نسبت به پیشرفت دانشگاه و ارتقای کیفیت آموزش عالی کشور است.

ویژگی برجسته ایشان در عرصه مدیریت، تلفیق دانش تخصصی با اخلاق حرفه‌ای، عدالت‌محوری، سعه صدر و احترام به کرامت انسانی بوده است؛ خصوصیتی که موجب اعتماد و احترام همکاران، دانشجویان و مدیران دانشگاهی شده است.

سخن پایانی

بی‌تردید نام دکتر غلامرضا محتشمی برزادران در حافظه علمی دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور به خصوص در دانشگاه‌های بیرجند، فردوسی مشهد و جامعه آمار ایران به عنوان استادی فرهیخته، پژوهشگری پرتلاش و مدیری دلسوز ماندگار خواهد ماند. میراث ارزشمند ایشان نه تنها در قالب مقالات، کتاب‌ها و دستاوردهای علمی خلاصه نمی‌شود، بلکه در وجود شاگردان فراوانی تداوم یافته است که امروز در دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و عرصه‌های مختلف علمی داخل و خارج کشور منشأ اثر هستند.

این یادنامه ادای احترامی است به ایشان که در سال‌های متمادی تلاشی صادقانه، خدمات علمی ماندگار و نقش بی‌بدیلی در اعتلای دانش آمار و آموزش عالی کشور ایفا کرده‌اند. امید آنکه نسل‌های آینده نیز از آثار، اندیشه‌ها و شیوه علمی این استاد گرانقدر بهره‌مند شوند و راه پرفروغ ایشان را ادامه دهند.

منابعی در باره استاد دکتر غلامرضا محتشمی برزادران

۱- مستند استاد دکتر غلامرضا محتشمی برزادران (نسخه کامل)

<https://www.aparat.com/v/dsY9D>

۲- شرحی بر زندگی استاد دکتر غلامرضا محتشمی برزادران (در حاشیه سومین سمینار آمار دانشگاه بیرجند)

<https://birjand.ac.ir/museum/fa/news/۱۵۲۶۱>

۳- نکوداشت استاد پیشکسوت آمار و رئیس اسبق دانشگاه بیرجند دکتر غلامرضا محتشمی برزادران (در حاشیه سومین سمینار آمار دانشگاه بیرجند)

<https://birjand.ac.ir/fa/news/۱۴۹۷۹/>

۴- کتابچه نکوداشت دکتر غلامرضا محتشمی برزادران

<https://birjand.ac.ir/file/download/news/۱۶۳۴۸۳۷۸۰۶dr.-mohtashami۲۸-۰۷-۱۴۰۰-.pdf>

۵- مقالات و پژوهشهای علمی در گوگل اسکولار

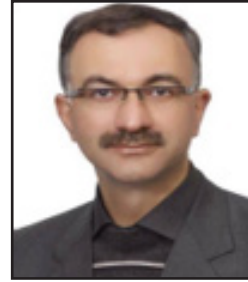
<https://scholar.google.com/citations?user=npAOP-QAAAAJ&hl=en>

۶- نسب شناسی علمی دکتر غلامرضا محتشمی برزادران

<https://www.genealogy.math.ndsu.nodak.edu/id.php?id=۱۸۲۴۴۱>

ماشاءالله ماشین چی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

چهار علاقه‌مندی



مایه خوشوقتی است که در بزرگداشت دوست و همکار گرامی جناب دکتر غلامرضا محتشمی برزاداران مطالبی را به رشته تحریر درآورم. بر آن شدم که به چهار ویژگی برجسته ایشان، به کوتاهی، اشاره کنم.

۱. خانواده‌دوست) دکتر محتشمی دلبستگی زیاد - بلکه بیش از اندازه رایج - به خانواده دارد. همه ما به همه افراد خانواده خود علاقه داریم. کیست که، برای مثال، خوشبختی فرزند خود را نخواهد و نگران تندرستی و پیشرفت و آینده او نباشد. ولی ایشان دلبستگی خاصی به همسر و چهار فرزند خود (سه دختر و یک پسر) دارد. برای من شرح می‌داد که آن هنگام که برای دختر اول ایشان، خواستگار آمده بود - و هنوز چیزی نه به بار بود، نه به دار - دکتر محتشمی، از شدت دلبستگی به دخترشان و نگرانی از رفتن وی از خانه پدری، چندین شبانه‌روز بیمار شد و در بستر بیماری افتاده بود.

۲. (وطن‌دوست) دکتر محتشمی دلبستگی زیاد و توجه جدی به زادگاه خود داشته است و دارد. ایشان در «برزاداران» به دنیا آمده است. برزاداران روستایی در ناحیه هردنگ از بخش جلگه ماژان شهرستان خوسف در خراسان جنوبی است. در گفتگویی کوتاه که با ایشان داشتم، اشاره کردند که:

ده‌ها سال پیش، در ناحیه هردنگ هر خاندان یک ملک بزرگ داشت که روستای آن خاندان را تشکیل می‌داد. برزاداران ملک پدر بزرگ ما بود که بعدها به دو پسرش می‌رسد، که یکی پدر من بود. به مرور زمان همه روستاها تقریباً خالی از سکنه شدند. اکنون از برزاداران تنها چند خانه به‌جا مانده است. برزاداران نیز خالی از سکنه است ولی من خانه پدری را که به ارث رسیده است بازسازی کرده‌ام و هر از چندی به آنجا می‌رویم. هم اکنون، از بیرجند که به سمت غرب حرکت کنیم به شهر خوسف می‌رسیم و بعد جلگه ماژان و بعد به برزاداران. کل مسیر از بیرجند تا برزاداران حدود ۱۱۰ کیلومتر است. در سطح بالای دانش‌دوستی و فرهنگ این ناحیه همین بس که از ناحیه هردنگ حدود ۳۵ دکترا (استاد دانشگاه و پزشک) برآمده است.

مالکین هردنگ هر یک ده در آن منطقه داشتند که برزاداران یکی از آنها بوده متعلق به پدر و عموی داخل دره دکتر محتشمی تاکید دارد که در امضای خود و در نشانی رایانامه خود، واژه برزاداران را به کار ببرد.

گفتمنی است که دکتر محتشمی از نوادگان آیت‌ا... محمدحسن هردنگی (درگذشته به سال ۱۲۸۸ ه.خ.) عالم و مجتهد برجسته و ده‌ها سال حاکم شرع منطقه قهستان (قائنات و بیرجند و فردوس و خوسف و بجستان و نواحی دیگری از خراسان جنوبی) بوده است. کتابی از ایشان



با عنوان «تاملات کلامیه» در ۶۰۰ صفحه در سال ۱۳۹۶ به همت مرحوم دکتر علی محمد ولوی از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده است. ۳. (دانشگاه بیرجند دوست) دکتر محتشمی یک دوره ریاست دانشگاه بیرجند را به عهده داشتند. هم از ایشان و هم از چندین همکار شنیده‌ام و خود نیز با چندین سفر به بیرجند دیده‌ام که در گسترش دانشگاه بیرجند و ارتقای فعالیت‌های آن در امور آموزشی و پژوهشی، بسیار تلاش کرده‌اند. پیگیری‌های ایشان در جذب نیروهای خبره و سودمند به منظور عضویت در هیات علمی دانشگاه بیرجند و همچنین کادر اداری و اجرایی آنجا زبانزد است. گویی دانشگاه بیرجند را خانه دوم خود می‌دانستند و تعصب خاصی به آن داشتند. پس از پایان دوره مدیریت نیز - تا هم اکنون - در تقویت دانشگاه بیرجند و پشتیبانی‌های لازم و هماهنگی با مسئولین مرتبط بی‌وقفه و دلسوزانه تلاش می‌کنند. (تاریخ‌آمار دوست) دکتر محتشمی دلبستگی زیاد به تاریخ آمار و تاریخ احتمال دارند. ایشان در این زمینه چند سخنرانی ایراد کرده‌اند و چند مقاله نگاشته‌اند. چه نیکو می‌بود و می‌باشد که نوشته‌های تاریخی خود را با ساختار بهتر و همچنین با مستندسازی دقیق‌تر بازنویسی و بازنشر کنند. و شاید این وظیفه شاگردان ایشان باشد که این بازنویسی، تنقیح، تکمیل، مستندسازی و بازنشر مطالب ایشان را درباره تاریخ احتمال و آمار بر عهده گیرند.

سید محمود طاهری
دانشگاه تهران



در پی سالها تلاش علمی، پژوهشی و آموزشی جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران و نقش اثرگذاری از ایشان در اعتلای علم آمار کشور، انجمن آمار ایران تصمیم گرفت در هجدهمین کنفرانس آمار ایران که به میزبانی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی برگزار می شود، از این استاد فرهیخته تقدیر کند؛ تصمیمی که بی تردید انتخابی بجا، سنجیده و در خور جایگاه علمی، اخلاقی و حرفه ای ایشان است. انتشار ده ها مقاله در مجلات علمی، سخنرانی های متعدد در محافل تخصصی و حضور فعال در هیئت تحریریه چندین نشریه معتبر، تنها بخشی از کارنامه پربار ایشان است.

نقش ایشان در داوری رساله دکتری اینجانب در سال ۱۳۸۸ نقطه ای بسیار مهم در مسیر علمی من و شروع آشنایی بنده با این استاد فرهیخته بود، داوری ای که همراه با دقت، ژرف نگری و نگاه مسئولانه که فراتر از یک ارزیابی رسمی، نوعی هدایت علمی و انتقال تجربه محسوب می شد. در همان دوران، توفیق همراهی ایشان در سفر به ماهان را داشتم که مصاحبت پربار، منش آرام و نگاه انسانی ایشان سرشار از لذت و یادگیری بود.

افزون بر این، نسبت علمی ایشان با مرحوم دکتر ماه بانو تاتا مادر علم آمار ایران، بر جایگاه علمی ایشان معنایی عمیق تر می افزاید. ایشان یکی از شاگردان مستقیم آن استاد فقید بودند و در سال ۱۴۰۲، هنگام درگذشت دکتر تاتا با وجود فاصله راه خود را از بیرجند با اتوبوس به کرمان رساندند تا در مراسم تشییع و بزرگداشت استادشان شرکت کنند؛ حضوری که نشان از وفاداری علمی؛ حرمت گذاری و عمق رابطه استاد - شاگرد دارد.

در کنار این همه، حضور طولانی مدت ایشان در هیئت مدیره انجمن آمار ایران، مشارکت در سیاست گذاری های علمی دانشگاه و نگارش کتاب های تخصصی، تصویری کامل از استادی می سازد که علم را نه فقط می آموزد، بلکه می زید و می پروراند. در پایان چه نیکو گفته است سعدی:

تو را بزرگ می دارند، چون بزرگی توست نه از بزرگی منصب که از بزرگی فضل

دکتر محسن مددی
دانشگاه شهید باهنر کرمان



آقای دکتر غلامرضا محتشمی دوره کارشناسی آمار خود را در مؤسسه آمار و انفورماتیک گذراندند. سپس دوره کارشناسی ارشد آمار را از دانشگاه شهید بهشتی و مدرک دکترای آمار را از دانشگاه شفیلد انگلستان اخذ نمودند.

آشنایی من با ایشان زمانی بود که مشغول کار روی پایان نامه کارشناسی ارشد خود، زیر نظر زنده یاد دکتر محمدرضا مشکانی در دانشگاه شهید بهشتی بودند. اینجانب، در جلسه دفاع پایان نامه ایشان به عنوان داور حضور داشتم. کار ارزنده وی در زمینه برآورد ناپارامتری تابع چگالی بود که با نمره بسیار خوب مورد تأیید قرار گرفت.

دکتر محتشمی کارهای پژوهشی وسیعی در جهت ارتقاء علم آمار انجام داده که در این زمینه میتوان به چاپ و انتشار تعداد بسیاری مقاله علمی در آمار و همچنین همکاری وسیع ایشان به عنوان داور مقالات علمی در مجلات مختلف تخصصی آمار نام برد که این موارد به روشنی با نگاهی به آثار پژوهشی وی که منعکس کننده تلاش مستمر در این زمینه است، ملاحظه می‌شود.

دکتر محتشمی در دوران کاری خود در زمینه آموزش آمار نیز فعالیت بسیار گسترده ای داشته است که از جمله تربیت تعداد زیادی دانشجوی دکترای آمار و دانشجوی کارشناسی ارشد آمار از جمله این فعالیتها می‌باشد.

علاوه بر این، ایشان فردی بسیار فعال در زمینه های مختلف کارهای اجرایی نیز بوده اند که عمده ترین آنها را می‌توان ریاست دانشگاه بیرجند نام برد.

نگاهی سریع به دوره کاری ایشان نشان دهنده دوره‌ای پربار، هم به لحاظ پژوهشی و آموزشی و هم از نظر اجرایی می‌باشد و براستی می‌توان اذعان داشت که ایشان دین خود را بخوبی نسبت به جامعه دانشگاهی و کشور ادا نموده است.

دکتر محتشمی علاوه بر شخصیت علمی به لحاظ شخصیت فردی نیز، همواره انسانی متواضع و متعهد به کار بوده‌اند.

با توجه به تلاش مستمر ایشان در دوران کاری، اکنون که به زمان پس از فعالیتهای دانشگاهی رسیده‌اند، برایشان آرزوی ایامی خوش همراه با آرامش در دوره بازنشستگی را دارم.

دکتر عبدالرحیم شهلایی

بازنشسته دانشگاه شهید بهشتی



در دهه ۵۰ شمسی محدود دانشگاه‌های کشور که تعداد آنها از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کرد در رشته آمار و در مقطع لیسانس دانشجو می‌پذیرفتند. در آن زمان، این دانشگاه‌ها عموماً رشته آمار همراه با رشته ریاضی و در گروه (بخش) ریاضی دانشجو می‌پذیرفتند. به همین دلیل آمار به‌عنوان شاخه‌ای از رشته ریاضی شناخته می‌شد. در این حال که آمار کمتر شناخته شده بود و در حالی که آموزش دانشگاهی آمار در ایران هنوز نوپا بود، موسسه آموزش عالی آمار به

همت دکتر عباسقلی خواجه نوری از پیشگامان علم آمار به عنوان یک نهاد تخصصی تاسیس و در رشته آمار و آنفورماتیک در مقطع لیسانس دانشجو پذیرفت. دکتر غلامرضا محتشمی در نیمه اول دهه ۵۰ علیرغم امکان انتخاب و تحصیل در رشته‌های مختلف با انتخاب رشته آمار در این موسسه مشغول تحصیل و لیسانس خود را اخذ نمود. ایشان با ادامه تحصیل و اخذ مدرک دکتری از دانشگاه شفیلد به مام وطن، ایران، برگشتند و زادگاه خود که منطقه محروم و دانشگاه جدیدالتاسیس بیرجند را برای خدمت برگزیدند.

برای من افتخار بزرگی بوده است که در سال‌های مختلف از نزدیک در کنار آقای دکتر محتشمی کار کرده‌ام و در بسیاری از فعالیت‌های علمی، اجرایی و دانشگاهی همراه و همکار ایشان بوده‌ام. دکتر محتشمی، استاد تمام آمار در دانشگاه فردوسی مشهد، از استادانی هستند که نسل‌های بسیاری از دانشجویان را تربیت کرده و با دلسوزی و حوصله راهنمایی کرده‌اند. بسیاری از دانش‌آموختگان این حوزه، مسیر علمی خود را با راهنمایی‌ها و حمایت‌های ایشان آغاز کرده‌اند و امروز هر کدام در جایی مشغول خدمت‌اند. در عرصه پژوهش نیز ایشان همواره حضوری فعال و اثرگذار داشته‌اند و مقالات علمی بین‌المللی متعددی از ایشان منتشر شده است که نشان‌دهنده تلاش مستمر و جدی ایشان در پیشبرد دانش آمار است.

سال‌های طولانی مسئولیت سردبیری مجله «ندا» انجمن آمار ایران را بر عهده داشته‌اند و با دقت و وسواس علمی، در ارتقای سطح این نشریه نقش به‌سزایی ایفا کرده‌اند. همچنین در چندین دوره به عنوان عضو هیئت‌مدیره انجمن آمار ایران فعالیت داشته‌اند و باعث افتخار بنده که در همان دوران عضو هیات مدیره بوده‌ام و خود شاهد نقش و سهم موثر ایشان در پیشبرد فعالیت‌های این انجمن بودم. حضور و عضویت ایشان و بنده در کمیته تخصصی برنامه ریزی درسی آمار در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری توفیقی برای من بود تا شاهد تسلط و تیزبینی ایشان به دروس آماری و آموزش رشته آمار به دانشجویان باشم.

همزمان با مسئولیت بنده در دانشگاه اصفهان، آقای دکتر محتشمی مسئولیت ریاست دانشگاه بیرجند را به عهده داشتند که نشان می‌دهد جامعه دانشگاهی تا چه اندازه به توان مدیریتی و نگاه مسئولانه ایشان اعتماد داشته و به جرات می‌توانم شهادت دهم که فعالیت



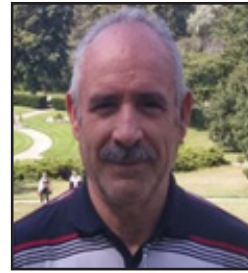
اجرایی وی تا چه اندازه در پیشبرد اهداف دانشگاه بیرجند و آموزش عالی در بیرجند موثر بوده است. علاقه و دلبستگی آقای دکتر محتشمی به زادگاه خود و دانشگاه بیرجند زایدالوصف است به طوری که حتی بعد از انتقال به دانشگاه فردوسی مشهد در رخدادهای مختلف از جمله کنفرانس آمار ایران به یاری همکاران در دانشگاه بیرجند شتافته و خالصانه تجربه خویش را در اختیار برگزارکنندگان قرار داده است.

اما آنچه برای من و بسیاری از همکاران، دکتر محتشمی را متمایز می‌کند، تنها دستاوردهای علمی و مدیریتی ایشان نیست. ویژگی برجسته ایشان این است که فعالیت‌هایشان هیچ‌گاه صرفاً به آموزش و پژوهش محدود نمانده است. ایشان همواره با نگاهی مسئولانه در عرصه‌های مختلف اجتماعی و اجرایی نیز حضور داشته‌اند و همین جامعیت، تصویری از یک استاد دانشگاه را به نمایش می‌گذارد که نسبت به دانشگاه و جامعه خود احساس تعهدی عمیق دارد.

برای من، همکاری با دکتر محتشمی فقط یک تجربه حرفه‌ای نبوده است؛ فرصتی بوده برای آموختن. در این سال‌ها از دانش، تجربه، منش علمی، و مهم‌تر از همه از اخلاق نیکو، صبوری و رفتار انسانی ایشان بسیار آموخته‌ام. هم‌نشینی و همکاری با ایشان همیشه با آرامش، احترام و دوستی همراه بوده و این چیزی است که هر همکاری قدر آن را می‌داند. امروز که فرصتی فراهم شده تا از خدمات و تلاش‌های ایشان قدردانی شود، خوشحالم که می‌توانم بگویم حضور دکتر محتشمی برای بسیاری از ما تنها حضور یک استاد یا مدیر نبوده است؛ بلکه حضور یک همکار صمیمی، یک راهنما و الگویی ارزشمند در علم و اخلاق بوده است.

دکتر هوشنگ طالبی
دانشگاه اصفهان

مطلع شدم که هجدهمین کنفرانس آمار ایران در تابستان ۱۴۰۵ در دانشگاه خواجه نصیر با همکاری انجمن آمار ایران برگزار می‌شود. برگزارکنندگان این کنفرانس و انجمن آمار به بنده امر فرمودند که از آشنایی و خاطراتی که با جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزاداران دارم به طور مختصر جهت نکوداشت این استاد محترم و مسلم آمار، همکار و دوست دیرینه مطالبی را بیان کنم. پیشاپیش از دست‌اندرکاران این کار پسندیده سپاسگزاری می‌نمایم که این قدردانی که شایسته ایشان می‌باشد را قبول زحمت نموده‌اند. برای همه‌ی شما عزیزان آرزوی تندرستی و توفیق دارم. وظیفه‌ی خطیری است که به بنده محول شده و در عین حال بسیار خرسندم که بخشی از ویژگی‌های آقای دکتر محتشمی را بیان کنم.



آشنایی بنده با ایشان برمی‌گردد به پاییز سال ۱۳۵۸ که ما در آزمون ورودی دوره‌ی کارشناسی ارشد آمار در مؤسسه آموزش عالی آمار که در روبروی سفارت سابق آمریکا در خیابان طالقانی (تخت جمشید سابق) مستقر بود پذیرفته شدیم. ایشان دانشجوی آمار مؤسسه بود که تابستان ۱۳۵۸ فارغ‌التحصیل شده بود و بنده فارغ‌التحصیل ریاضی محض دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی سابق) در همان سال بودم. با انتقال مؤسسه به خیابان پاسداران سال تحصیلی را شروع کردیم و در مدت کوتاهی ما به خصوصیات یکدیگر پی بردیم و بدون اعلام رسمی، دوستی و همفکری درسی ما شکل گرفت. هر چه از هفته‌های ترم سپری می‌شد، دوستی ما عمیق‌تر گشت تا رسیدیم به پایان نیمسال و امتحانات برگزار شد. در شروع ترم دوم هم کلاس‌یهایمان پیشنهاد کردند که در رابطه با بازبینی رشته تحصیلی مورد نیاز دانشگاهها مطالعه و نظرخواهی از وزارتخانه‌ها و افراد صاحب نظر انجام دهیم. این پیشنهاد در مؤسسه تصویب شد با این شرط که نیمسال دوم جزو سنوات تحصیلی محاسبه نشود. ما کارمان را شروع کرده تا هفته اول اردیبهشت ۱۳۵۹ که انتخابات تشکلهای دانشجویی باعث ناامنی در دانشگاهها شد و در دوازدهم اردیبهشت دانشگاهها را برای انقلاب فرهنگی تعطیل کردند. در این زمان دکتر محتشمی به بیرجند برگشت و دنبال شغل معلمی رفت، تا این که در پاییز سال ۱۳۶۳ مجدداً دوره‌های فوق‌لیسانس در دانشگاهها بازگشایی شد و ما به مؤسسه برگشتیم که آن موقع مؤسسه در دانشکده‌ی انفورماتیک دانشگاه شهید بهشتی ادغام شده بود.

به خاطر دارم از ۹ یا ۱۰ نفری که ورودی دوره بودیم فقط آقای دکتر محتشمی و بنده در دانشکده ثبت نام کردیم و مطلع شدیم که آقایان دکتر نواب‌پور و دکتر فقیهی هم در دانشگاه تازه تأسیس تربیت مدرس بورسیه شده‌اند. ما به طور جدی کارمان را زیر نظر آقایان مرحوم دکتر محمدرضا مشکانی و مرحوم دکتر علی عمیدی ادامه دادیم که در خرداد



۱۳۶۴ با گذراندن واحدهای تئوری به پایان رسید. دکتر محتشمی پایان‌نامه‌اش را با راهنمایی مرحوم دکتر مشکانی شروع و در پاییز ۱۳۶۴ فارغ‌التحصیل شد و بنده با ارائه پایان‌نامه‌ام به راهنمایی دکتر درگاهی فارغ‌التحصیل شدم. آقای دکتر محتشمی جذب آموزش و پرورش شد و من در دانشگاه علم و صنعت مشغول به کار شدم، از آن موقع به بعد همکاری علمی و پژوهشی ما به طور جدی و مستمر ادامه یافت تا این که آقای دکتر محتشمی برای ادامه‌ی تحصیل به کشور انگلستان رفت و زمانی که برگشت بار دیگر همکاری ما قوت گرفت و تا قبل از بازنشستگی ایشان و بنده پنج دانشجوی آمار به طور مشترک فارغ‌التحصیل کردیم و تعداد زیادی مقاله در مجلات علمی معتبر به چاپ رساندیم، ولی از انصاف به دور است که اشاره به ویژگیهای ایشان نداشته باشم:

ایشان فردی خودساخته از یک منطقه نابرخوردار از امکانات رفاهی از خطه‌ی خراسان جنوبی (بیرجند) سخت‌کوش و علاقه‌مند به امر آموزش، پژوهش و استادی جدی، با صلابت، وقت‌شناس و بسیار حساس در مورد انتخاب دانشجوی دکترا و چاپ مقالات در مجلات معتبر بودند و هستند. من از دوستی با ایشان بسیار بهره‌مند شدم و به این دوستی همیشه افتخار می‌کنم.

غلامحسین یاری
دانشگاه علم و صنعت

مایه مباهات هست که این فرصت مغتنم در اختیار بنده گذاشته شد تا در مورد استادی فرهیخته و انسانی بزرگوار، جناب آقای دکتر محتشمی چند سطری نگارش نمایم. استاد را اولین بار سال ۱۳۹۴ در اولین سمینار نظریه قابلیت اعتماد و کاربرد های آن که در دانشگاه اصفهان برگزار شده بود ملاقات کردم. وقتی به ایشان معرفی شدم با چهره متبسم، برخورد صمیمی و بی تکلفشان بنده را پذیرفتند



گویی چندین سال است که همدیگر را می شناسیم. فروتنی و حسن خلق آقای دکتر بر من بسیار تاثیر گذاشت و به من آموخت که عالمان واقعی، از تکبر و خود بزرگ بینی مبری هستند. این امر باعث شد ضمن تحسین مقام و مرتبه علمی ایشان، یک دوست قابل اعتماد به مجموعه دوستان من اضافه شود و در این سال ها، همواره از دانش و تجربه ایشان بهره برده ام. بی گمان، همکاران گران قدر و به ویژه شاگردان برجسته ای که ایشان به جامعه علمی کشور هدیه کرده اند، هر یک به نوبه خود حق مطلب را در وصف کوشش های علمی ایشان ادا خواهند کرد. برای من اما فراتر از مقام علمی ایشان، در روزگاری که گاهی ارزش ها دچار تزلزل می شوند، جناب آقای دکتر محتشمی، نه یک استاد صرف، که تعبیر کامل و جامع یک «انسان شرافتمند» هستند. در پایان، جز طلب سلامت برای این سرمایه بزرگ علمی و اخلاقی، سخنی بر زبان نمی رود. امید که سایه پر مهر و خیر ایشان همچنان بر سر جامعه علمی و دوستدارانشان مستدام و پاینده باد.

دکتر فیروزه حقیقی

دانشگاه تهران

همکاری که الگوی اخلاق و دانش است



آشنایی با دکتر محتشمی به دعوت سخاوتمندانه ایشان از بنده برای شرکت و ارایه سخنرانی در پنجمین سمینار احتمال و فرایندهای تصادفی در دانشگاه بیرجند برمی‌گردد. منش و برخوردهای علمی و دوستانه‌ای را که برای اولین بار از ایشان دیدم، در سالهای بعد نیز در خلال سایر مناسبتها و کنفرانس‌های علمی هر بار عمیق‌تر تجربه کردم.

آشنایی و همکاری با دکتر محتشمی، همواره برای اینجانب یادآور این بیت حکیمانه بوده است که «ز دانش، روان را فروغی است و بس». آنچه در سالهای همکاری با ایشان بیش از هر چیز مرا تحت تأثیر قرار داد، نه عمق احاطه‌ای علمی‌شان که تواضع بی‌نظیر و گشاده‌رویی‌شان در برابر تمامی همکاران و دانشجویان بود. ایشان ثابت کردند که بزرگی يك استاد، تنها به تعداد مقالات و کتابهایش نیست، بلکه به وسعت قلبی است که برای شنیدن حرف دیگران باز می‌گذارد. بدون تعارف، دانش دکتر محتشمی چراغ راه ما و اخلاق ایشان، مرآه‌ای برای دانشگاه خواهد بود.

اینجانب که سالها افتخار هم‌سخنی و همکاری با جناب استاد را داشته‌ام، این فرصت را مغتنم می‌شمارم تا برگه‌ای از دفتر سپاس خود را به نام ایشان مزین کنم. آنچه شخصیت ایشان را در نگاه من و سایر همکاران، بدیع و بی‌نظیر می‌سازد، تلفیق شگفت‌انگیز «علم نافع» و «اخلاق فاضله» است. ایشان از آن دسته بزرگانند که هرچه بر غنای علمیشان افزوده می‌شود، بر فروتنی و مدارایشان نیز افزوده می‌گردد. در روزگاری که گاه علم، تکبر می‌آورد، ایشان با تواضعی مثال‌زدنی، ثابت کردند که حقیقت دانش، به خاکساری و پاسخگویی به خلق است.

نگاه همیشگی خندان و گوش شنوای ایشان برای رفع مشکلات علمی و اداری همکاران، سرمشقی است که هیچگاه از خاطر اینجانب نخواهد رفت. پروردگار را شاکرم که همکاری با چنین گوهری را نصیبم فرمود و تداوم توفیقات ایشان را از درگاهش مسألت دارم.

دکتر کاووس خورشیدیان

دانشگاه شیراز

ماندگار در ذهن و دل



در میان صاحبانِ اندیشه، کم نیستند کسانی که کارنامه‌ای پربار از مقاله، کتاب و مسئولیت‌های علمی دارند. اما آنچه یک استاد را در ذهن همکاران و شاگردان ماندگار می‌کند، تنها فهرست دستاوردهای او نیست، بلکه منش، اخلاق و شیوه زیستن اوست. در جامعه

علمی آمار ایران، نام دکتر غلامرضا محتشمی برزاداران نیز بیش از آنکه با مقالات، کتاب‌ها و مسئولیت‌های دانشگاهی شناخته شود، با سال‌ها تلاش صادقانه در مسیر آموزش، پژوهش، توسعه نهادهای علمی و تربیت نسل‌های متعدد دانشجویان گره خورده است. برای من، دکتر محتشمی از همین جنس استادان هستند، استادانی که اثر واقعی‌شان را نه فقط در صفحات کتاب‌ها و مجلات علمی، بلکه در ذهن و دل همکاران و شاگردان خود بر جای می‌گذارند.

سال‌هاست که افتخار همکاری با ایشان را در جامعه آمار ایران داشته‌ام. هر بار که نام دکتر محتشمی به میان آمده، پیش از هر چیز، تصویر انسانی متین، آرام، خوش‌اخلاق و خیرخواه در ذهنم نقش بسته است. استادی که هیچ‌گاه هیاهو را بر کار ترجیح نداد و همواره اجازه داد آثار علمی، تلاش‌های آموزشی و خدمات دانشگاهی‌اش به جای خودش سخن بگویند. وقتی به مسیر زندگی ایشان نگاه می‌کنم، بیش از هر چیز، استمرار و استقامت را می‌بینم. از کودکی در روستای برزاداران تا پیمودن راهی طولانی برای رسیدن به قله‌های علمی، از سال‌های تدریس در مدارس تا استادی دانشگاه، از مدیریت دانشگاه بیرجند تا سال‌های پربار حضور در دانشگاه فردوسی مشهد. در همه این فراز و فرودها، یک ویژگی ثابت مانده است: احساس مسئولیت نسبت به علم، دانشگاه و نسل جوان.

جامعه آمار ایران، دکتر محتشمی را تنها با مقالات ارزشمند، دانش عمیق در نظریه اطلاعات و قابلیت اعتماد، یا سال‌ها فعالیت در انجمن آمار ایران نمی‌شناسد. بسیاری از ما ایشان را با روحیه همراهی، فروتنی، انصاف و نگاه پدرا نه‌ای که نسبت به همکاران و دانشجویان دارند، به یاد می‌آوریم. این ویژگی‌ها سرمایه‌ای است که شاید در هیچ رزومه‌ای نوشته نشود، اما در خاطره همه کسانی که با ایشان کار کرده‌اند، باقی خواهد ماند.

نسل ما خوش‌شانس بوده است که در کنار چنین استادانی رشد کرده است. استادانی که نشان دادند می‌توان در عین برخورداری از جایگاه علمی والا، متواضع ماند، شنونده بود، اختلاف‌نظرها را با احترام مدیریت کرد و همواره خیر جمع را بر منفعت شخصی ترجیح داد. بزرگداشت دکتر غلامرضا محتشمی برزاداران، در حقیقت بزرگداشت نسلی از استادان است که با صداقت، سخت‌کوشی و عشق به دانشگاه، پایه‌های امروز رشته آمار ایران را استوارتر



کردند. از صمیم قلب، برای ایشان سلامتی، آرامش و سال‌های طولانی سرشار از نشاط و توفیق آرزو می‌کنم و امیدوارم همچنان از حضور، تجربه و نگاه ارزشمندشان بهره‌مند باشیم.

دکتر علیرضا نعمت‌اللهی
دانشگاه شیراز

استاد اثربخشی نمونه



سابقه آشنایی من با دوست عزیزم آقای دکتر غلامرضا محتشمی برادران (حدود ۵۲ سال) به بهمن ماه ۱۳۵۳ وقتی ایشان در موسسه عالی آموزش آمار و انفورماتیک پذیرفته شدند بازمی‌گردد. در این دوره آشنایی، همواره ایشان را فردی سخت‌کوش، دلسوز و با انگیزه

برای روز به روز بهتر شدن یافتیم. باید توجه داشت که یکی از روشهای ارزیابی اثربخشی یک فرد این است که ورودی‌های زندگی او با خروجی‌های زندگی‌اش مقایسه شود. دکتر محتشمی یک روستازاده اصیل بود که با حداقل امکاناتی که در کودکی و نوجوانی در اختیار او بود توانست تا به امروز خروجی‌های بسیار ارزشمندی تقدیم جامعه کند.

• اینکه ایشان دانشجویان زیادی در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی تربیت کردند، که بسیاری از آنها افراد موثری در حوزه خود هستند، را می‌توان مهمترین دستاورد زندگی علمی ایشان قلمداد کرد. تربیت ایشان محدود به آموزش متون علمی نبوده بلکه به لحاظ اخلاقی و انگیزشی نیز روی دانشجویان خود تاثیر مثبت بسیاری داشته‌اند.

• دانشگاه بیرجند که نگین علمی گراندقدر استان خراسان جنوبی است، بخش مهمی از رشد و توسعه خود را بدون تردید مدیون دکتر محتشمی عزیز است. در میان تعداد زیاد اساتیدی که در کشور مسئولیت ریاست دانشگاهی را بعهده داشته‌اند، دکتر محتشمی جزء نوادری هستند که در دوره ریاست خود دانشگاه بیرجند را به میزان قابل توجهی توسعه دادند.

• یکی از ویژگی‌های مهم دکتر محتشمی قدردانی از معلمین و اساتید خود است. تقدیر ایشان از دبیران دوره تحصیل در دبیرستان و در دانشگاه بویژه دکتر عباسقلی خواجه‌نوری و دکتر محمدرضا مشکانی، از جمله موارد بارز این ویژگی است. اگر به ایشان بگویید خاطراتشان را بگویند سرتاسر مطالب ایشان حاوی تقدیر از کسانی است که یا در تربیت ایشان نقش داشته‌اند یا در فعالیت‌های توسعه‌ای ایشان را همراهی کرده‌اند.

• انگیزه موثر بودن که متأسفانه در اکثر افراد جامعه ضعیف است و بیشتر ناامیدی را القا می‌کنند، از دیگر ویژگی‌های مهم ایشان است. تا آنجا که من می‌دانم، دکتر محتشمی در هر موقعیتی که احساس می‌کرد می‌تواند کاری را به نتیجه برساند، بجای تمرکز بر کمبودها و عدم امکانات، به حل مسائل و رفع موانع می‌پرداخت و در نتیجه کارها با هدایت و سعی ایشان به ثمر می‌رسید.

• یکی از مهمترین عوامل توسعه در کشور تربیت نیروی انسانی کارآمد است. اقدام در این مورد، نیاز به دوراندیشی و پایمردی مستمر دارد. در این راستا ایشان بویژه در دانشگاه بیرجند و بطور اختصاصی در گروه آمار دانشگاه بیرجند، که ایشان مؤسس آن بودند، نقش کلیدی



داشتند. دوران‌دیشی ایشان در تربیت و بکارگیری اساتید، گروه آمار دانشگاه بیرجند را به یکی از گروه‌های شاخص کشور تبدیل کرده است.

• برای یک معلم (استاد دانشگاه) اینکه دانشجویان او را دوست داشته باشند با ارزش‌ترین سرمایه معنوی است. با تماس با هر یک از دانشجویان ایشان، به وضوح می‌توان عشق و علاقه آنها را به استادشان مشاهده کرد. ایشان با دانشجویان خود رابطه قلبی داشتند و برای موفقیت آنها با دلسوزی می‌کوشیدند.

• دکتر محتشمی فردی صادق و صاف است که همواره کمک به توسعه علم را به منافع فردی ترجیح داده است. اصالت ایشان موجب حداکثر تلاش برای توسعه علمی بیرجند بوده و هست. اصالت یعنی انسان دین خود به مربیان خود را فراموش نکند.

ایشان با امکانات مادی حداقلی که در ابتدای زندگی خود داشته، حداکثر اثربخشی را داشته و از این نظر ایشان مایه مباهات من به عنوان دوست و جامعه آمارشناسان کشور است.

جوانان ما باید این استاد گرانقدر را سرمشق قرار دهند و با امید فراوان هر کار مفید برای علم آمار را دنبال کنند تا به نتیجه برسند. از خداوند متعال برای ایشان آرزوی سلامتی و طول عمر با عزت دارم.

دکتر محمد رضا فقیهی
دانشگاه شهید بهشتی

استادی سخت کوش، اهل مطالعه و با معرفت



نگارنده باور دارد فلسفه نکوداشت افرادی تاثیرگذار و به طور خاص شخصی مانند دکتر محتشمی در واقع نشان دادن چراغ راه برای آیندگانی است که قصد فعالیت در سرزمین ما ایران دارند. به نظر می‌رسد برای رسیدن به هدف چنین رویدادی لازم است کردارهای

نیک، روحیات تلاش‌گرانه، رفتارهای پدرانه و بویژه ادب، معرفت و اخلاق نیکو چنین افرادی بیش از پیش به قلم آید تا خوانندگان و آینده‌گان بدانند که در همین نزدیکی خودمان نیز شخصیت‌های ارزشمندی حضور دارند. نگارنده سعی کرد با برشمردن گوشه‌ای از سجایای اخلاقی استاد گرانقدر دکتر محتشمی به خود و دیگران یادآور شود که قدردان زحمات او باشیم و بابت تلاش‌های خالصانه ایشان از او تشکر کنیم.

واقعیت این است که وقتی مطلع شدم قرار است کتابچه نکوداشت شخصیت محترم، تأثیرگذار و دغدغه‌مند جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادانتیهی شود هم خوشحال شدم هم دستپاچه. خوشحالی اینجانب این بود که جامعه علمی آمار و دست اندرکاران آمار حواسشان به تقدیر از استادان پیشکسوتی که عمر پربارشان را در راه اعتلای علم، آموزش و پژوهش این مرز و بوم داشتند، هست. دستپاچه و البته نگران که من عاجز چه بنویسم؟ به چه مطالبی بیشتر تکیه کنم؟ و در کل آیا از پس کار برمیام یا نه؟ واقعیت این است که نوشتن راجع به این استاد شریف، سخت کوش، اهل مطالعه و با معرفت از کم‌دانشی چون من امری آسان نیست. با همه این بهانه‌گیریها، دلایل دیگری ترغیب و انگیزه‌ای قوی شد تا ادای دین کنم. به طور کلی، حقی که دکتر محتشمی عزیز برگردن ماها دارد آنقدر زیاد است که وظیفه اخلاقی مان هست تا ذکر، هر چند ناچیز، از جنبه‌های متنوع شخصیتی او را به قلم بیاریم تا نسل حاضر و آینده بیش از پیش درباره این معلم دلسوز، با دانش و توانمند بدانند.

اولین بار نام دکتر غلامرضا محتشمیدر حاشیه هشتمین کنفرانس آمار ایران در شهر زیبای شیراز به گوشم خورد آن هم از زبان دانشجوی کارشناسی ایشان. آن دانشجو چنان عاشقانه و با نهایت حرارت درباره استاد می‌گفت که من، با توجه گرایش تخصصی ام، در ذهنم مردی با همت والا، اراده بلند و روحیه سخت‌کوش شکل دادم. بهر حال، خود را آماده دیدار با چنین شخصیتی عالم، خوش اخلاق و دغدغه‌مند کردم. ولی به دلیل ضرورت برگشت به انگلستان، برای پیگیری تحصیل خود، در آن دو روز توفیق دیدار حاصل نشد. بعد از اتمام تحصیلاتم و شروع کار در دانشگاه تربیت مدرس، در یکی از روزها و بر حسب تصادف، انتظارم به سر آمد و امیدم (ریاضی و غیرریاضی) راجع به استاد به ایده آل ترین شکلی حاصل شد و از آن تاریخ در ذهن جستجوگر ماندگار شد. بعد از آن تاریخ، ویژگی‌های ارزشمند و مثبت



زیادی درباره دکتر محتشمی، از طریق حضور در محافل‌های علمی، آموزشی و پژوهشی
برایم نمایان شد. آنچه در پی می‌آید تنها گوشه‌ای از بی‌شمار مواردی است که نگارنده با
کند ذهنی خود راجع به این استاد بزرگوار درک کرده است. نیازی به توضیح نیست که اگر
ضعفی در این نوشتار است متوجه عدم اشراف کامل این حقیر خواهد بود.

دکتر محتشمی فردی علاقه‌مند به گسترش علم آمار، ارتقای دانش و بینش جوانان این
سرزمین در انجام خدمت درست به کشور و دغدغه‌مند برای مسائل متنوع آموزشی،
پژوهشی و مدیریتی هستند. ایشان هرآنچه در توان خویش دارند در طبق اخلاص گذاشته
و هیچگاه و در هیچ موقعیتی از سعی و تلاش خود برای پیشبرد و اهداف علمی، فرهنگی و
آموزشی فروگذار نکرده و نمی‌کنند. او احترام به اساتید پیشکسوت علم را در حد نهایتش به
جا می‌آورند. نگارنده خود شاهد بود که ایشان رنج سفر از شرق به پایتخت را به جان خریده
و مشتاقانه به دیدار اساتید خویش می‌شتافتند. اشک‌های خالصانه او در بدرقه پیکر نازنین
دکتر محمدرضا مشکانی در بهشت زهرای تهران دنیایی از مطلب بود و هست. در اولین
فرصت بعد از آسمانی شدن خانم دکتر ماه بانو تاتا خود را به کرمان رساند و در خاکسپاری
و تمامی مراسم ترحیم بانوی علم آمار ایران شرکت کرد.

بیان کلماتی در خصوص شَمّ مدیریتی ایشان مصداق «زیره به کرمان بردن» است. قرار
داشتن در جایگاه ریاست دانشگاه بیرجند خودگویای توانایی‌های بالای مدیریتی ایشان
است. ارزش موضوع وقتی پدیدار می‌شود که بدانیم ایشان با کمترین امکانات در سال‌های
اولیه شکل‌گیری دانشگاه بیرجند آنرا در طی چند سال به جایگاه رفیعی در عرصه آموزش و
پژوهش کشور رساندند. همگان اذعان دارند که موقعیت حال حاضر دانشگاه بیرجند مرهون
زحمات، دلسوزی و تعهد دکتر محتشمی در زمان مسئولیت‌شان در این دانشگاه و عشق وافر
او به سرزمین آب‌آ و اجدادی ایشان اوست.

تلاش دکتر محتشمی برای ارتقاء جایگاه انجمن آمار ایران نیز بی‌نظیر بوده و هست. نگارنده
از زبان افراد موثق زیادی شنید که ایشان بارها با اتوبوس از بیرجند به تهران سفر می‌کردند
تا در جلسات انجمن آمار شرکت کنند. این موضوع را نسل‌های حال حاضر هنگامی به
خوبی هضم می‌کنند که خود سفری - هرچند تفریحی - بین این دو شهر انجام می‌دهند.
گشاده‌رویی ایشان در دیدار با همکاران، دانشجویان و کارمندان زبانزد همگان است. لب‌خند
شیرین همواره بر لبان داشته و کلامشان - مخصوصاً آنجائیکه تکیه کلام خاص خود را در
اولین برخورد دارند - همیشه بوی صفا و صمیمیت می‌دهد. البته، جدیت در کار، قانون‌مداری
و صراحت لهجه جزو ویژگی‌های بارز ایشان است و اگر صحبتی از حق و حقوق باشد ذره‌ای
کوتاه نیامده و با جدیت تمام نظر خویش را اعلام کرده و در احقاق حق از هیچ تلاشی
فروگذار نخواهند شد.

اقدام ارزشمند دست اندرکاران مراسم نکوداشت دکتر محتشمی را ارج نهاده و آرزوی توفیق روزافزون برای آنها دارم. تندرستی، صحت و سلامتی استاد گرامی را نیز آرزومندم. با افتخار امیدوارم اینجانب و علاقه‌مندان و دوستداران این استاد رهروان واقعی اندیشه‌ها، افکار و آمال ایشان باشیم. سایه استاد بر سر همگان مستدام.

موسی گلعلی‌زاده
دانشگاه تربیت مدرس تهران



دکتر محتشمی، همکاری دوست داشتنی



آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران از آن دسته از دوستان و همکاران هستند که هر وقت یادشان کنی خاطره ای نیکو به یادتان می آید. ایشان استادی فرهیخته و همکاری به غایت دوست داشتنی هستند. این فارغ التحصیل دانشگاه شفیلد انگلستان نه تنها اهتمام ویژه ای در تعلیم و تربیت دانشجویان این سرزمین داشتند بلکه همواره با پذیرش مشاغل اجرایی به نحو شایسته ای در پیشبرد برنامه های علمی توسعه ای آموزش عالی کشور نقش سازنده ایفا کرده اند. دکتر محتشمی از سال ۱۳۶۴ که به استخدام مجتمع آموزش عالی بیرجند درآمدند تا زمانی که در سال ۱۳۷۷ یعنی یکسال پس از اخذ مدرک دکتری و بازگشتشان به ایران، ریاست دانشگاه بیرجند را بعهدہ گرفتند و همچنین بعد از آن تاریخ و حضورشان در بخش ریاضی و امار دانشگاه فردوسی مشهد و تا زمان حاضر منشا خدمات ارزشمند علمی، پژوهشی و اجرایی بوده اند. کارنامه علمی و تحقیقاتی درخشانی دارند که من قصد شرح آن را ندارم و مطمینا در زندگی نامه علمی ایشان شرح کاملش قابل حصول است. من در این نوشته کوتاه قصد دارم بگویم که ایشانانسانی به واقع عالم، متواضع، خوش برخورد و بسیارمتین هستند و من به آشنایی و همکاریهای علمی با ایشان افتخار می کنم.

آشنایی من با ایشان به اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ خورشیدی و جلسات هیات مدیره انجمن آمار بر می گردد که سالهای طولانی با ایشان همکاری داشته و از دقت نظر و نکته بینی شان بسیار آموخته ام. در آن زمان می دانستم که ایشان پست ریاست دانشگاه را بعهدہ دارند ولی از اهتمام به امور انجمن آمار دریغ نمی کردند. شش دوره عضویت ایشان در هیات مدیره انجمن آمارگواهی بر تاثیر گذاری ایشان در پیشبرد اهداف انجمن بود و همچنان هست. بیاد دارم همکاری با ایشان در گروه تخصصی برنامه ریزی و گسترش آموزش عالی رشته آماردر دو دوره مختلف برای من یاد آور نگرش ژرف علمی بین المللی ایشان و اشرافشان به نقاط قوت برنامه های آموزشی بسیاری از دانشگاههای اروپایی بود. در بحثهای تخصصی شورای برنامه ریزی آمار حضوری فعال داشتند و به واقع صاحب نظر بودند. فعالیتهای تاثیر گذار ایشان در کمیته های علمی و اجرایی کنفرانسها و سمینارهای انجمن آمار و همچنین پذیرش سردبیری نشریات مختلف انجمن در کنار مشغله های گوناگون نشان از فداکاری زاید الوصف ایشان داشت. برای ایشان آرزوی سلامت و سعادت دارم.

در خاتمه با یادآوری رباعی پرمغز و طنز آمیزی که به شیخ بهایی منتسب است و دکتر محتشمی که همیشه نکته نگزی در آستین داشتند و در یکی از جلسات طولانی و چالش

برانگیزه‌های مدیره انجمن آمار خواندند، سخنم را به اتمام می‌رسانم.

گدایان بهر روزی طفل خود را کور می‌خواهند طبیبان جملگی خلق را رنجور می‌خواهند
گمانم مرده‌شویان راضی‌اند بر مُردن مردم بنایم مطربان کاین خلق را مسرور می‌خواهند
(شیخ بهایی)

حمید پزشک
دانشگاه تهران



اینجانب بمدت بیش از سی سال است که آقای دکتر محتشمی را می‌شناسم. ایشان فردی وظیفه شناس، مسول ودلسوز می-باشند همواره در تمام گردهمایی های انجمن آمار فعال بوده‌اند ایشان مرد روزهای سخت هستند و همواره در تعالی انجمن آمار ایران کوشا بوده‌اند. یادم می‌آید که در زمینه خبرنامه انجمن و مجله انجمن خیلی زحمت کشیده‌اند. در پایان از اینکه این بزرگوار را برای نکوداشت انتخاب کرده‌اید، تشکر می‌کنم و بمصداق لم یشکر مخلوق یشکر خالق از همه شما عزیزان و مسئولین محترم سپاسگزارم.



دکتر مهدی تذهیبی
بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

دکتر محتشمی: استادی از تبار کویر؛ عاشق، دلسوز و ماندگار



بعضی وقتها نوشتن خیلی سخت شده و دنیای واژگانت آنقدر محدود می‌شود که به سختی می‌توان یک کلمه مناسبی پیدا کنی که بشود درباره کسی بنویسی که نمونه بارز یک انسان بزرگوار، معلم عاشق و دلسوز و یا برجسته است.

آقای دکتر محتشمی نه فقط استادی برجسته و بی‌نظیر، که تجسم عینی بزرگ منشی، عشق به معلمی و دلسوزی بی‌پایان است؛ معلمی کامل و واقعی با تمام ویژگیهای نیکوی انسانی و منشی بزرگوارانه که در عرصه‌ی علم و اخلاق، الگویی ماندگار برای همگان است. اما شاید زیباتر آنکه این همه بزرگی و عشق، نه در پایتخت که در دل کویر خراسان جنوبی روییده و شکوفا شده است؛ سرزمینی که مردمانش را با قناعت، استقامت و گرمایی بی‌ریا می‌شناسیم و دکتر محتشمی، آینه‌ای تمام‌نما از همین خصایل ناب کویری است. صلابت او در مدیریت، صمیمیت‌اش در برخورد و پشتکار خستگی‌ناپذیرش، همه و همه، یادآور همان نخلستان‌هایی است که در دل گرم و سخت کویر، سایه‌بان علم و مهربانی می‌گسترانند. افتخار آشنایی اولیه اینجانب با ایشان از طریق دوست و همکار ارجمندم آقای دکتر راسخ بود که سالها در دانشگاه شفیلد انگلستان، هم درس و همسفر بوده و رفاقتی استوار و دیرینه داشتند. شناخت اینجانب در برخوردهای بعدی تصور عینی‌تری یافت از فردی با مدیریتی توانمند، انسانی راستگو، دوستی صمیمی و همکاری امین و توانا و به عبارت دقیق‌تر ترکیبی که در روزگار ما غنیمتی بزرگ است. امروز، این استاد ارجمند، با کوله باری از تجربه و دانش، به عنوان استاد تمام هیأت علمی گروه آمار دانشگاه فردوسی مشهد، همچنان چراغ فروزان علم و اخلاق در این مرز و بوم هستند. نگاه نافذ و همکاریهای خستگی‌ناپذیر ایشان، همراه با پیگیری‌های مؤثر و بی‌وقفه‌شان برای اعتلای دانش آمار در کشور، به‌ویژه در گروه‌های آمار دانشگاه‌های بیرجند و مشهد، چراغ فروزانی برای این مراکز علمی بوده است. در این مجال، تنها به دو بعد والا از شخصیت ایشان بسنده می‌کنم که خود گویای تمامی فضایلشان است.

در بُعد اجتماعی و انسانی، یکی از بارزترین ویژگیهای ایشان، آرامش روحی، صداقت بی‌مثال و یکرنگی در گفتار و رفتار است؛ نکته‌ای که چه بسا در فضای علمی امروز کشور، چون ننگینی کمیاب می‌درخشد. ایشان با انرژی سرشار و روشهای علمی بدیع، همواره کوشیده‌اند تا مدیریت پژوهش و آموزش را توأماً اصلاح کنند و درکنار تربیت نسلی جوان و پویا در رشته آمار، به فکر اعتلای بنیادهای علمی این مرز و بوم باشند. توجه ویژه ایشان به نیروهای جوان و جذب آنان در زمان ریاست در دانشگاه بیرجند، نشان از دوراندیشی و باور

عمیق‌شان به آینده‌سازی از طریق پرورش استعدادهای نوپدید دارد؛ رویکردی که موجب بالندگی و پویایی کم‌نظیری در این دانشگاه شد. این روحیه‌ی حمایتگری، در سالهای اخیر نیز در دانشگاه فردوسی مشهد تداوم یافته و ایشان با حضوری پربرکت، سهم بزرگی در خدمت به دانشجویان و پربارکردن گروه آمار این دانشگاه داشته‌اند؛ به گونه‌ای که بسیاری از دانشجویان و همکاران، ایشان را مرجعی امین و پشتیبانی دلسوز در مسیر رشد علمی خود یافته‌اند.

در بُعد علمی و اجرایی، حس مسئولیت‌پذیری شگفت‌انگیز و خلاقیت در ارائه ایده‌های نو، ایشان را به مدیری توانمند و تأثیرگذار بدل ساخته است. فهرست خدمات ارزنده‌ی ایشان گواهی براین مدعاست که برشمردنش در این مجال نمی‌گنجد. در پایان سلامتی و حسن عاقبت بخیری ایشان و خانواده محترمشان را از خداوند منان خواستارم و امیدوار جامعه آماری کشور عزیزمان ایران تا سالهای دور، کماکان از فیض حضور ایشان بهره‌مندگردد.

دکتر مسعود یارمحمدی
دانشگاه پیام نور تهران

در ستایش استاد فرهیخته، جناب آقای دکتر محتشمی



استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر محتشمی، از سرمایه‌های ارزشمند جامعه آماری کشور هستند؛ دانشمندی فرهیخته که سال‌ها با تلاش خستگی‌ناپذیر، منش نیکو و اخلاق علمی مثال‌زدنی، در مسیر آموزش، پژوهش و تربیت نسل‌های متعدد از دانشجویان و

پژوهشگران گام برداشته‌اند و نامی نیک از خود به یادگار گذاشته‌اند.

اینجناب از سال ۱۳۸۷ افتخار آشنایی و شاگردی ایشان را داشته‌ام و درس نظریه اطلاع را در مقطع دکتری نزد ایشان فرا گرفتم. خداوند متعال را شاکرم که این فرصت را برای بنده فراهم ساخت تا از محضر استادی فرزانه بهره‌مند شوم و علاوه بر دانش تخصصی، درس اخلاق، فروتنی، مسئولیت‌پذیری و عشق به علم را نیز از ایشان بیاموزم.

چهره آرام و همواره متبسم، تواضع کم‌نظیر، صبر و سعه صدر مثال‌زدنی و برخورد صمیمانه ایشان، فضایی سرشار از اعتماد و آرامش برای دانشجویان ایجاد می‌کرد؛ به گونه‌ای که هر دانشجو بدون هیچ دغدغه‌ای می‌توانست پرسش‌های خود را مطرح کند و از دانش و تجربه ایشان بهره‌مند شود. محبت پدرانه ایشان نسبت به دانشجویان، در کنار تدریس عاشقانه و دلسوزانه، خاطره‌ای ماندگار در ذهن همه شاگردانشان بر جای گذاشته است.

تسلط علمی کم‌نظیر دکتر محتشمی در شاخه‌های مختلف علم آمار، همراه با قلمی شیوا، بیانی روان و قدرت انتقال مفاهیم پیچیده به زبانی ساده، همواره مورد تحسین همکاران و دانشجویان بوده است. بسیاری از ما، علاوه بر آموختن مباحث تخصصی، شیوه اندیشیدن، پژوهش کردن و اخلاق حرفه‌ای را نیز از ایشان فرا گرفته‌ایم.

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته ایشان، حضور مستمر، فعال و اثرگذار در سمینارها، همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی است. ایشان همواره دانشجویان خود را به مشارکت در فعالیت‌های علمی، ارائه دستاوردهای پژوهشی و تعامل با جامعه علمی تشویق می‌کردند و معتقد بودند که رشد علمی تنها در سایه گفت‌وگو، یادگیری مستمر و همکاری علمی حاصل می‌شود. بدون تردید، این نگاه ارزشمند، تأثیری ماندگار و معنادار بر توسعه و اعتلای جامعه آماری کشور داشته است.

بی‌اغراق، دکتر محتشمی برای بسیاری از شاگردان و همکاران خود، نه تنها یک استاد دانشگاه، بلکه الگویی از اخلاق، انسانیت، فروتنی و عشق به دانش بوده‌اند. آثار علمی ارزشمند، تربیت دانشجویان توانمند و حضور مؤثر ایشان در جامعه علمی، میراثی گران‌بها برای علم آمار ایران به شمار می‌رود.

از خداوند متعال، برای ایشان و خانواده محترمشان سلامتی، سعادت، عزت، و توفیقات



روزافزون مسئلت دارم و امیدوارم سایه پرمهر و وجود ارزشمند ایشان سالیان سال بر سر
جامعه آماری کشور مستدام باشد.
پاینده باد نام و یاد استادانی که با نور دانش، راه آینده را برای شاگردان خود روشن می‌کنند.

دکتر احسان زمان زاده
دانشگاه اصفهان

در ستایش استاد فرهیخته، جناب آقای دکتر محتشمی



گاه در زندگی، انسان با کسانی هم‌مسیر می‌شود که حضورشان تنها به سال‌های تحصیل یا کلاس درس محدود نمی‌شود؛ بلکه تا سال‌ها در شیوه اندیشیدن، تصمیم‌گیری و حتی نگاه کردن به پیرامون و جهان، همراه او می‌مانند. جناب آقای دکتر محتشمی از همین انسان‌های ماندگارند؛ بزرگ‌مردی که نام و یادشان همواره در ذهن و دل شاگردانشان زنده خواهد ماند. از درگاه خداوند متعال، برای ایشان عمری طولانی، همراه با عزت، سلامتی و توفیق روزافزون مسئلت دارم تا همچنان از دانش، تجربه، اخلاق و منش ارزشمندشان بهره‌مند شویم و آموخته‌هایشان را در زندگی علمی و شخصی خود به کار بندیم.

دکتر محتشمی گرانقدر، برای ما تنها یک مدرس نبودند؛ استادی بودند که با صبوری، ژرف‌اندیشی، دقت علمی و اخلاق حرفه‌ای، مسیر دانش و پژوهش را روشن می‌ساختند. هرگاه با پرسشی یا چالشی علمی به محضرشان می‌رسیدم، پیش از آنکه پاسخ را در اختیارم بگذارند، راه رسیدن به پاسخ را می‌آموختند؛ از روش درست تحقیق و پژوهش گرفته تا شیوه صحیح اندیشیدن، ایده‌پردازی و مواجهه علمی با مسئله. شاید همین ویژگی ممتاز بود که کلاس‌های ایشان را از محیطی برای انتقال دانش، به مدرسه‌ای برای پرورش پژوهشگر و اندیشمند تبدیل می‌کرد.

آنچه بیش از هر چیز در ذهنم ماندگار شده است و ایشان را در شمار بزرگان علم آمار، همچون دکتر بهبودیان، دکتر ارقامی، دکتر پاشا و دیگر استادان فرهیخته این سرزمین قرار می‌دهد، فروتنی، احترام عمیق به شاگردان و پاسداشت کرامت انسانی آنان است. با وجود جایگاه والای علمی، همواره با حوصله گوش می‌دادند، منصفانه نقد می‌کردند، دلگرمی می‌بخشیدند و به ما می‌آموختند که علم، اگر با اخلاق همراه نباشد، راه به کمال نخواهد برد. این منش ستودنی را نه تنها در برخورد با دانشجویان، بلکه در تعامل با همکاران، کارکنان دانشگاه و حتی خانواده شاگردانشان نیز به‌روشنی می‌توان دید.

بر خود می‌بالم که توفیق شاگردی چنین استادی را داشته‌ام و امروز نیز این افتخار نصیبم شده است که در آیین نکوداشت ایشان، چند سطری به رسم سپاس بنگارم؛ سپاسی در برابر سال‌ها عشق به آموزش، تعهد به پژوهش، مسئولیت‌پذیری در تربیت نسل‌های آینده و منش انسانی کم‌نظیری که در وجود ایشان متجلی است. بی‌تردید، این چند واژه هرگز توان بیان عظمت شخصیت علمی و اخلاقی ایشان را ندارد، اما از سر ارادت و قدردانی بر صفحه دل و قلم جاری شده است.

استاد عزیز، اگر امروز هر یک از شاگردانتان در گوشه‌ای از این سرزمین یا فراتر از مرزهای

آن، در عرصه آموزش، پژوهش یا خدمت به جامعه منشأ اثر شده‌اند، بی‌گمان بخشی از این توفیق، ریشه در تعلیم، تربیت و الگویی دارد که از شما آموخته‌اند؛ درس‌هایی که بسیاری از آن‌ها هرگز در کتابی نوشته نشده‌اند، اما تا همیشه در جان شاگردان باقی خواهند ماند. از صمیم قلب، از همه مهر، دانش، شکیبایی و راهنمایی‌های ارزشمندتان سپاسگزارم. از خداوند بزرگ برای شما سلامتی، آرامش، عزت و روزگاری سرشار از شادی و برکت آرزو دارم و امیدوارم چراغ دانشی که سال‌ها با عشق و اخلاص برافروخته‌اید، همچنان روشنی‌بخش راه نسل‌های آینده باشد.

گفت استاد: مبر درس از یاد	یاد باد آنچه مرا گفت استاد
هر چه می‌دانست، آموخت مرا	غیر یک اصل که ناگفته نهاد:
قدر استاد نکو دانستن	حیف، استاد به من یاد نداد.

سید محسن میرحسینی ابرندآبادی
دانشگاه یزد

هجدهمین کنفرانس آمار ایران

نکوداشت استاد پیشکسوت دکتر غلامرضا محتشمی برازداران



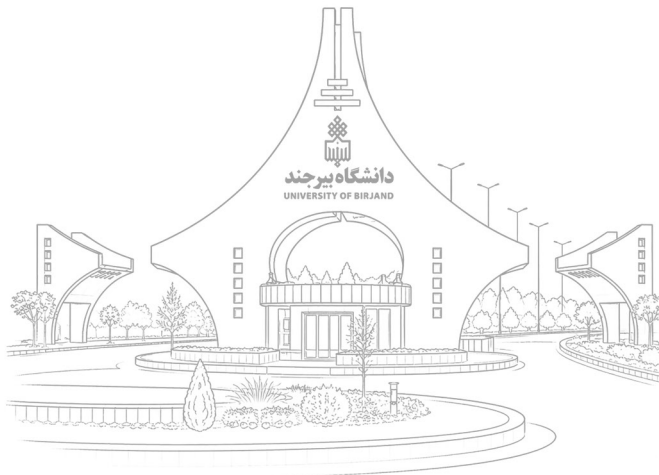
دکتر غلامرضا محمدرزادراغی

نکوداشت استاد پیشکسوت گروه آمار
دانشگاه‌های بیرجند و فردوسی مشهد
ورئیس اسبق دانشگاه بیرجند



یادداشت‌های تقدیمی ۲

همکاران هیات علمی در دانشگاه فردوسی مشهد



از نکوداشتی تا نکوداشتی؛ استادی که هر بار، روایتی نو دارد



باز هم در حاشیه یک گردهمایی علمی، مراسمی برگزار می‌شود تا از استادی بگوئیم که نامش با «توسعه» و «همدلی» در حافظه علمی رشته آمار کشور گره خورده است. این بار در حاشیه هیجدهمین کنفرانس آمار ایران، و پیش از این، در حاشیه سومین سمینار آموزش آمار، مراسم نکوداشت ایشان برگزار شد و کتابچه‌ای مفصل از ابعاد گوناگون شخصیت علمی و انسانی آقای دکتر غلامرضا محتشمی برادران به یادگار ماند. آن کتابچه، روایتی بود از سالها تلاش و تعهد؛ اما هر بار که به کارنامه ایشان می‌نگریم، زاویه تازه‌ای از فعالیت‌ها نمایان می‌شود و ردپایی از تلاش‌های خستگی‌ناپذیرش را می‌توان یافت.

از کلاس‌های درس دانشگاه‌های بیرجند و فردوسی مشهد تا ریاست دانشگاه بیرجند، از هیئت مدیره انجمن آمار ایران تا هیئت تحریریه مجلات علمی پژوهشی، از کمیته برنامه ریزی درسی وزارت علوم تا قطب علمی داده‌های تربیتی و فضایی دانشگاه فردوسی مشهد، از سمینار، رایندهای تصادفی در دانشگاه بیرجند تا سمینارهای تخصصی نظریه اطلاع و کاربردهای آن در دانشگاه فردوسی مشهد، همیشه نامی بوده که با تعهد، دقت و آینده‌نگری گره خورده است. این گستره متنوع از فعالیت‌ها، نشان از شخصیتی چند وجهی دارد که در هیچ عرصه‌ای از خدمت به علم و جامعه دریغ نورزیده است. در دوران ریاست ایشان بر دانشگاه بیرجند، نگاه ویژه به نیروی انسانی جوان و مستعد و اعزام بورسیه‌های متعدد به خارج از کشور، سرمایه‌هایی را برای این خطه فراهم آورد که امروز ستون‌های فقرات علمی بسیاری از گروه‌های آموزشی در دانشگاه بیرجند و منطقه هستند. این نگاه از سر بصیرت و این همت مثال‌زدنی، چیزی نیست که با چند سطر بتوان آن را وصف کرد.

در سال‌های همکاری نزدیک با ایشان در گروه آمار دانشگاه فردوسی مشهد، به‌ویژه در برنامه‌های اجرایی قطب علمی داده‌های تربیتی، همواره از نزدیک شاهد اخلاق‌مداری، تواضع علمی و پشتکار ایشان در حل مسائل پژوهشی و اجرایی بوده‌ام. ایشان در طول سال‌های خدمت خود، با حساسیتی مثال‌زدنی، از دانشجویان مستعد مناطق محروم و کم‌برخوردار کشور حمایت کرده‌اند. شماری از فارغ‌التحصیلان دکتری که امروز عضو هیئت علمی دانشگاه‌های مختلف کشور هستند، ثمره مستقیم یا غیرمستقیم همت و راهنمایی‌های ایشان هستند. تربیت نسلی از مدرسان و پژوهش‌گران متعهد، شاید بزرگترین میراث ماندگار یک استاد باشد. در عرصه پژوهش نیز، دکتر محتشمی در سال‌های خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد، با تلاش بی‌وقفه خود، افق‌های تازه‌ای را در گسترش شاخه‌های پژوهشی مرتبط با نظریه اطلاع و معیارهای نابرابری اقتصادی گشوده‌اند. گسترش نظریه



آمار در شاخص‌های اقتصادی که پیوندی راهبردی با مسائل اجتماعی و اقتصادی کشور دارد، نشان از آینده‌نگری ایشان در انتخاب مسیرهای پژوهشی دارد. تربیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی و کارگاه‌ها و سمینارهای تخصصی متعددی که در این حوزه در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار کرده‌اند، گواهی بر این مدعاست. در پایان، این فرصت را مغتنم می‌شمارم و از خداوند متعال برای این استاد، سلامتی، شادکامی و عمری طولانی و پربرکت خواستارم.

دکتر جعفر احمدی
دانشگاه فردوسی مشهد

اولین ملاقات با استاد غلامرضا محتشمی برازداران بهار سال ۱۳۸۱ استاد غلامرضا محتشمی عضو هیات علمی گروه آمار و رئیس دانشگاه بیرجند



موضوع ملاقات پیگیری راه اندازی کارشناسی ارشد آمار ریاضی به طور مشترک در دانشگاه بیرجند و دانشگاه سیستان و بلوچستان بود. به این دلیل برای راه اندازی رشته کارشناسی ارشد آمار ریاضی به طور مشترک در دو دانشگاه با همکاران گروه ریاضی دانشگاه سیستان و بلوچستان: آقایان دکتر پرویز عظیمی-روحش شاد-دکتر رحمت لله لشکری پور، دکتر علیرضا سهیلی و اینجانب در اولین جلسه برای همفکری و تصمیم گیری حضور یافتیم. اولین دیدار و آشنایی برای اینجانب بسیار خاطره انگیز بود چرا که افتخار ملاقات با رئیس دانشگاه بیرجند را داشتم این ملاقات اولین آشنایی ما بود. برخورد استاد عزیز طوری بود انگار سال ها اینجانب را می شناسد. ایشان بسیار محترمانه از همکاران همراه اینجانب استقبال کردند. نتیجه جلسات مشترک موافقت با راه اندازی کارشناسی ارشد آمار ریاضی مشترک در دو دانشگاه و در نتیجه ارسال به دفتر گسترش وزارت عتف بود. با پیگیری های جدی استاد ارجمند با شرط پذیرش دانشجو در سال اول دانشگاه بیرجند و در سال دوم دانشگاه سیستان و بلوچستان مصوب و اجرا شد که بعدا هر دانشگاه به طور مستقل مجوز پذیرش دانشجو داشتند. ولی اساتید دو دانشگاه به طور مشترک در دو دانشگاه تدریس می کردند.

سال ۱۳۸۶ استاد محتشمی و اینجانب به گروه آمار دانشگاه فردوسی منتقل شدیم، از این زمان تا اکنون به عنوان دو همکار و برادر که استاد ارجمند نقش برادر بزرگتر را داشتند دانشجو های تحصیلات تکمیلی مشترک (ارشد و دکتری) زیادی تربیت کردیم که اکثر آنها عضو هیات علمی و یا در سایر سازمان ها مشغول به کار هستند. استاد غلامرضا محتشمی از خانواده کاملاً علمی و مذهبی در بیرجند و از چهره های مشهور در رشته آمار هستند. معلمی توانا و حامی دانشجویان در راهنمایی علمی و فرهنگی هستند. ایشان علاوه بر فعالیت های آموزشی و پژوهشی پیگیر آینده فارغ التحصیلان، کارشناسی و تحصیلات تکمیلی هستند و مشورت های بسیار مفید به آنها پیشنهاد می دهند تا این جوانان در مسیری که انتخاب کردند موفق باشند. قلم اینجانب از معرفی تمام ویژگیهای: علمی، پژوهشی، فرهنگی، اعتقادی، محبت و خوشرویی و نگرانی های کاملاً درست ایشان در این موارد قاصر است. اما خاطره تلخی که در ذهن اینجانب ثبت شده و روز و شب اینجانب را آزار می دهد، برخورد نامناسب مسئولین وقت دانشکده علوم ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد در زمان بازنشستگی استاد ارجمند می باشد. از درگاه ایزد منان استدعا دارم که همه ما عاقبت بخیر



شویم و حداقل درروز های آخر کاری و زندگی به همدیگر لطف و محبت کنیم تا با خاطرات خوبی از همدیگر یاد کنیم اطمینان دارم که پروردگار نیز به ما عنایت و لطف می‌نماید.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و ما رستگار (نظامی)

دکتر محمد امینی
گروه آمار دانشگاه فردوسی مشهد

در ستایش استاد فرهیخته، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران



در میان همکاران دانشگاهی، کسانی را می‌توان یافت که دانش، اخلاق، مدیریت، فروتنی و شاگردپروری را به‌گونه‌ای در وجود خود جمع کرده که نامشان نه تنها با دستاوردهای علمی، بلکه با خاطرات نیک در ذهن همکاران و دانشجویان پیوند خورده است. استاد ارجمند، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران، بی‌تردید به این گروه ممتاز تعلق دارند.

افتخار آشنایی اینجانب با استاد به سال‌های دانشجویی دوره کارشناسی من بازمی‌گردد. از همان روزگار، منش متین، رفتار صمیمانه و شخصیت علمی ایشان برایم الهام‌بخش بود. اندکی پس از آن، استاد با بورس دانشگاه بیرجند برای ادامه تحصیل عازم دانشگاه شفیلد انگلستان شدند و در سال ۱۹۹۷ میلادی، تحت راهنمایی استاد برجسته آمار، پروفیسور دامودار شانباگ، فارغ التحصیل گردیدند. ایشان پس از فراغت از تحصیل، با احساس مسئولیت و تعهدی مثال‌زدنی، به شهر و دانشگاه بیرجند بازگشتند تا دانش و تجربه ارزشمند خود را در خدمت آموزش عالی کشور قرار دهند.

پیوند دوستی اینجانب با استاد، پس از انتقال ایشان از دانشگاه بیرجند به دانشگاه فردوسی مشهد، استحکام و عمق بیشتری یافت و به دوستی‌ای پایدار و ارزشمند تبدیل شد؛ دوستی‌ای که همواره با بهره‌مندی از راهنمایی‌های دلسوزانه، مشورت‌های حکیمانه و حمایت‌های صمیمانه ایشان همراه بوده است.

کارنامه علمی استاد، گواه سال‌ها تلاش خستگی‌ناپذیر در عرصه آموزش و پژوهش است. افزون بر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و نقش مؤثر در انجمن آمار ایران، ایشان همواره ارتباطی نزدیک و سازنده با انجمن ریاضی ایران نیز داشته‌اند و با روحیه‌ای فراتر از مرزبندی‌های رشته‌ای، در تقویت تعامل میان جامعه‌های علمی ریاضیات و آمار سهمی ارزشمند ایفا کرده‌اند.

یکی از درخشان‌ترین ابعاد شخصیت علمی استاد، اهتمام ویژه ایشان به تربیت نسل آینده پژوهشگران است. تاکنون شمار قابل توجهی از دانش‌آموختگان دوره دکتری تحت راهنمایی ایشان دانش‌آموخته شده‌اند و امروز در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور، در جایگاه اعضای هیئت علمی و پژوهشگران، به آموزش و تولید علم مشغول‌اند. این میراث علمی، بی‌گمان از ماندگارترین سرمایه‌های هر استاد دانشگاه است؛ سرمایه‌ای که آثار آن در آینده علم کشور نیز تداوم خواهد داشت.

توانمندی‌های استاد تنها به عرصه آموزش و پژوهش محدود نبوده است. حضور موفق ایشان



در مسئولیت‌های اجرایی نیز شایسته تقدیر است. ریاست دانشگاه بیرجند در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰، نمونه‌ای از اعتماد جامعه دانشگاهی به تدبیر، درایت و توان مدیریتی ایشان بود. بسیاری از همکاران و دانش‌آموختگان آن دانشگاه، همچنان از آن دوران به نیکی یاد می‌کنند و مدیریت خردمندانه و اخلاق‌مدار ایشان را از نقاط درخشان تاریخ آن دانشگاه می‌دانند.

در کنار همه این موفقیت‌ها، استاد در زندگی خانوادگی نیز نمونه‌ای از مسئولیت‌پذیری و آینده‌نگری بوده‌اند و با تربیت فرزندان فرهیخته و موفق، نقش مؤثر خود را در پرورش سرمایه‌های انسانی جامعه، فراتر از محیط دانشگاه، به‌خوبی ایفا کرده‌اند. امروز که جامعه دانشگاهی در آیین نکوداشت این استاد گران‌قدر گرد هم آمده است، در حقیقت از یک عمر تلاش صادقانه، خدمت بی‌منت، اخلاق نیکو، مدیریت خردمندانه و تربیت نسل‌های متعدد از دانش‌آموختگان تجلیل می‌کند. بی‌تردید، نام استاد دکتر غلامرضا محتشمی‌برزاداران در حافظه علمی دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه بیرجند و جامعه آماری کشور، همواره با احترام، سپاس و نیک‌نامی همراه خواهد بود. از درگاه خداوند متعال، سلامتی، عزت، آرامش و توفیقات روزافزون برای این استاد فرزانه و خانواده ارجمندشان مسئلت دارم و امیدوارم سایه پرمهر و اندیشه روشنگر ایشان سالیان دراز بر جامعه علمی ایران مستدام باشد.

دکتر حمیدرضا ابراهیمی ویشکی
دانشگاه فردوسی مشهد

آشنایی اینجانب با استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محتشمی از زمان انتقال ایشان از دانشگاه بیرجند به دانشگاه فردوسی مشهد شروع می‌شود. رفتار نیکو، روی گشاده، و تسلط بر مفاهیم آماری و توانایی علمی استاد باعث شده است که دانشجویان از تدریس ایشان بهره کامل ببرند. از خداوند متعال برای این دوست عزیز عمر با عزت و پُر برکت آرزو دارم.



سید محمد مهدی طباطبائی
دانشگاه فردوسی مشهد



پیشکسوتی برجسته در عرصه‌ی دانش آمار



هجدهمین کنفرانس آمار ایران، فرصتی مغتنم در تقویم علمی کشور است تا جامعه‌ی دانشگاهی و پژوهشی، یکی از چهره‌های شاخص و تأثیرگذار دانش آمار را شایسته‌ی تقدیر و بزرگداشت بداند. جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران، که در این دوره از کنفرانس به عنوان پیشکسوت برگزیده‌ی انجمن آمار ایران معرفی گردیده‌اند، بی‌گمان واجد این عنوان والا هستند؛ چه آنکه عمری گرانمایه را در راه اعتلای علم آمار، تربیت نیروهای متخصص و گسترش مرزهای دانش در کشور مصروف داشته‌اند.

آقای دکتر محتشمی سال‌ها در دانشگاه فردوسی مشهد به امر تدریس و پژوهش اشتغال داشته و درخشان‌ترین و ماندگارترین ایام حیات علمی خویش را در این دانشگاه سپری نموده‌اند. دانشگاه فردوسی مشهد خود را همواره مدیون تلاش‌های بی‌وقفه و سرمایه‌های علمی گران‌بهایی می‌داند که ایشان در این مرکز علمی به یادگار نهاده‌اند.

از جمله وجوه تمایز جایگاه علمی ایشان در میان همکاران و صاحب‌نظران، تألیف و تولید آثار وزین و بدیع‌به ویژه در حوزه‌ی نظریه اطلاع و همچنین شاخص‌های اقتصادی است. مقالات ارزشمند ایشان در این حوزه‌ها، علاوه بر بازتاب گسترده در مجلات معتبر داخلی و بین‌المللی، همواره به عنوان مرجعی معتبر برای پژوهشگران جوان و علاقه‌مندان به کاربردهای آمار به ویژه در اقتصاد و علوم اجتماعی مورد استناد قرار گرفته است. نگاه عمیق و رویکرد نوآورانه‌ی ایشان نسبت به مسئله‌ی اندازه‌گیری اطلاعات و ارائه شاخص‌های اقتصادی، از جمله دستاوردهایی است که کمتر پژوهگری توفیق دستیابی به آن را یافته است.

حضور مستمر و مؤثر ایشان در جلسات و کمیسیون‌های متعدد اجرایی و علمی نیز همواره برای همکاران و صاحب‌نظران، مایه فزونی و برکت بوده است. آقای دکتر محتشمی در این نشست‌های تخصصی، با بهره‌مندی از نگاه نافذ و تحلیل‌های عمیق خود، نظراتی عالی، دقیق و راهگشا ارائه می‌نمودند که مسیر بسیاری از تصمیم‌گیری‌های علمی و سیاست‌گذاری‌های پژوهشی را روشن می‌ساخت. حضور ایشان در هر مجمع علمی، خود به تنهایی غنا و اعتباری مضاعف به آن مجلس می‌بخشید.

علاوه بر جایگاه والای علمی، آنچه در اذهان همکاران و دانشجویان ایشان ماندگار گردیده، اخلاق نیکو، فروتنی کم‌نظیر و مهربانی بی‌پایان ایشان است. آقای دکتر محتشمی همواره با رویی گشاده و برخوردی متواضعانه در محافل علمی و کلاس‌های درس حاضر می‌شدند و هیچ‌گاه هیچ‌یک از دانشجویانیا همکاران را با پاسخ‌های سرد یا برخوردی از موضع برتر، ناامید نساختند. این خصلت‌های اخلاقی، ایشان را نه تنها به عنوان یک استاد برجسته،

بلکه به عنوان انسانی فرهیخته و الگویی تمام‌عیار برای همه ما مطرح ساخته است. بسیاری از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایشان، امروز خود از استادان برجسته‌ی دانشگاه‌های کشور به شمار می‌روند و هر یک به سهم خویش، بخشی از میراث علمی و اخلاقی ایشان را با خود به همراه دارند. این میراث گرانبها، از جمله سرمایه‌هایی است که هیچ‌گاه دستخوش کهنگی نشده و نسل به نسل منتقل خواهد گردید.

اینجانب به عنوان مدیر گروه آمار دانشگاه فردوسی مشهد، این انتخاب شایسته و افتخارآمیز را به استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزاداران، و خانواده‌ی محترم ایشان، صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم. همچنین مراتب قدردانی و سپاس خویش را نسبت به انجمن آمار ایران و دبیرخانه‌ی هجدهمین کنفرانس آمار ایران که با این انتخاب هوشمندانه، بر تکریم مفاخر علمی این سرزمین تأکید ورزیده‌اند، ابراز می‌دارم. نام و یاد ایشان، همواره در تارک دانشگاه فردوسی مشهد و در دل همه‌ی دوستداران علم و دانش، تابان و ماندگار خواهد بود.

دکتر مهدی دوست‌پرست

دانشگاه فردوسی مشهد



یادداشتی به رسم ارادت و به پاس یک عمر مجاهدت علمی و اخلاقی



به نام خداوندی که علم را مایه‌ی شرافت و کرامت انسان قرار داد. با افتخار و احترامی که شایسته‌ی مقام والای استاد است، این یادداشت کوتاه را به آیین نکوداشت جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران، در حاشیه‌ی هجدهمین کنفرانس آمار ایران، تقدیم می‌دارم. برگزاری این آیین، برای همه‌ی کسانی که افتخار شاگردی با هم‌سخنی با ایشان را داشته‌اند، نه تنها پاسخی به خدمات علمی بی‌نظیر ایشان، که ادای احترامی است به منش والا و اخلاق نیکویشان که در تمام سال‌های خدمت، سرلوحه‌ی زندگی حرفه‌ای و علمی‌شان بود.

جناب آقای دکتر محتشمی برزادران، از جمله استادانی هستند که عنوان شایسته‌ی «پیشکسوت» را نه صرفاً به واسطه‌ی سال‌ها تدریس، که به پاس عمق تأثیرگذاری بر نسل‌های متمادی دانشجو، همراه دارند. ایشان در دوران تصدی ریاست دانشگاه بیرجند، با بینشی دوراندیش و مدیریتی دلسوز، گام‌های مؤثری در توسعه‌ی علمی آن دانشگاه برداشتند و سپس در دانشگاه فردوسی مشهد، با احیاء و تقویت شاخه نظریه اطلاع، آن را به یکی از قطب‌های علمی معتبر کشور تبدیل کردند و بدین‌سان، میراثی ماندگار در حوزه آمار و نظریه اطلاع بر جای نهادند.

در کلاس درس ایشان، دانشجو بیش از فرمول‌ها و قضایا، اخلاق علمی، صبوری در برابر پرسش‌های بی‌پایان، و تواضعی مثال‌زدنی را می‌آموخت. دانشجویان دکتری که زیر نظر ایشان پرورش یافتند، هیچ‌گاه از یاد نمی‌برند که استاد چگونه در کنار پرورش ذهن پژوهنده، به تربیت انسان متعهد و اندیشمند نیز می‌اندیشید. ایشان نه فقط یک راهنمای علمی، که پدري دلسوز و امینی مهربان برای پیگیری امور علمی و حتی مسائل شخصی دانشجویان بودند؛ ویژگی‌ای که در نظام آموزش عالی امروز، گوهری ارزشمند است.

در پایان، از درگاه خداوند متعال برای این استاد ارجمند، سلامتی، بهروزی و طول عمر با عزت مسألت دارم. باشد که سایه بلند ایشان بر سر خانواده محترم‌شان و بر جامعه علمی ایران پایدار و پرنفوذ بماند.

دکتر مصطفی رزمخواه

دانشگاه فردوسی مشهد

سابقه آشنایی اینجانب با همکار گرامی آقای دکتر محتشمی به سال ۱۳۷۸ بر می‌گردد. زمانی که بتازگی پایان نامه دکتری خود را ارائه کرده بودم و محل خدمت اینجانب دانشگاه بیرجند تعیین شده بود. در آن زمان آقای دکتر رئیس دانشگاه بودند. از ویژگی‌های بارز ایشان می‌توان به سعی و تلاش در جهت رفع مشکلات همکاران اشاره کرد. مورد خاص و پیچیده وضعیت استخدامی اینجانب که با کمک و راهنمایی ایشان در آن زمان بخوبی مرتفع گردید گواه این مطلب است. مشخصه جالب دیگر ایشان انجام فعالیتهای پژوهشی قابل توجه و هدایت دانشجویان تحصیلات تکمیلی است چه آن زمان که مسئولیت پر مشغله دانشگاه را بعهده داشتند و چه الان در این شرایط سنی واقعا جای تقدیر دارد. اما شاید مهمترین ویژگی ایشان تا زمانی که توفیق بهره‌مندی از تجربیات ایشان را در گروه آمار دانشگاه بیرجند داشتیم بیاد دارم تبحر بی نظیر در حل مشکلات و مسایل و چالشهای گروه بود. وجود چنین فردی در هر گروه واقعا ذی قیمت است. برای ایشان آرزوی سلامت و توفیق دارم.



دکتر محمد خنجری صادق
دانشگاه فردوسی مشهد





اینجانب حدود ۲۵ سال است که افتخار آشنایی نزدیک با جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی را دارم. در این مدت ایشان را فردی خودساخته یافتم که از دل جامعه زحمت کشیده برخاسته و مدارج عالی علمی و اجتماعی را سپری کرده است و در اوج محبوبیت در بین آشنا و غریبه، مسئولیتهای محوله را به انجام رسانده است. استقبال گرم و خودمانی غلامرضا و همسر محترمشان از من و خانواده، در ابتدای ورود ما به انگلستان با انبوهی از نگرانی و مشکلات، خاطره‌ای شیرین از حس نوع دوستی ایشان برای ما بود. در ایام همکاری با ایشان در دانشگاه فردوسی مشهد نیز در یافتن که قلب مهربان، خیرخواهی، صعه صدر، تواضع و اجتناب از تکلف، در عین برخورداری از مایه دانش تخصصی و عقبه خانوادگی پر افتخار، از سرمایه‌های مختنم ایشان می‌باشند. من و خانواده‌ام خود را مدیون محبت‌های ایشان و خانواده محترمشان می‌دانیم و بهترین آرزوها را برایشان از خداوند متعال داریم.

احمد رضا بهرامی
دانشگاه فردوسی مشهد

افتخار آشنایی و همکاری من با استاد گرانقدر، آقای دکتر محتشمی، از زمان پیوستن ایشان به گروه آمار دانشگاه فردوسی مشهد آغاز شد. این سال‌های همکاری، برای من فرصتی ارزشمند برای آموختن از استادی فرهیخته و انسانی بزرگوار بود؛ استادی که دانش، دلسوزی، فروتنی و اخلاق را در کنار یکدیگر دارند.



آقای دکتر محتشمی همواره با همکاران گروه با احترام برخورد می‌کردند و با مهربانی، مایه دلگرمی همکاران و دانشجویان بودند. بسیاری از دانشجویان و دانش‌آموختگان از دانش و راهنمایی‌های ارزشمند ایشان بهره برده‌اند و خاطره اخلاق نیکو و منش انسانی‌شان همواره در ذهن ما جاری خواهد بود. برای این استاد فرهیخته و بزرگوار، سلامتی، تندرستی و عمری پربرکت آرزومندم و امیدوارم سایه پربرکت ایشان سالیان سال بر سر خانواده، شاگردان و دوستانشان مستدام باشد.

دکتر وحید فکور

دانشگاه فردوسی مشهد



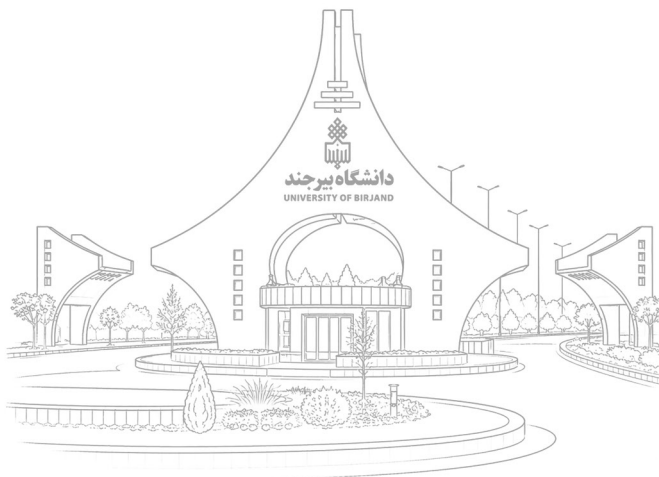
دکتر غلامرضا محسنی برزادرانی

نکوداشت استاد پیشکسوت گروه آمار
دانشگاه‌های بیرجند و فردوسی مشهد
ورئیس اسبق دانشگاه بیرجند



یادداشت‌های تقدیمی ۳

همکاران هیات علمی در دانشگاه بیرجند



استاد غلامرضا محتشمی برزاداران اسوه اخلاق، علم و عمل، سرمایه‌ای انسانی برای جامعه علمی کشور، خراسان جنوبی و به ویژه دانشگاه بیرجند



خداوند باری تعالی را شاکرم که به همت همکاران خوبم در گروه آمار زمینه‌ی بیان خاطراتی از رفیق همیشه همراهم را مرور کنم.

آشنایی بنده با این استاد دلسوز، پرکار و مهربان به حدود ۳۹ سال پیش هنگامی که در سال ۱۳۶۶ به عنوان دانشجوی کارشناسی ارشد ریاضی همزمان با برگزاری هجدهمین کنفرانس ریاضی کشور که با همت تعداد محدودی از اعضای گروه ریاضی آن زمان با دبیری آقای پرویز حسن پور و همکاری تعدادی از اعضای گروه از جمله جناب آقای دکتر محتشمی برگزار می‌شد، بر می‌گردد. در آن زمان بود که با عنایت آقای دکتر محتشمی به عنوان مدیر گروه ریاضی و موافقت رئیس وقت مجتمع آموزش عالی بیرجند روان شاد استاد جمشید درویش بدون هیچ گونه تشریفات اداری حکم بورس تحصیلی به مدت ۱۱ ماه و پرداخت ماهیانه مبلغ ۳۰۰۰ تومان برای من صادر شد و عملاً به عضویت خانواده‌ی آموزش عالی بیرجند در آمدم و در مهر ماه سال ۱۳۶۷ کار خود را در گروه شروع کردم و همیشه ایشان را به عنوان برادر بزرگتر در کنار خود داشتم و شاهد فعالیت‌های خالصانه و صادقانه ایشان در گروه در زمینه‌های مختلف اعم از جذب نیرو، تجهیز کتابخانه، حضور در مجامع علمی و... بودم. یکی از برون داد‌های این فعالیت‌ها درخشش دانشگاه بیرجند در بین دانشگاه‌های کشور از منظر قبولی فارغ التحصیلان، این مجموعه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در سطح دانشگاه‌های سراسر کشور بود در عین حالی که تمام مدرسین ما در مرتبه‌ی مربی بودند. پس از مدتی ایشان برای تکمیل تحصیلات راهی خارج کشور شدند و در خلال تحصیل نیز همواره دغدغه‌ی دانشگاه بیرجند را داشت و مسائل دانشگاه را رصد می‌کرد. و در برگشت از خارج و قبول مسئولیت دانشگاه مجدداً فرصت بهره‌مندی مستقیم دانشگاه از توان ایشان فراهم شد و برآیدومین بار، بنده مورد عنایت ایشان قرار گرفتم. به این صورت که چند روز قبل از فراغت از تحصیل در دوره‌ی دکتری به دانشگاه برگشته و مسئولیت معاون دانشجویی و فرهنگی را عهده دار شدم. در این پست شاهد نگاه پدرانه‌ی استاد به جامعه دانشگاهی و خصوصاً دانشجویان بودم. بطوری که بارها برای رفع مشکل دانشجویان به طور مستقیم در خوابگاه‌ها حضور پیدا کرده و باعث رفع مشکلات دانشجویان در اقل زمان می‌شد. ارتباط من با ایشان در این حوزه طوری بود که برخی از همکاران و دانشجویان این جمله را تکرار می‌کردند: «بنویسید محتشمی بخوانید میری، بنویسید میری و بخوانید محتشمی».

پس از ۲ سال از حوزه‌ی دانشجویی به حوزه‌ی آموزشی منتقل شدم و در این حوزه نیز به کمک آقای دکتر فعالیت‌های اساسی انجام گرفت، از جمله‌ی این کارها اعزام مربیان دانشگاه برای ادامه



تحصیل در جهت اصلاح هرم هیأت علمی دانشگاه به طوری که در این زمینه رتبه ی اول در بین دانشگاه‌های سراسر کشور بدست آوردیم. همچنین برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای اعضای هیأت علمی به منظور کیفیت بخشی به آموزش و تجهیز کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها از جمله آزمایشگاه آمار، جذب تعداد کارشناس آموزشی با کیفیت که هم اکنون نیز بار سنگین فعالیت‌های آموزشی دانشگاه را بر دوش دارند که از جمله این افراد می‌توان از آقای دکتر خسروی نام برد. همچنین در جهت انجام رسالت اجتماعی و ارتباط با جامعه در این دوره برگزاری آزمون‌های ورودی دانشجویی به دانشگاه منتقل گردید. که این مسئله باعث شناخت بیشتر خانواده‌ها و دانش‌آموزان از دانشگاه بیرجند و در نتیجه انتخاب دانشگاه بیرجند به عنوان دانشگاه محل تحصیل و افزایش خدمت‌رسانی دانشگاه به مردم بومی منطقه گردید. در سال ۱۳۸۴ زمانی که بنده مسئولیت دانشکده ی علوم دانشگاه را بر عهده داشتم، برگزاری چهارمین سمینار فرایند‌های تصادفی با همت ایشان در دانشگاه بیرجند برگزار گردید. که با توجه به حمایت‌های مالی جذب شده علاوه بر تأمین هزینه‌های برگزاری سمینار مقدار قابل توجه‌ای کتاب نیز خریداری شد. و همچنین عضویت مؤثر ایشان در انجمن‌های ریاضی و آمار که باعث معرفی دانشگاه بیرجند به جامعه ی علمی کشور شده است. و حتی پس از مهاجرت ایشان به مشهد به خاطر تحصیلات تکمیلی بچه‌هایشان نیز ارتباط با دانشگاه هیچگاه قطع نشد. و در جای جای دانشگاه شاهد خدمات ارزنده ی ایشان بوده و هستیم. عضویت در شوراهای مختلف از جمله هیأت ممیزه دانشگاه، مساعدت و همکاری در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و مشاوره در امور جاری دانشگاه بخشی از فعالیت‌های ایشان می‌باشد. جالب این است که ایشان به عنوان برادر بزرگتر همیشه مرا مورد لطف خود قرار داده‌اند و از مشورت‌های ایشان در اداره ی دانشگاه در طول دوران مدیریت خودم نهایت بهره‌را برده‌ام. علاوه بر مسائل اداری، آموزشی و فرهنگی این فرصت نیز نصیب من گردیده که در بخش تحصیلات تکمیلی دانشجوی مشترک با ایشان در دوره ی کارشناسی ارشد و دکتری فارغ‌التحصیل نمایم. در ایجاد گروه آمار و پس از آن ایجاد دانشکده ی علوم ریاضی و آمار نقش ایشان قابل توجه می‌باشد. بطوری که هم اکنون تعداد زیادی از دانشجویان قبلی ایشان به عنوان عضو هیأت علمی در این رشته فعالیت دارند. و به حق می‌توان ایشان را موسس رشته ی آمار در دانشگاه بیرجند دانست. یکی دیگر از ویژگی‌های این استاد ارجمند، عنایت خاص او به مردم خراسان جنوبی و خصوصاً جوانان با استعداد این منطقه می‌باشد به طوری که قسمتی از وقت خود را صرف رشد و اعتلای بچه‌های این منطقه می‌نماید. امیدوارم که ان شاء الله خداوند عمر با عزت به این استاد عزیز عنایت فرماید تا شاهد استمرار درخشش ایشان و بهره‌مندی جامعه از این شخصیت بی‌بدیل باشیم.

دکتر محمدرضا میری
گروه ریاضی دانشگاه بیرجند



با سلام و احترام و تشکر از اقدام بسیار خوب شما در مورد بزرگداشت پروفیسور محتشمی در سال ۱۳۶۴ که مدت شش ماه از حضورم در دانشگاه بیرجند به عنوان کارشناس آموزشی می گذشت که دکتر محتشمی در گروه ریاضی مجتمع آموزش عالی بیرجند شروع به کار کرده و افتخار همکاری با ایشان را پیدا کردم در بهار سال، ۱۳۶۵ بود که مسئولیت معاونت امور جنگ مجتمع آموزش عالی را با حکم زنده یاد مرحوم دکتر درویش بعهدہ گرفتم و کار برای حضور دانشجویان دانشگاه بیرجند شروع شد در این ایام یکی از اساتید گرانقدری که همواره دانشجویان تشویق به حضور در اعزام به جبهه می کرد آقای دکتر محتشمی بودند. در اعزام دانشجویان به تعداد حدود ۱۰۰ نفر با سپاهیان حضرت محمد به جبهه و مستقر شدن دانشجویان در تیپ ۶۱ محرم همواره دانشجویان با دکتر محتشمی در تماس بودند و از نظر جبران عقب ماندگی های تحصیلی نقش فوقالعاده ای در این مورد جناب دکتر محتشمی داشتند با توجه به بررسی نیازهای منطقه یادم است یک کتابچه راهنمای بکارگیری توپ ۱۲۵ میلیمتری را به زبان انگلیسی بود به آقای دکتر محتشمی دادیم که با همکاری دکتر پویان در عرض یک دو هفته به فارسی ترجمه کردند که بلافاصله برای استفاده دانشجویان به منطقه فرستادیم، بر گشت دانشجویان به دانشگاه آقای دکتر محتشمی به عنوان معلمی دلسوز در جهت ایجاد کلاس های جبرانی و تقویت بنیه علمی این دانشجویان رزمندہ تلاش می کردند و لذا یکی از اساتید مورد وثوق رزمندگان بودند با پایان جنگ تحمیلی و ادامه کار ستاد پشتیبانی جنگ دانشگاه همکاری های ایشان در جهت قانونمند کردن وضعیت آموزشی دانشجویان ادامه داشت در سال ۷۰ که اینجانب به هندوستان برای ادامه تحصیل رفتم ایشان هم به انگلستان رفته و در دانشگاه شفیلد مقطع تحصیلی دکترا را در دانشگاه شفیلد شروع کردند که ارتباط من با ایشان ادامه داشت و یادم است برای مقطع دکترا برایم از دانشگاه شفیلد پذیرش گرفتند که من مقطع دکترا را هم در هند ادامه دادم بعد از اتمام تحصیلاتم که به ایران برگشته و در دانشگاه بیرجند مشغول به کار شدم آقای دکتر محتشمی ریاست دانشگاه بیرجند را بعهدہ داشتند و بلافاصله حکم مدیر کل دانشجویان شاهد و ایثار گر را برایم صادر نمودند که من در جلسات هیات رئیسه دانشگاه شرکت می کردم از اتفاقات دوره ریاست ایشان تمام اعضای هیات علمی در مرتبه مربی برای تحصیل در دوره دکترا بورسیه شدند و پایه ای شد برای ارتقاء سطح علمی اساتید دانشگاه روحیه اخلاق مداری و مردم داری و ساده زیست بودن دکتر محتشمی همواره سرمشق و الگوی اینجانب در دوران خدمت در دانشگاه بیرجند بوده است و برای این برادر بزرگوار ارزوی صحت و سلامتی و موفقیت روز افزون از خداوند متعال را دارم.

دکتر نظر افضلی

گروه علوم دامی دانشگاه بیرجند



امر فرمودند در مورد آقای دکتر محتشمی استاد پیکسوت گروه آمار دانشگاه بیرجند (و مشهد) حقی را ادا کنم. آشنایی اینجانب با ایشان از زمانی که دانش آموز دبیرستان بودند شروع شد (معلم ایشان بودم) البته فعلا استاد من هستند. در آن دوره فردی باهوش و فعال بودند. وقتی همکاری من با دانشگاه بیرجند در سال ۵۶ شروع شد افتخار همکاری با ایشان را در گروه ریاضی و آمار (بعدا گروه آمار جدا شد) داشتم. در این مدت همواره دانشجویان از راهنمایی های ایشان استفاده می نمودند. استادی دقیق در مورد اجرای قوانین دانشگاه بودند. در مدتی که ریاست دانشگاه بیرجند راه عهده دار بودند. ویژگی مهم ایشان جذب اعضای هیئت علمی برای دانشگاه و همکاری با سمینارها و کنفرانس های برای دانشگاه بیرجند در سطح کشور بودند. سلامتی و سعادت ایشان را از درگاه خداوند خواستارم.

پرویز حسن پور

عضو هیئت علمی بازنشسته گروه ریاضی

زمان آشنایی بنده با آقای دکتر محتشمی (که در آن زمان مربی بودند) به مهرماه ۱۳۷۰، زمان شروع به کار اینجانب در گروه ریاضی (به عنوان مربی) دانشگاه بیرجند (مجتمع دانشگاهی) بر می گردد. بعد از ایشان بنده دومین نفری بودم که با تخصص آمار جذب گروه شده بودم. برخورد اولیه توام با مهربانی و احترام ایشان در تقسیم دروس، برای من بسیار جالب و تاثیر گذار بود، که مبنایی



برای همکاری و دوستی بیشتر گردید. یکی از ویژگی‌های بارز دکتر محتشمی پیگیری مستمر تا رسیدن به نتایج مطلوب در انجام وظایف محوله در حوزه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و اجرایی است که از نتایج آن می‌توان به تربیت و پرورش دانش‌آموختگان موفق در دانشگاه‌های محل خدمت (بیرجند و فردوسی مشهد)، تاسیس گروه آمار، راه اندازی دوره کارشناسی آمار و دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه بیرجند اشاره کرد. عشق و علاقه نامبرده به بیرجند، به طور عام، و دانشگاه بیرجند به طور خاص به همراه پشتکار و پیگیری مداوم موجب گردید که تعداد قابل توجهی از اعضای هیات علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دوران مدیریت ایشان در دانشگاه از فرصت‌های مطالعاتی استفاده کنند، که بعداً منجر به ارتقا جایگاه دانشگاه بیرجند گردید. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و بیان صریح و با متانت نظرات یکی دیگر از ویژگی دکتر محتشمی و تکیه گاهی برای گروه آمار و جامعه علمی کشور است. سلامتی، دوام عزت و عاقبت بخیری برای ایشان و سربلندی ایران را از خداوند منان مسالت دارم.

حمید رضا نیلی ثانی
گروه آمار دانشگاه بیرجند

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد



تجلیل و نکوداشت عالم و دانشمند، لطفی نیست به آنان، که وظیفه‌ای است بر عهده همه کسانی که جایگاه رفیع دانش و دانشمند را می‌شناسند و به بهایی آن واقفند، این تجلیل‌ها حتی تجلیل از اشخاص نیز نیستند که تجلیل از خود علمند، علمی که به نور هدایت آن، بشر از تاریکی‌های وحشت‌انگیز جهل و نادانی عبور کرده و به سوی افق‌های روشن آگاهی و بیداری پیش می‌رود.

خاتم ملک سلیمان است علم جمله عالم صورت و جان است علم

علم چون بر دل زند یاری شود علم چون بر تن زند باری شود

و گرچه علم به خودی خود گوهری است که تالو جاوید دارد اما آنگاه که با صفات والای انسانی در می‌آمیزد چون وضو علی‌الوضو می‌شود نور علی نور. عالمان اگرچه تا بقای دهر می‌مانند اما زیبایی ماندگاریشان در پیوند علم و اخلاق و صداقت و شرافت و خلاصه همه صفات والای انسانی و معنوی، دوچندان بلکه صدچندان می‌شود.

ما از شخصیت دانشمندی تجلیل می‌کنیم که علاوه بر علم و دانش به همه خصایص والای انسانی نیز آراسته است و بسیاری از بزرگانی که در دامان مهربان و پاکیزه از همه آلودگی‌های او بالیده‌اند و پرورش یافته‌اند نه تنها از او دانش آموخته‌اند که همه صفات پسندیده انسانی و در یک کلام انسانیت را از تعالیم والای او به یادگار دارند و البته از عالم و دانشمند و معلم و استاد جز این نیز انتظاری نمی‌رود.

قطعا همه عزیزان هم نظریم که تمجید و تعریف از استاد دکتر غلامرضا محتشمی برزادران هیچ‌گونه ضرورتی ندارد یعنی با شناختی که همه ما از ایشان و دانش و اخلاق و گفتار و رفتار پسندیده و پیراسته این بزرگ‌مرد داریم اگر هم از او تعریف و تمجید کنیم، مانند آن است که در تعریف خورشید بکوشیم. این درحالی است که همگان واقفیم که خورشید احتیاجی به توصیف و تعریف ندارد چرا که:

آفتاب آمد دلیل آفتاب گر دلیلت باید از وی رو متاب

شاگردان استاد از کوچک و بزرگ گرفته، تا پیر و جوان همه و همه با آشنایی با ایشان، در حقیقت در پرتو خورشیدی قرار گرفته‌اند که، جانشان را از چشمه زلال نور و دانایی او بهره‌مند ساخته است. زحمات بی‌دریغ این بزرگوار فرهیخته و این سرو تنومند و با وقار باغ دانش و بیداری به خصوص در توسعه زیرساخت‌ها و بنیان‌های علمی و عملی دانشگاه بیرجند، هیچ‌گاه از خواطر اهل درک و قدرشناسی زوده نخواهد شد. علقه‌های وطن‌پرستانه دکتر محتشمی به کشور و توجه به توسعه منطقه خراسان جنوبی به یقین تأثیرگذاری زیادی

بر شالوده مستحکم دانشگاه بیرجند داشته است.

تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد
وجود نازکت آزرده‌ی گزند مباد
سلامت همه آفاق در سلامت توست به هیچ عارضه شخص تو دردمند مباد

یکی از مهمترین ویژگی‌ها و اقدامات اثرگذار آقای دکتر محتشمی در دوران تصدی ریاست دانشگاه بیرجند، توجه به جذب اعضای هیات علمی و تشویق به ادامه تحصیل مربیان شاغل بود و البته و قطعاً توسعه یک مرکز علمی با حضور نیروهای متخصص و با مرتبه علمی بالا محقق می‌شود. اینجانب محمدعلی بهدانی در زمان انتصاب ایشان مسئولیت دانشکده کشاورزی را عهده دار بودم و علیرغم درخواست استعفا، ایشان شرط قبول آن را فقط ادامه تحصیل قرار دادند که این مهم در سال ۱۳۷۹ برایم محقق شد. به عنوان همکاری کوچک که سالها از علم و عطوفت و اخلاق این استاد بزرگ بهره‌مند بوده‌ام و هم‌اکنون نیز هستم مراتب ارادت خالصانه خود را تقدیم ساحت پاک و منزّه استاد داشته و از درگاه خداوند منان، آن یگانه بخشنده عزت‌ها و سربلندی‌ها، برای ایشان آرزوی سلامتی، سعادت و طول عمر با عزت دارم. سه قطعه عکس از سال ۱۳۷۷ و مربوط به هجدهمین گردهمایی روسای دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی سراسر کشور که برای اولین بار در دانشگاه بیرجند برگزار گردید و اینجانب نیز رئیس دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند بودم تقدیم می‌شود.

محمدعلی بهدانی

گروه مهندسی تولید و ژنتیک گیاهی دانشگاه بیرجند

یادداشتی دلی برای دوست و برادرم دکتر محتشمی



دوست می‌دارم این نوشته را با بیتی از حافظ شروع کنم و همین یک بیت، عصاره و خلاصه تمام مطالبی است که در سطور زیر تحریر شده است:

«حافظ نهاد نیک تو کامت برآورد جان‌ها فدای مردم نیکو نهاد باد»

آشنایی من با آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران به اوایل دهه هفتاد یعنی حدود ۳۵ سال قبل بازمی‌گردد، زمانی که من عهده‌دار اداره مرکز کامپیوتر دانشگاه (واقع در کالج کنونی دانشگاه، خیابان دانشگاه) تحت مدیریت آقای دکتر علی‌اکبر پویان (بازنشسته گروه مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شاهرود) بودم. با گسترش کار مرکز و افزایش تعداد دانشجویان بعداً مرحوم دکتر محمود عبادیان (دانشیار زنده‌یاد گروه مهندسی برق دانشگاه بیرجند) و آقای مهندس حمیدرضا خاقانی (بازنشسته گروه مهندسی کامپیوتر دانشگاه بیرجند) نیز به همکاران این مرکز اضافه شدند. آن زمان مرکز کامپیوتر در دانشکده علوم به‌ریاست آقای دکتر دلاور مستقر بود و کلاً ۷ کامپیوتر رومیزی (شامل ۲ کامپیوتر NCR، ۴ کامپیوتر مدل XT و AT و یک کامپیوتر PS۲) (همگی فاقد هارد دیسک شامل دو درایو فلاپی دیسک بزرگ و کوچک) به‌همراه یک چاپگر اپسون سوزنی و یک چاپگر رنگی در اختیار داشتیم و به اساتید و دانشجویان، خدمات محاسباتی در دروس کامپیوتر و محاسبات عددی (با کامپایلر فرترن، پاسکال، سی و بیسیک) ارائه می‌شد. هم‌چنین لیست حقوق و دستمزد دانشگاه آخر هر ماه با برنامه‌ای که آقای دکتر پویان به زبان بیسیک نوشته بودند (و در زمان خود تحول بزرگی محسوب می‌شد) در همین مرکز با حضور همکاران ذیحسابی دانشگاه بازنظیم و چاپ و برای بانک ملی حکیم نزاری ارسال می‌شد. دکتر محتشمی از اولین اساتیدی بودند که برای آشنایی و خیرمقدم و خداحوت به مرکز آمدند که این پایه دوستی برادرانه و صمیمانه‌ای شد که علیرغم فراز و فرودهای زمانه به لطف الهی کماکان جاری و ساری است. یکرنگی و صمیمیت، علاقه و دلسوزی به دانشگاه و هنر معلمی، دوری از ریب و ریا و تفاخر و تظاهر، و افتخار به زادگاه و ارزش‌های اصیل بیرجندی از اولین خصوصیات بود که در ایشان دیدم و به‌مرور زمان به ریشه‌دار بودن این ویژگی‌ها در ایشان بیشتر پی‌بردم. در سال‌های بعد این دوستی برادرانه متدرجاً بیشتر و به رفت و آمد خانوادگی تبدیل شد. ارتباط کاری نیز در مسئولیت‌های آتی ایشان در مدیریت دفتر طرح و برنامه دانشگاه و بعدها ریاست دانشگاه بیرجند افزایش یافت و من به‌عنوان مدیر روابط عمومی و چندی نیز به‌عنوان مدیر پژوهشی دانشگاه در خدمت ایشان بودم. در برهه‌ای نیز همکاری نزدیکی در برگزاری کنفرانس سالانه آمار در دانشگاه بیرجند با یکدیگر داشتیم و از نزدیک شاهد

برنامه‌ریزی و تلاش‌های شبانه‌روزی ایشان و همکاران گرانقدرشان در گروه ریاضی و آمار (هنوز گروه آمار مستقل نشده بود) بودم.

از خاطرات خوب و شیرینی که از ایشان دارم سفرهای گروهی به تهران با اتوبوس قدیمی دانشگاه در معیت همکاران به سرپرستی جناب آقای صادقی (مدیر وقت کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه) برای خرید کتاب از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در اردیبهشت ماه آن سال‌ها است. ایشان با وسواس و علاقه‌ای خاص، انتخاب و خرید کتب مورد نیاز را انجام می‌دادند. ساعت‌ها معطلی در ورودی نمایشگاه، تهیه پروفرما و بن‌خرید از سهمیه دانشگاه برای سفارش کتب محدود خارجی، ثبت کتاب‌ها و تحویل آن از انبارهای پراکنده و شلوغ و پرگرد و خاک نمایشگاه (و حمل کتاب‌ها گاهی با گاری و کارگر و گاهی بدون آن!) خود داستان جداگانه‌ای است. آخر شب که خسته و کوفته و گرم‌زده به مهمانسرای سابق دانشگاه (نزدیک میدان فردوسی) برمی‌گشتم، رویت و تورق همین کتاب‌ها با جلد‌های جذاب رنگی و محتوای دلنشین (و مقایسه آن با خریدهای دیگر گروه‌ها که به‌نحوی غنائم ما محسوب می‌شد!) خستگی آن روز را به‌کلی از تنمان بیرون می‌کرد. دکتر محتشمی کلاً به کتاب‌خوانی و خرید و جمع‌آوری کتاب علاقه شدیدی دارند و در برگشت از سفر تحصیلی خارج از کشور نیز تعداد بی‌شماری کتاب در چندین کارتن بزرگ برای استفاده در کتابخانه مرکزی دانشگاه با خود به ارمغان آوردند.

به دلیل محدودیت فضا به ذکر یک خاطره دیگر از ایشان بسنده می‌کنم. از اقدامات مهم و اساسی ایشان در زمان ریاست دانشگاه (دوره وزارت آقای دکتر معین) پیگیری امر اعزام مربیان دانشگاه برای بورس دکترای خارج از کشور و افزایش سهم استادیاران در هرم اعضا هیات علمی دانشگاه بیرجند بود. ایشان شخصاً پیگیر افزایش سهمیه دانشگاه بیرجند (به‌عنوان دانشگاه منطقه محروم) در زمان معاونت دانشجویی آقای دکتر صدیقی (در معاونت دانشجویی و اداره کل بورس و اعزام واقع در ساختمانی موسوم به ساختمان سبز در عباس آباد، خیابان شهید بهشتی) بودند. در هر سفر به تهران پرونده‌های بورس را با خود به‌همراه می‌بردند و در هر بازگشت از سفر با افراد نامزد بورس تماس می‌گرفتند و گزارش سفر را با دقت و دلسوزی برای رفع مشکلات و تکمیل سریع‌تر پرونده تشریح می‌کردند. حاصل این کار اعزام تعداد زیادی از مربیان واجد شرایط به اروپا، کانادا، روسیه، هند و چین در دوره مسئولیت ایشان بود، مربیانی که برگشت آنان جهشی در وضعیت علمی دانشگاه ایجاد کرد و هم اکنون نیز تعداد زیادی از آنان با درجه دانشیاری و استادی در جای‌جای دانشگاه بیرجند به خدمت مشغول می‌باشند.

مخلص کلام اینکه ایشان برادری صدیق، معلمی دلسوز، همکاری مهربان، فردی خانواده‌دوست و انسانی به‌تمام معنا شایسته از خانواده‌ای اصیل، ریشه‌دار، عالم پرور و مذهبی (به قول شاعر:



همه قبیله من عالمان دین بودند) و متعلق به نسلی می‌باشند که با تعالیم و آموزش‌ها و قراردادهایی خاص پرورش یافته‌اند، تعالیمی که اخلاق انسانی و اسلامی، وطن‌دوستی و اعتقاد عمیق قلبی به آداب و سنن و فرهنگ بومی و ملی، وجدان کاری و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی در هر شرایط را در عمق جان آنان رسوخ داده است، به‌گونه‌ای که این صفات والای بشری تحت هیچ شرایطی دچار تغییر و افول نمی‌شود و این چیزی است که نسل جدید و آینده‌سازان جوان این مرز بوم به‌شدت نیازمند آن است. در خاتمه سلامت و دوام توفیقات این برادر بزرگوار را از درگاه خداوند سبحان خواستار و آرزومندم سایه پرمهر ایشان برای سال‌های متوالی بر سر آموزش عالی استان پایدار و پرفروغ بماند.

در پایان از اقدام شایسته و بایسته انجمن علمی آمار ایران به‌لحاظ انتخاب این شخصیت والا و تاثیرگذار به عنوان پیشکسوت برگزیده و برگزاری آیین نکوداشت ایشان در هجدهمین کنفرانس آمار ایران در دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی و از همکاران محترم گروه آمار دانشگاه بیرجند (آقایان دکتر محسن عارفی و دکتر محمد خراشادیزاده در پیگیری ثبت مستندات) به‌نوبه خود تقدیر و تشکر می‌نمایم و توفیقات همه این عزیزان را در ادامه راه ارزشمند تجلیل از مفاخر علمی ایران اسلامی خصوصا در زمان حیات آنان از درگاه ایزدمنان خواستارم.

سید حجت هاشمی
گروه مکانیک دانشگاه بیرجند

دکتر محتشمی، دانشمندی نیک مرد از تبار خورشیدسواران



به نام خداوند جان و خرد
هَلْکِ خَزَانِ الْأَمْوَالِ وَ هُمِ أَحْيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ (حدیث نبوی)

دکتر محتشمی را از حدود سی سال پیش می‌شناسم، زمانی که با هم در آموزش و پرورش همکار بودیم. او که در دامن خانواده‌ای اصیل، فرهیخته و فاضل و از منطقه‌ی فرهنگ پرور و عالم خیز جلگه‌ی مازان تربیت یافته بود همواره به دنبال کسب علم و خدمت به جامعه بود. این امر سبب شد که تحصیلاتش را تا مقطع دکتری ادامه دهد و پس از آن هم با آموزش توأم با پرورش، مدارج علمی را یکی پس از دیگری طی کند و به مقام استاد تمامی نایل آید. او در زمان وزارت دکتر معین چند سالی ریاست دانشگاه بیرجند را بر عهده داشت و منشأ خدمات فراوانی برای بیرجند و دانشگاه بیرجند شد.

دکتر محتشمی از نظر شخصیتی انسانی ساده، بی‌آلایش، صمیمی و مهربان است. لبخند ملیحی که همیشه بر لب دارد مانع از فراموش کردن چهره‌ی کاریزماتیک و چشمان نافذ او می‌شود. از نظر علمی نیز فردیست فاضل و فرهیخته که با سخت کوشی و علاقه، به رشد و ترویج این منطقه و مرز و بوم کمک شایانی کرده است و یکی از دانشمندان برجسته‌ی حوزه‌ی تخصصی خودش به حساب می‌آید. علاوه بر اینها، او در کنار کسب فضایل اخلاقی و مدارج علمی همیشه مشوق و راهنمای همکاران، دوستان و دانشجویانش بوده و نقش مهمی در پرورش و ارتقای آنها ایفا کرده است.

فراموش نمی‌کنم چند سال قبل که پانزدهمین سمینار آمار در دانشگاه یزد برگزار شد او با علاقه و پشتکار زاید الوصفی هم در امور اجرایی و هم در کمیته‌ی علمی در برگزاری این سمینار از جان و دل کوشید تا کاری کارستان انجام شود. من که رشته‌ام ادبیات پارسی است و با آمار آشنایی تخصصی و علمی ندارم با تشویق و ارشاد این نیک مرد، مقاله‌ای بین رشته‌ای با عنوان «ادبیات و آمار» به این سمینار تقدیم کردم که خوشبختانه در ایام برگزاری سمینار به طور شفاهی ارائه گردید. اگر تشویق، اصرار و ارشادات دکتر محتشمی نبود، مسلماً چنین توفیقی نصیب بنده نمی‌شد.

از دیگر ویژگی‌های بارز دکتر محتشمی روحیه‌ی علم آموزی و خوشه چینی از هر جایی و کسی است که احتمال می‌دهد شاید حرفی برای گفتن داشته باشد. گویی نصیحت استاد سخن سعدی شیرازی همیشه آویزه‌ی گوش او بوده است. که می‌فرماید:

برو خوشه‌چین باش سعدی صفت که گردآوری خرمن معرفت

من به عنوان یک فرد دانشگاهی بیرجندی و خراسانی از اینکه مردان بزرگی چون دکتر



محتشمی در این زادبوم رشد کرده و بالیده‌اند به خودم می‌بالم و شادمانی، تندرستی و
نیک فرجامی این عزیز ارجمند را از درگاه یگانه دادار هستی آرزومندم و خطاب به او از زبان
لسان‌الغیب می‌گوییم:

حافظ نهاد نیک تو کامت برآورد جانها فدای مردم نیکونهاد باد

دکتر محمد بهنام‌فر
گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

اینجانب یدالله واقعی بیش از ۲۰ سال با جناب استاد دکتر محتشمی ارتباط کاری، اداری و پژوهشی داشته‌ام و بخش کوتاهی از خاطرات و شناخت خود را از استاد گرامی جناب آقای دکتر محتشمی به عرض خوانندگان گرامی می‌رسانم.



یکی از ویژگی‌های مهم آقای دکتر محتشمی علاقه وافر به زادگاه خود (روستای برزاداران و مناطق اطراف یا بقولی ناحیه هردنگ) و به شهر خود (بیرجند) و نیز دانشگاه بیرجند می‌باشد. از بس ایشان

از روستای برزاداران تعریف می‌کنند و مرتب رفت و آمد دارند که سالهاست آرزوی رفتن به آنجا را دارم (شاید بعد از نوشتن این مطلب یکبار دکتر من را با خود ببرند برزاداران را ببینم!). ایشان همواره دوستان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه بیرجند را به ادامه تحصیل تشویق می‌کردند و از بدو شروع به کار در دانشگاه بیرجند به فکر توسعه رشته‌ها از جمله تاسیس رشته آمار و نیز جذب دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد و دکترای آمار بوده‌اند. اینجانب در هر دو مقطع کارشناسی ارشد و دکترای بورسیه دانشگاه بیرجند بودم، هرچند در آن زمان جناب دکتر محتشمی شناخت و آشنایی چندانی با من نداشتند ولی در دادن اعلام نیاز و جذب من در دانشگاه بیرجند نقش به‌سزایی داشته‌اند و از این بابت به نوعی مدیون این استاد بزرگوار هستم.

از جمله ویژگی‌های بارز دیگر آقای دکتر، هوش و حافظه بلند مدت ایشان است که از سالیان خیلی دور ریزترین وقایع را در دوران بچگی یا دبیرستان یا تحصیل و موسسه آموزش عالی آمار و انفورماتیک و... بخاطر داشته و بخوبی تعریف می‌کنند. بنظر من یکی از عوامل بسیار مهم در پیشرفت‌ها و ارتقای درجات علمی و حتی موفقیت‌های دانشجویان تحت نظارت ایشان همین هوش و ذکاوت و البته درایت ایشان می‌باشد. ایشان به بسیاری از دوستان و آشنایان و همکاران و حتی افراد ناآشنا خونگرمی و ملاطفت خاصی داشتند. بسیار پیش آمد که در اتاق من دانشجو یا فردی بود که برای آقای دکتر ناشناس می‌نمود، دکتر به مدد اطلاعاتی که از افراد و فامیل‌های مختلف داشتند با پرسیدن دو یا سه پرسش از دانشجو یا فرد ظاهراً ناشناس اطلاعات آبا و اجدادی فرد را در می‌آوردند و به قولی از در رفاقت وارد صحبت می‌شدند! حتی گاهی افرادی فامیلشان را عوض کرده بودند، دکتر با اندک پرسشی متوجه این موضوع می‌شدند.

در سالیانی که با آقای دکتر در دانشگاه بیرجند همکار بودیم، نظر به لطفی که به بنده داشتند، در چندین مورد من مشاور دانشجویان کارشناسی ارشد تحت راهنمایی خود قرار دادم. جدیت و پیگیری مداوم ایشان بر امور مختلف پایان‌نامه و مقاله دانشجو و... انگیزه‌ای بود برای من که بعد از انتقال استاد به دانشگاه فردوسی نیز از همکاری ایشان در قالب



استاد مشاور یا راهنمای دوم دانشجویان دکترای تحت راهنمایی خود بهره ببرم و همین پیگیری‌های ایشان به افزایش کیفیت کار دانشجو و نیز چاپ مقاله بیشتر از رساله دانشجو کمک شایانی کرد و بی‌شک بخشی از پیشرفت علمی خودم را مدیون همین زحمات و پیگیری‌های دلسوزانه و مجدانه جناب استاد محتشمی هستم.

در همین راستا عرض کنم که، بارها من در مورد ارسال فایل بخشی از رساله یا بیان مشکلی در فرایند داوری مقاله دانشجو یا... به دکتر پیامک یا ایمیل می‌زدم، جناب دکتر در فاصله کوتاهی به من زنگ می‌زدند و همین زنگ زدنهای مکرر سبب می‌شد که حتی گاهی گوشی خود را در حالت پرواز قرار دهم تا خودم در فرصت مناسبتری به ایشان زنگ بزنم! (در زمینه این پیامک دادنهای مکرر من به دکتر و زنگ زدن سریع ایشان، بارها طنزی را برای دوستان تعریف کردم: که منزل یارو آتش میگیره به آتش نشانی پیامک میزنه: منزلم آتش گرفته به من زنگ بزنید تا آدرس منزل رو به شما بدم!). خلاصه آنکه دکتر در هر موردی که با من همکاری داشتند، بیشتر از خود من دلسوز و پیگیر بودند و بارها دیدم که فایل رساله یا مقاله دانشجویی که ایشان راهنمای دوم بودند را قبل از من نگاه کرده و بعد از آن به من زنگ می‌زدند و اگر به هر دلیلی من پاسخ نمی‌دادم به دانشجو زنگ می‌زدند تا نکات اصلاحی خود را بیان کنند.

در سال ۱۳۸۴ چهارمین سمینار احتمال و فرایندهای تصادفی در دانشگاه بیرجند برگزار شد ایشان من را بعنوان مسئول دبیرخانه سمینار انتخاب کردند. با وجود دبیر پرکار و پرتلاشی چون ایشان کارها و وظایف دبیرخانه هم بسیار سنگین بود ولی با بهره‌گیری از تعدادی از دانشجویان کارشناسی آن زمان (که برخی از آنها هم اکنون عضو هیأت علمی یا کارمندان خبره‌ای در ادارات مختلف هستند) تا حدی از سنگینی کار از دوش من برداشته شد. چندماه قبل از برگزاری سمینار ایشان با دهها مقام مسئول (که برخی از آنها دوست و همکلاسی قدیمی یا همشهری بودند) در وزارتخانه‌ها و نهادها و شرکتهای مختلف مکاتبات بسیار متعددی برای جلب حمایت مادی داشتند و شدیداً هم پیگیر بودند که به نتیجه برسد. همین موضوع سبب شد که حق ثبت نام بسیار اندکی از شرکت کنندگان گرفته شود (بنظرم حدود ۲۰۰۰ تومان در آن زمان) و حتی از بیشتر شرکت کنندگان هزینه غذا یا اسکان گرفته نشود، این موضوع به همراه برنامه‌های جنبی سمینار سبب جذابیت بیشتر سمینار و نیز افزایش آمار مشارکت (با شرکت تعداد زیادی از اساتید برجسته آمار کشور) در سمینار احتمال و فرایندهای تصادفی بود.

ما در تابستان ۱۴۰۳ هفدهمین کنفرانس آمار ایران را در دانشگاه بیرجند برگزار کردیم، آقای دکتر محتشمی هر چند دبیر کمیته علمی بودند پایه‌پا و حتی بیشتر از من، که دبیر کنفرانس بودم، علاوه بر انجام امور مربوط به کمیته علمی، پیگیر امور مختلف اجرایی و جلب مشارکتهای

و حمایتها بودند و بخاطر برگزاری همین کنفرانس برای مدت چندماه از مشهد به بیرجند برگشتند تا بصورت حضوری و رودررو یار و یاور ما در برگزاری هرچه بهتر کنفرانس باشند. با توجه به تغییرات و دگرگونی‌های مختلف در سالهای اخیر (عمدتاً: توسعه آموزش مجازی) و نیز افزایش سرسام آور هزینه‌های رفت و برگشت و اسکان و تغذیه و.... ایده ایشان برگزاری کنفرانس بصورت مجازی (یا در واقع ترکیبی از حضوری و مجازی) بود. هرچند ما امکانات مختلف را برای حضور حدود صد نفر میهمان تدارک دیدیم و چندین کلاس هم بصورت حضوری-مجازی تجهیز شدند، ولی در نهایت تعداد افرادی که به صورت حضوری شرکت کردند متأسفانه آمار قابل توجهی نبود.

در پایان برای افزایش طول عمر و سلامتی ایشان و خانواده و توفیق در راه ادامه خدمت به میهن و بیرجند دعا می‌کنم.

دکتر یدالله واقعی
گروه آمار دانشگاه بیرجند



گفت استاد مبر درس از یاد یاد باد آنچه به من گفت استاد



گاهی انسان‌ها را سال‌های شناسیم، اما فرصت شناخت واقعی شخصیتشان در مقطعی کوتاه و در شرایطی خاص فراهم می‌شود. آشنایی با آقای دکتر محتشمی به سال‌های دانشجویی بازمی‌گردد؛ سال‌هایی که نام و جایگاه علمی ایشان برایم شناخته شده بود. اما آنچه باعث شد معنای واقعی استادی

را در وجود ایشان درک کنم، همراهی چندروزه در جریان برگزاری هفدهمین کنفرانس آمار ایران بود. در آن روزهای پرمشغله، که اعضای دبیرخانه کنفرانس تمام توان خود را برای برگزاری هرچه بهتر این رویداد به کار گرفته بودند، بیش از هر چیز، رفتار و منش ایشان برای من درس‌آموز بود. هر بار که با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شدیم، ایشان با آرامش، صبوری و نگاهی سرشار از مهربانی، راهنمایی‌مان می‌کردند. هیچ‌گاه احساس نمی‌شد که با یکی از برجسته‌ترین استادان آمار کشور روبه‌رو هستیم؛ آنچه احساس می‌شد، حضور انسانی بزرگی بود که با همه وجود، دغدغه برگزاری یک رویداد با کیفیت توأم با موفقیت و آرامش اطرافیانش را داشت. من افتخار شاگردی ایشان را نداشته‌ام، اما بی‌تردید از منش و رفتارشان بسیار آموخته‌ام. شاید مهم‌ترین درسی که از ایشان گرفتم، این بود که بزرگی یک استاد تنها به دانش، آثار علمی و سال‌های تدریس او نیست؛ بلکه به فروتنی، احترام به دیگران، مسئولیت‌پذیری و بزرگواری او نیز هست. این‌ها درس‌هایی هستند که در هیچ کتابی نوشته نشده‌اند، اما تأثیرشان از بسیاری از درس‌های مکتوب ماندگارتر است.

هنوز هم وقتی روزهای هفدهمین کنفرانس آمار ایران را به یاد می‌آورم، پیش از هر چیز، چهره آرام، نگاه دلگرم‌کننده و حمایت‌های پدانه آقای دکتر در ذهنم زنده می‌شود. ایشان برای من تنها یک استاد برجسته نبودند؛ الگویی بودند از اینکه چگونه می‌توان در اوج جایگاه علمی، همچنان متواضع، مهربان و دستگیر دیگران بود. خوشحالم که امروز جامعه آماری ایران فرصت یافته است تا از سال‌ها خدمات علمی و فرهنگی آقای دکتر محتشمی قدردانی کند. این تجلیل تنها پاسداشت یک دانشمند برجسته نیست؛ ادای احترام به انسانی است که با اخلاق، بزرگواری و محبت خود، بر زندگی بسیاری از اطرافیانش اثر گذاشته است. من نیز خود را از جمله کسانی می‌دانم که همواره قدردان راهنمایی‌های ارزشمند و محبت‌های پدانه ایشان خواهم بود. از صمیم قلب، برای استاد ارجمند، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی، سلامتی، آرامش، عزت و طول عمری سرشار از برکت آرزو می‌کنم. امیدوارم سایه پرمهر ایشان سالیان دراز بر سر جامعه آماری ایران، شاگردان، همکاران و دوستداران‌شان مستدام باشد و نسل‌های آینده نیز همچنان از دانش، تجربه و منش ارزشمند ایشان بهره‌مند شوند.

دکتر سارا جمه‌وری
گروه آمار دانشگاه بیرجند



بی‌تردید، حضور استادان فرهیخته و اثرگذار در زندگی علمی هر پژوهشگر، نعمتی ارزشمند و ماندگار است؛ استادانی که نه تنها در انتقال دانش، بلکه در شکل‌گیری نگرش علمی، تقویت دقت پژوهشی، و پرورش شیوه درست اندیشیدن نقشی بنیادین ایفا می‌کنند. در این میان، نام دکتر محتشمی برای اینجانب همواره با احترام، سپاس و تحسین همراه بوده است.

ایشان در دوران نگارش پایان‌نامه دکتری، به‌عنوان استاد مشاور، نقشی بسیار مؤثر و الهام‌بخش در مسیر علمی اینجانب داشتند. همراهی علمی ایشان فراتر از یک مسئولیت دانشگاهی بود و با دقت نظر، ژرف‌اندیشی، و تعهد علمی مثال‌زدنی، زمینه‌ای فراهم می‌ساخت تا مسائل پژوهشی با نگاهی عمیق‌تر، سنجیده‌تر و منظم‌تر بررسی شوند. بهره‌مندی از دیدگاه‌های ایشان، همواره راهگشا و اطمینان‌بخش بود و در بسیاری از مراحل پژوهش، افق‌های تازه‌ای را پیش روی اینجانب گشود. یکی از ویژگی‌های برجسته و تحسین‌برانگیز ایشان، حافظه بسیار قوی و تسلط کم‌نظیر بر پیشینه و تاریخچه بسیاری از مقالات و مباحث تخصصی، به‌ویژه در حوزه قابلیت اعتماد و آمار، است. این توانایی ممتاز، در کنار اشراف علمی گسترده، سبب می‌شد که در هر جلسه مشورت و گفتگو، ارجاعات دقیق، تحلیل‌های روشن و نکته‌سنجی‌های ارزشمند ایشان راهنمایی مؤثر برای فهم بهتر موضوعات و سامان‌بخشی به مسیر تحقیق باشد. این سطح از احاطه علمی، برای دانشجویان و پژوهشگران، همواره آموزنده، الهام‌بخش و شایسته‌ترین ستایش است.

ایشان در رشد علمی و فکری دانشجویان و پژوهشگران، نقشی ماندگار و انکارناپذیر داشته‌اند. آنچه حضور علمی ایشان را ممتازتر می‌سازد، تنها دانش وسیع و تخصص عمیق نیست، بلکه شیوه برخورد علمی، دقت در نقد و بررسی، و اهتمام به پرورش نگاه پژوهش‌محور در دانشجویان است. این ویژگی‌ها سبب می‌شود که اثر حضور ایشان، فراتر از کلاس و جلسه مشاوره، در ذهن و مسیر حرفه‌ای شاگردان باقی بماند.

از این‌رو، یادکرد از مقام علمی و انسانی ایشان، یادکرد از استادی است که با دانش، متانت، دقت و تعهد، سهمی ارزشمند در تربیت علمی نسل‌های متعددی از دانشجویان داشته‌اند. اینجانب با نهایت احترام و قدرشناسی، از همه راهنمایی‌ها، حمایت‌ها و همراهی‌های علمی ایشان صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم و دوام سلامتی، عزت، و توفیقات روزافزون را برای ایشان آرزومندم. بی‌گمان، نام و یاد ایشان در خاطر همه کسانی که افتخار شاگردی، همکاری یا بهره‌مندی از دانش و تجربه ایشان را داشته‌اند، همواره با تکریم، امتنان و نیکی ماندگار خواهد بود.

دکتر فاطمه یوسف زاده
گروه آمار دانشگاه بیرجند

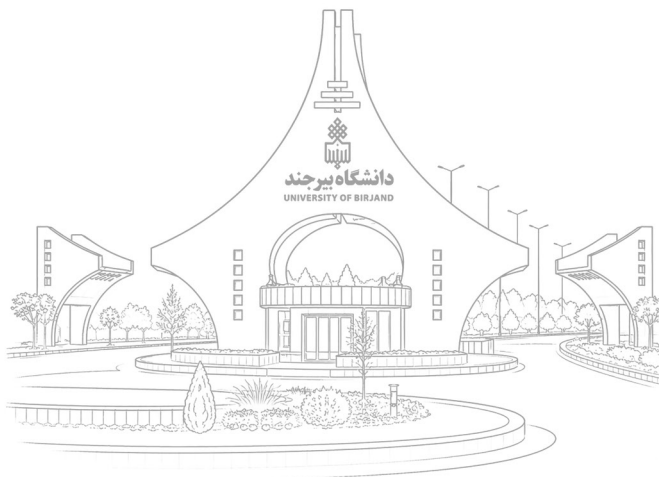
دکتر غلامرضا محتشم برزادران

نکوداشت استاد پیشکسوت گروه آمار
دانشگاه‌های بیرجند و فردوسه مشهد
ورئیس اسبق دانشگاه بیرجند



یادداشت‌های تقدیمی ۴

دانشجویان دکتر محتشمی



استاد گران قدر، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران



نیک می‌دانیم که واژه‌ها در برابر عظمتِ «دانش» و «اخلاق» که در وجود شما متبلور است، ناچیزند. اما امروز که فرصتی دست داده تا گوشه‌ای از زحمات بی‌پایان شما را ارج نهیم، قلم به دست گرفته‌ام تا بگویم حضور در محضر استادی چون شما، فراتر از یک

دوره تحصیلی، درسی بزرگ برای زندگی ام بود.

آقای دکتر محتشمی عزیز، شما برای من بیش از یک استاد راهنما، تکیه‌گاهی مطمئن و الگویی تمام‌عیار از اخلاق‌مداری هستید. هرگز از یاد نخواهم برد شب‌های دیرهنگامی را که گویی دغدغه‌ی علمی بنده، دغدغه‌ی شخصی شما بود؛ تماس می‌گرفتید، نه برای کنترل، که برای پیگیری، همدلی و گره‌گشایی مسائلی که ذهن ما را به چالش کشیده بود. به یاد دارم که چگونه با متانت و اشتیاق، پاسخ‌های دشوارترین گره‌های علمی را برایم روشن می‌کردید و با سخاوت، تمام توان علمی و تجربه‌ی گران‌بهای خود را در طبق اخلاص می‌گذاشتید.

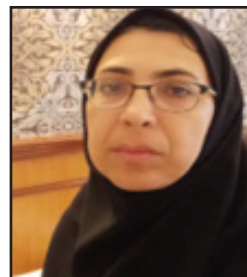
اگر امروز در مسیر علمی و اجرایی خود گامی به جلو برداشته‌ام، مرهون حمایت‌ها و راهنمایی‌های بی‌دریغ شماست. در لحظات دشوار نگارش و فرآیندِ طاقت‌فرسای چاپ مقالات، این شما بودید که با صبوری و پیگیری‌های مستمر، چراغ راه ما بودید و اجازه ندادید خستگی بر اراده‌مان چیره شود.

استاد بزرگوار، سپاس از اینکه به ما آموختید علم بدون اخلاق، معنایی ندارد و سپاس از اینکه با «مهربانی»، دشواری‌های مسیر دکتری را برایمان شیرین کردید. نام و یاد شما همواره در قلب و حافظه‌ی علمی شاگردانتان، ماندگار خواهد بود.

مسیب احمدی

دانشگاه علم و فناوری مازندران

متن نکوداشت



در مسیر زندگی علمی، گاه این توفیق نصیب انسان می‌شود که در محضر استادانی فرهیخته، علاوه بر دانش، درس زندگی و اندیشیدن نیز بیاموزد. برای من، این افتخار در دوره دکتری و در بهره‌مندی از راهنمایی‌های جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی، به عنوان استاد راهنمای پایان‌نامه، حاصل شد. آنچه از آن دوران بیش از هر چیز در ذهن و زندگی من ماندگار شده است، نه صرفاً آموخته‌های علمی، بلکه شیوه اندیشیدن و نگاه تربیتی ایشان به دانشجویان.

ایشان هرگز نمی‌کوشیدند مسیر آینده را برای دانشجو ترسیم کنند؛ بلکه می‌آموختند چگونه خود مسیر را بیابد. همواره بر این باور بودند که نقش استاد، توانمند ساختن دانشجو برای اندیشیدن، تصمیم گرفتن و ایستادن بر توانایی‌های خویش است، نه وابسته نگه داشتن او به استاد. این نگاه، تنها یک شیوه آموزشی نبود، بلکه رویکردی تربیتی بود که اعتماد به نفس، استقلال فکری و مسئولیت‌پذیری را در دانشجویان پرورش می‌داد.

در کنار این بینش ارزشمند، منش اخلاقی ایشان نیز همواره برای من الهام‌بخش بوده است. به خاطر دارم زمانی که یکی از پژوهش‌های مشترک ما مشمول دریافت پاداش پژوهشی دانشگاه شد، ایشان با تأکید بر اینکه موفقیت یک پژوهش حاصل تلاش همه اعضای آن است، بر رعایت انصاف در تقسیم آن پاداش اصرار ورزیدند. شاید ارزش مادی آن اتفاق امروز چندان به چشم نیاید، اما رفتار ایشان در آن روز، برای من درسی ماندگار از عدالت، جوانمردی و احترام به زحمات دیگران بود؛ درسی که ارزش آن بسیار فراتر از هر پاداشی است.

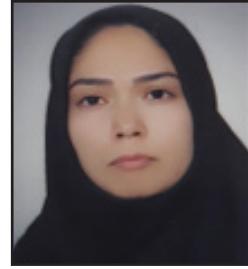
سال‌ها از آن دوران گذشته است، اما هرچه تجربه بیشتری می‌اندوزم، بیش از پیش دریابم که میراث واقعی یک استاد، تنها مقاله‌ها، کتاب‌ها یا پایان‌نامه‌ها نیست؛ بلکه انسان‌هایی است که با اندیشه، اخلاق و منش او رشد یافته‌اند. این، همان میراث ارزشمندی است که جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برای شاگردان خود به یادگار گذاشته‌اند.

با نهایت احترام، از استادی فرهیخته سپاسگزارم که دانش را با اخلاق و آموزش را با تربیت درآمیخت و اثری ماندگار در زندگی علمی و حرفه‌ای شاگردان خود بر جای گذاشت. با آرزوی سلامتی، عزت و توفیق روزافزون برای استاد عزیزم.

فرانک گودرزی

دانشگاه کاشان

گاهی تأثیر یک استاد را نمی‌توان تنها با درس و نمره سنجید. برخی استادان در مقاطع مهمی از زندگی دانشجویان حضور پیدا می‌کنند؛ زمان‌هایی که یک تصمیم می‌تواند مسیر آینده آنان را به شکلی شگفت‌انگیز تغییر دهد.



آشنایی من با جناب دکتر محتشمی به دوران کارشناسی در دانشگاه بیرجند بر می‌گردد. در طول آن سال‌ها، دروس تخصصی متعددی را با ایشان گذراندم و در سال آخر نیز پروژه کارشناسی خود را زیر نظر ایشان انجام دادم. در آن مقطع، پس از پایان کارشناسی تصمیم داشتم به شهر خودم بازگردم و برای سال آینده با آمادگی بیشتری در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کنم. اما در یکی از جلسات مربوط به پروژه، دکتر محتشمی درباره برنامه من برای ادامه تحصیل پرسیدند. وقتی متوجه شدند تصمیم دارم یک سال صبر کنم، با جدیت درباره این تصمیم با من صحبت کردند. به من گفتند که نباید این فرصت را از دست بدهم و باید همین امسال در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کنم.

چیزی که این خاطره را برای من ماندگار کرده، فقط یک توصیه دلسوزانه نبود. دکتر محتشمی با قاطعیت گفتند که تا زمانی که برای آزمون کارشناسی ارشد آماده نشده باشم، اجازه نمی‌دهند روی پروژه کار کنم. حتی گفتند نمره آن نیز تا زمانی که مطمئن نشوند من برای آینده‌ام قدم برداشته‌ام، داده نخواهد شد.

آن زمان شاید این تصمیم برایم سخت بود، اما امروز به خوبی می‌دانم پشت این جدیت، چیزی جز دلسوزی، آینده‌نگری و باور به توانایی من نبود. ایشان نمی‌خواستند خستگی یا تردید باعث شود فرصتی را از دست بدهم که می‌توانست مسیر زندگی علمی‌ام را تغییر دهد. پس از اعلام نتایج آزمون، دکتر محتشمی مثل همیشه پیگیر بودند. پیش از آنکه من از جزئیات نتایج مطلع شوم، ایشان در جریان بودند و با من تماس گرفتند و خواستند هرچه سریع‌تر برای انتخاب رشته با هم صحبت کنیم.

با تجربه، دقت و حوصله‌ای پدانه برای انتخاب رشته من وقت گذاشتند. شرایط مختلف را بررسی کردند و با همان دلسوزی که گویی آینده فرزند خودشان برایشان اهمیت داشت، بهترین مسیر را پیشنهاد دادند. در نهایت، انتخابی که با راهنمایی ایشان انجام شد، باعث شد من در دانشگاه صنعتی اصفهان پذیرفته شوم.

از آن روز تا امروز، از دوران کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری و فعالیت‌های پژوهشی خارج از کشور، ارتباط من با دکتر محتشمی همچنان ادامه داشته است. ایشان در تمام این سال‌ها فقط یک استاد نبوده‌اند؛ بلکه با پیشنهادها، راهنمایی‌ها و توصیه‌های پدانه خود همیشه همراه و حامی من بوده‌اند.



هر زمان به مسیر تحصیلی و حرفه‌ای خود نگاه می‌کنم، به همان جلسه پروژه فکر می‌کنم؛ جلسه‌ای که شاید در ظاهر فقط درباره ادامه تحصیل بود، اما در واقع مسیر سال‌های بعد زندگی من را تغییر داد. برای این همراهی، اعتماد و نگاه پدران دکتر محتشمی همیشه قدردان خواهم بود.

دکتر اعظم خیری



گاهی خداوند در مسیر زندگی، انسان‌هایی را قرار می‌دهد که نقششان از یک استاد فراتر می‌رود. انسان‌هایی که نه تنها دانش می‌آموزند، بلکه اندیشیدن، زیستن و انسان بودن را نیز به شاگردان خود می‌آموزند. برای من، استاد ارجمند جناب آقای دکتر محتشمی برزادران از همین جنس انسان‌ها هستند.

از مهرماه سال ۱۳۸۳ تاکنون، بیش از بیست و دو سال است که افتخار شاگردی ایشان را داشته‌ام. از نخستین روزهای دوره کارشناسی در دانشگاه بیرجند، تا دوره کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه فردوسی مشهد و امروز که خود در جایگاه عضو هیئت علمی دانشگاه مشغول آموزش و پژوهش هستم. هرگاه که به این مسیر می‌نگرم، بیش از هر چیزی ردپای استادی را می‌بینم که با صبوری، دلسوزی و بزرگواری راه را برای شاگردانش هموار کرده است. آنچه از استاد آموختم، تنها مفاهیم آمار و شیوه پژوهش نبود. از ایشان آموختم که علم، بدون اخلاق راه به جایی نمی‌برد. پژوهش، بدون صداقت هیچ ارزشی ندارد و معلمی تنها به دانستن نیست، بلکه به ساختن انسان‌هاست. به جرات می‌توانم بگویم که «صداقت» خط قرمز آقای دکتر محتشمی برزادران در زندگی و پژوهش است.

برای من، استاد تنها استاد راهنمای پایان نامه و رساله نبودند. ایشان همواره همچون پدری مهربان و دلسوز در کنارم بودند. در روزهای دشوار، با آرامش و تدبیر امید می‌بخشیدند. در لحظه‌های تردید، دلگرمی می‌دادند و در موفقیت‌ها با همان تواضع همیشگی، شادی شاگردانشان را شادی خود دانسته و البته از غرور و تکبر برحذر می‌داشتند. در واقع ایشان دوستی ارزشمند و مهربان برای بنده بوده و هستند. شاید بزرگ‌ترین افتخار زندگی علمی من این باشد که بیش از دو دهه، افتخار شاگردی چنین استادی را داشته‌ام. امروز اگر در کلاس درس می‌ایستم، اگر دانشجویی را راهنمایی می‌کنم و اگر در پژوهش گامی برمی‌دارم، بارها از خود می‌پرسم: «استاد در این موقعیت چگونه رفتار می‌کردند؟» زیرا برخی استادان، تنها به دانشجو درس نمی‌دهند، بلکه خود الگوی زندگی علمی و اخلاقی شاگردانشان می‌شوند. نکوداشت یک استاد تنها تجلیل از سال‌های خدمت او نیست. شمارش تعداد شاگردان تربیت کرده و عناوین موفقیت‌های او نیست. بلکه بزرگداشت نوری است که در دل و اندیشه شاگردانش روشن کرده است. این نور، در کلاس‌های درس، در پایان‌نامه‌ها، در مقاله‌ها و مهم‌تر از همه، در منش و رفتار شاگردانش ادامه پیدا می‌کند.

استاد عزیز،

هیچ واژه‌ای توان بیان عمق سپاس و ارادت مرا ندارد. تنها می‌توانم خداوند را شاکر باشم که از لحظه قدم برداشتن در دانشگاه تاکنون، توفیق شاگردی شما را نصیبم کرد. نعمتی که



همواره آن را از بزرگ‌ترین افتخارات و موهبت‌های زندگی خود می‌دانم.
از صمیم قلب، برای شما سلامتی، آرامش، عزت و طول عمر با برکت آرزو می‌کنم و امیدوارم
نسل‌های بسیاری همچنان از دانش، تجربه، منش و بزرگواری شما بهره‌مند شوند.

مجتبی اصفهانی
دانشگاه ولایت ایران‌شهر

استادی از جنس مردم



عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت سروران گرامی ، از من خواسته شده تا در مورد استاد عزیز و ارجمندم جناب پروفیسور غلامرضا محتشمی بزازداران مطالبی را هرچند کوتاه و مختصر بنویسم صحبت کردن و نوشتن در وصف دکتر محتشمی و توصیف این نمادانسانیت ساعت ها زمان می طلبد تا شمه ای از اوصاف این ابر مرد خطه بیرجند را بتوان بیان کرد.

بنده دانشجوی ورودی مهرماه سال ۱۳۶۴ رشته دبیری ریاضی مجتمع آموزش عالی بیرجند بودم. عزیزانی که در آن سالها دانشجو بودند، یادشان هست که اساتید دانشگاه دارای قرب و منزلت بسیار زیادی نسبت به زمان حاضر بودند و اقتدار و جذبه زیادی داشتند و دانشجویان جسارت نزدیک شدن و یا رفاقت با اساتید را نداشتند. حال شما تصور کنید در اینچنین جوی یک نفر پیدا شود و پای درد دل دانشجویان بنشیند و به قول معروف درکشان کند و سنگ صبورشان باشد، این شخص همانند یک ملجا و پناهگاه برای دانشجویان است. استاد محتشمی یک پناهگاه امن برای دانشجویان بود. اگر اشتباه نکنم در نیمسال دوم سال ۱۳۶۴ جناب استاد محتشمی به جمع اساتید گروه ریاضی مجتمع آموزش عالی بیرجند ملحق شدند اساتیدی همچون آقایان فلکی ، طالبیان ، حاج جمشیدی و ... که هر کدامشان در آن زمان بهترینها در تخصص خود بودند. این مقدمه را عرض کردم تا جو و اتمسفر حاکم بر مجتمع آموزش عالی بیرجند و مخصوصا گروه ریاضی آن زمان را توصیف کرده باشم، حال در یک اینچنین جوی استاد محتشمی با دانشجویان بسیار صمیمی و دوستانه برخورد می کردند و به صحبت های آنها گوش می دادند و راهنمایی های لازم را به دانشجویان می دادند، علی الخصوص از زمانی که مدیر گروه ریاضی شدند که برای ما دانشجویان بهترین روزهای دانشجویی بود چرا که یک نفر مدیر گروه ریاضی شده که به حرف دانشجویان گوش میداد و به نظراتشان احترام می گذاشت (البته نا گفته نماند که در گروه ریاضی دانشگاه بیرجند اساتید نازنین دیگری هم بودند که همانند استاد محتشمی به قول معروف از جنس مردم بودند مثل استاد پرویز حسن پور، استاد محمد مهدی نصر آبادی ، استاد علی اکبر پویان خداوند ان شاءالله سلامت نگهشان دارد) استاد محتشمی دستخط بسیار زیبایی داشته و دارند و زمانی که امتحان میانترم و پایانترم از دانشجویان می گرفتند، دستخط زیبایشان زبازند خاص و عام بود و همیشه در برگه سوالات امتحانی استاد محتشمی ۴ یا ۵ تا سوال بود ، که هر سوال دارای ۲ یا ۳ بخش بودند بطوریکه این سوالات تقریبا تمام مطالب سرفصل را پوشش می داد و با اطمینان می توان گفت که کسی نمی



توانست ادعا کند که از فلان بخش کتاب سوال نیامده بود و این نقطه قوت بزرگی برای یک استاد دانشگاه است. استاد محتشمی در آن سالها یک خودرو سواری لندرور داشتند. صبح‌ها اگر دانشجویان مقیم خوابگاه که فلکه دوم رحیم آباد بود، از سرویس دانشگاه جا مانده بودند؛ استاد محتشمی در مسیر رفتن به دانشگاه با لندرور خودشان دانشجویان را سوار می‌کردند و به دانشگاه می‌رساندند. (من خودم چند بار این افتخار نصیبم شد)

امیدوارم در دانشگاه‌های ما اساتیدی مانند استاد محتشمی زیاد و زیاده‌تر باشند و مسئولین و مدیران دانشگاه قدر و منزلت اساتیدی همچون پروفسور محتشمی را بدانند و گرمای بدارند، هر چند استاد محتشمی در سال‌های آخر که منتهی به بازنشستگی ایشان می‌شد، مورد کم‌لطفی و کم‌مهری بعضی از همکارانشان شدند ولی استاد محتشمی با سعه صدر و مناعت‌طبع و بزرگواری با آنها برخورد می‌کردند. سخن گفتن و صحبت کردن در مورد شخصیت علمی و اجتماعی پروفسور محتشمی در این مقال نمی‌گنجد و بنده به عنوان یکی از دانشجویان استاد محتشمی قطره‌ای از دریای معرفت و انسانیت و دانش و مردانگی این استاد ارجمند و کم‌نظیر را بیان کردم.

آرزو دارم استاد محتشمی همیشه سالم و تندرست و شاد باشند و سالهای سال سایه پر مهرشان بر سر همه ما و جامعه علمی کشور مستدام باشد.

نیست بر لوح دلم جز الف قامت دوست چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

سید هاشم طبسی
دانشگاه دامغان

شکر شایان نثار ایزد منان که توفیق را رفیق راهم ساخت



با دنیایی سرشار از بالندگی، با جهانی مشحون از مغاخره و مباهات، به رسم ادب چند سطوری را می نگارم باشد که جرعه ای از این همه اندیشه زلال، بر لوح زرین روزگار نیز بدرخشد. بی شک افتخارآمیزترین لحظه زندگی همین لحظه است که از استاد بی بدیل، مشاور والا، پدر مهربان و دلسوز بنویسم. استاد محتشمی بزرگوار مجموعه ای از صفات برجسته را در خود دارند که هر کدام از آنها به تنهایی می تواند هر انسان عادی را شاخص و متمایز سازد. دلسوزی، تلاش و کوشش در تعلیم و تربیت و انتقال معلومات و تجربیات ارزشمند در کنار برقراری رابطه صمیمی و دوستانه با دانشجویان و ایجاد فضائی دلنشین برای کسب علم و دانش و درک شرایط دانشجویان حقیقتاً قابل ستایش است. خصوصیت بارز دیگری که در سالیان آشنایی از ایشان دیدم، این است که ایشان توصیه به کاری می کنند که خود عمل کننده و پاینده به انجام آن هستند و این راز اثرگذاری کلام ایشان در شاگردان بوده و هست. در طول این بیست و دو سال که در محضر استاد بوده ام ایشان را فردی آزاده یافته ام. این آزادگی به معنی دوری از نفاق، دورویی، چاپلوسی و دروغ، به حد اعلا در ایشان بارز و به نظر من سرلوحه زندگی بوده است. در هر دوره ای محدود افرادی را می توان یافت که با دید وسیع و موشکافانه خود، با علم پیشروتر از زمان خود و با توان مدیریتی استثنایی خود اثراتی ژرف و پایدار را در حوزه علم و به تبع آن در جامعه برجای می گذارند. استاد عزیز، بی شک در زمره چنین فرهیختگانی قرار می گیرند. امیدوارم که ایشان را همواره سالم و پرانرژی دریابیم تا سالهای سال منشا الهام و برکات برای مردم حق شناس و دانش پرور این سرزمین کهن باشند. افتخار ما به وجود ایشان است.

به تعلیم و ادب جان را بیاراست که بی دانش نماند راه و روزیم

دکتر منیژه صانعی طبس
دانشگاه سیستان و بلوچستان

با درود و احترام بی‌پایان به محضر استاد ارجمند، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران



نوشتن در وصف کسی که قامت علم و اخلاقش، سال‌ها سایبان آرامش و روشن‌گری من بوده، کاری است بس دشوار؛ چه آن‌که واژه‌ها برای ادای دقیق حق ایشان، ناقص و ناتوان‌اند. اما امروز که فرصت این نکوداشت فراهم شده، بر خود فرض می‌دانم تا سطرهایی از دل‌نوشته‌ام را به پیشگاه آن عزیز تقدیم کنم. برای من، دکتر محتشمی، نه فقط یک استاد که یک همراه و راهنما بوده‌اند. ایشان در تمامی مقاطع حساس و سرنوشت‌ساز زندگی علمی و حتی شخصی من، چونان چراغی فروزان، مسیر را روشن ساخته‌اند. یادم نمی‌رود روزهای دشوار مصاحبه‌ی دکتری را که با لبخند امیدبخش و نگاه سرشار از اعتماد ایشان، ترس و تردید جای خود را به آرامش و باوری عمیق سپرد. در لحظه‌ی نگارش نخستین مقاله، باز هم نگاه پدانه‌ی ایشان بود که به من می‌آموخت نوشتن، هنر جرئت داشتن است.

هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم که برای استخدام در دانشگاه، پای صحبت‌هایشان نشستم و از تجربه‌های ارزشمندشان استفاده کردم. هر بار که در مسیر ارتقای شغلی و علمی، در گردنه‌های سخت تصمیم‌گیری گیر می‌کردم، تکیه‌گاه محکم من، توصیه‌های عالمانه و مدیرانه‌ی ایشان بود. حتی در مسائل اداری همچون تبدیل وضعیت، صبر و حوصله‌ی شگفت‌انگیز و راهنمایی‌های دلسوزانه‌شان، مرا از پیچ‌وخم‌های طاقت‌فرسای بروکراسی عبور داد. اما آنچه این راهنما را از یک مشاور علمی صرف متمایز می‌ساخت، مهربانی و تواضع بی‌نظیر ایشان بود. ایشان به من آموختند که علم، بدون اخلاق و انسانیت، چون درختی بی‌میوه است و جایگاه استاد، نه بر کرسی تدریس که در قلب شاگردانش ماندگار می‌شود. شاد و سربلند و پاینده باشید، ای استاد عزیز و گرانقدر

دکتر حامد احمدزاده

دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان

شکر شایان نثار ایزد منان که توفیق را رفیق راهم ساخت



سخن گفتن از استادان فرهیخته‌ای که عمر پربرکت خویش را وقف آموزش، پژوهش و تربیت نسل‌های متعدد دانشجویان کرده‌اند، همواره دشوار است؛ زیرا گستره تأثیر علمی و انسانی آنان در چند سطر و چند صفحه نمی‌گنجد. در میان این بزرگان، استاد ارجمند جناب آقای دکتر محتشمی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و نام ایشان همواره با دانش، اخلاق، فروتنی و تعهد علمی همراه بوده است. آشنایی اینجانب با استاد دکتر محتشمی به سال ۱۳۸۱ و دوران تحصیل در مقطع کارشناسی آمار در دانشگاه بیرجند بازمی‌گردد. از همان نخستین دیدار، شخصیت علمی برجسته، منش متواضعانه و رفتار صمیمانه ایشان تأثیر عمیقی بر من گذاشت. این افتخار را دارم که در طول سال‌های تحصیل از محضر ایشان در دروس مختلف آمار و احتمال بهره‌مند شوم و از دانش گسترده و نگاه عمیق علمی ایشان استفاده کنم. در دوره‌های کارشناسی و دکتری، افتخار شاگردی ایشان را در درس‌های گوناگون از جمله آمار و احتمال مقدماتی، آمار ریاضی ۱ و ۲، روش‌های چندمتغیره گسسته و نظریه اطلاع (دکتری) داشتم. افزون بر آموزش‌های علمی، همواره از راهنمایی‌ها، حمایت‌ها و توصیه‌های ارزشمند ایشان در مسیر تحصیل، پژوهش و فعالیت‌های دانشگاهی بهره‌مند بوده‌ام. در تمام این سال‌ها، ایشان با صبر، مهربانی و دلسوزی، راهنمای دانشجویان خود بوده‌اند و این ویژگی‌های ارزشمند، در کنار توانمندی‌های علمی، شخصیت ممتاز ایشان را شکل داده است.

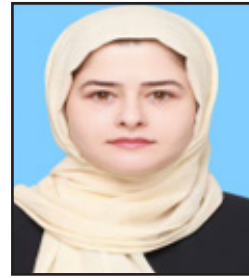
استاد دکتر محتشمی از چهره‌های برجسته و اثرگذار جامعه آماری کشور به شمار می‌آیند. فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی ایشان در عرصه آمار و احتمال، نقشی ماندگار در توسعه این دانش در کشور داشته است. آثار علمی، پژوهش‌های ارزشمند، تربیت دانشجویان فراوان و مشارکت مؤثر در گسترش مرزهای دانش، تنها بخشی از خدمات ارزنده ایشان به جامعه علمی است. آنچه بیش از هر چیز در ذهن شاگردان و همکاران ایشان ماندگار شده است، اخلاق نیکو، تواضع، سعه صدر، مسئولیت‌پذیری و احترام عمیق به دانش و دانشجو است. ایشان همواره الگویی شایسته برای دانشجویان، پژوهشگران و استادان جوان بوده‌اند و بسیاری از موفقیت‌های علمی شاگردانشان مرهون راهنمایی‌ها و حمایت‌های بی‌دریغ ایشان است. اینجانب آشنایی با استاد دکتر محتشمی را از بزرگ‌ترین افتخارات زندگی علمی خود می‌دانم و همواره خود را مدیون محبت‌ها، آموزش‌ها و راهنمایی‌های ارزشمند



ایشان می‌شمارم. از خداوند متعال برای ایشان سلامتی، سعادت، عزت و توفیقات روزافزون مسئلت دارم و امیدوارم جامعه علمی آمار کشور همچنان سالیان متمادی از دانش، تجربه و حضور ارزشمند ایشان بهره‌مند باشد.

دکتر هادی علیزاده نوقابی
دانشگاه بیرجند

اینجانب مفتخر به شاگردی جناب آقای دکتر غلام رضا محتشمی برزادران در دوره دکتری در رشته آمار بوده‌ام. به مناسبت بزرگداشت این استاد گرانقدر می‌خواهم نامه‌ای با عنوان تشکر از زحمات ایشان در زندگی علمی و خانوادگی خود بنویسم.



استاد عزیز؛

جناب آقای دکتر غلام رضا محتشمی برزادران؛

من دانشجوی کوچک شما نه تنها در علم بلکه در اخلاق پیرو شما بوده‌ام و همچنان از مکتب شما درس آموزی می‌کنم. از شما در طول دوره دکتری، اخلاق خوش، علم بالا و شکیبایی در ذهن من باقی مانده است. کمک‌ها و راهنمایی‌های شما نه تنها مختص دانشجویان دکتری شما، بلکه شامل حال سایر دانشجویان نیز می‌شد. شما منبع ایده‌های جالب کارهای علمی برای همگان بودید. من دانشجویی از دیار گیلان و نا آشنا با فرهنگ خراسان بودم. با محبت‌ها و حمایت‌های استادانه و پدرانه‌ای که از شما و استاد فقید جناب آقای دکتر بهرام صادقیور گیلده می‌دیدم، احساس می‌کردم که در این دنیای جدید تنها نیستم. بارها و بارها در دانشکده از من حمایت کردید بدون آنکه حتی به من اطلاع دهید. اما همیشه من نتایج آن محبت‌ها را می‌دیدم. گاهی مهربان و گاهی سختگیری‌های به‌جا داشتید تا من بتوانم در دنیای جدید مستقل شوم و راه خود را پیدا کنم. اگر حمایت‌های شما نبود هرگز جسورانه وارد دنیاهای جدید مانند سفر طالعانی در دوره دکتری و یا فرصت پستداک بعد از فارغ التحصیلی را تجربه نمی‌کردم. من به خوبی می‌دانم که ارزش استاد خوب چه قدر پررنگ است و همیشه از ته قلمم برای شما آرزوی سلامتی، تندرستی، شادی، و آرامش در کنار همسر محترم و فرزندان گرمی‌تان را دارم. تا زمانی که زنده باشم، یاد و خاطر شما در ذهن و جان من باقی خواهد ماند.

دکتر سیده آزاده فلاح

پستاک در کشور چین

سخنی در بزرگداشت استاد ارجمند، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران



گاهی در مسیر زندگی، دیدار با یک انسان فراتر از یک آشنایی ساده است؛ لحظه‌ای که شاید کوتاه به نظر برسد، اما اثر آن سال‌ها و حتی تا پایان عمر در ذهن و دل انسان باقی می‌ماند. برای من، چنین لحظه‌ای در سال ۱۳۸۰ رقم خورد؛ زمانی که به عنوان دانشجوی دوره کارشناسی برای نخستین بار قدم به دانشگاه بیرجند گذاشتم و در جلسه معارفه دانشجویان ورودی، با استاد گرانقدری آشنا شدم که بعدها مسیر علمی و حرفه‌ای من را تحت تأثیر قرار داد.

در آن جلسه، دکتر محتشمی برزادران برای ما از رشته آمار، اهمیت آن و جایگاه این علم سخن گفتند. گرچه آن دیدار تنها چند دقیقه به طول انجامید، اما شیوه بیان، نگاه عمیق ایشان به علم و انرژی مثبت و امیدی که در کلامشان موج می‌زد، تأثیری ماندگار بر من گذاشت. آن روز شاید نمی‌دانستم که این آشنایی سرآغاز سال‌ها افتخار شاگردی در محضر استادی خواهد بود که نه تنها در عرصه دانش، بلکه در اخلاق و انسانیت نیز الگویی ارزشمند است. سال‌ها بعد، تقدیر این فرصت را به من داد که در دوره کارشناسی ارشد و دکتری نیز از راهنمایی‌ها و حمایت‌های علمی ایشان بهره‌مند شوم. در این سال‌ها بیش از پیش دریافتم که استاد بودن تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود؛ بلکه هنر واقعی یک استاد، پرورش انسان‌هایی اندیشمند، مسئولیت‌پذیر و مستقل است. دکتر محتشمی برزادران از آن دسته استادانی هستند که به دانشجو صرفاً به عنوان یک پژوهشگر نگاه نمی‌کنند، بلکه رشد علمی، فکری و شخصیتی او را در کنار هم دنبال می‌کنند.

کلاس‌های درس و جلسات علمی ایشان همواره تلفیقی از دانش، تجربه و اخلاق بوده است. ایشان به دانشجویان خود می‌آموزند که در مسیر پژوهش، تنها رسیدن به نتیجه اهمیت ندارد، بلکه روش درست اندیشیدن، پرسشگری، تلاش مستمر و مسئولیت‌پذیری نیز بخش جدایی‌ناپذیر این مسیر است. یکی از بزرگ‌ترین آموزه‌های ایشان برای دانشجویان، یاد گرفتن مسیر حرکت علمی است؛ به گونه‌ای که دانشجو پس از سال‌ها همراهی با ایشان، توانایی یافتن راه خود و حل مسائل جدید را پیدا می‌کند.

در کنار جایگاه برجسته علمی، آنچه شخصیت دکتر محتشمی برزادران را برای شاگردانشان متمایز می‌کند، فروتنی، صبوری، مهربانی و توجه عمیق ایشان به دانشجویان است. با وجود سال‌ها تجربه و جایگاه علمی ارزشمند، همواره با تواضع و صمیمیت با دانشجویان رفتار کرده‌اند و دغدغه پیشرفت و موفقیت آنان را داشته‌اند. خاطرات و شناخت دقیق ایشان از دانشجویانشان پس از گذشت سال‌ها، نشان‌دهنده علاقه و دلسوزی عمیقی است که

نسبت به مسیر زندگی و آینده آنان دارند.

یکی از ویژگی‌های برجسته و کم‌نظیر استاد که در تمام سال‌های آشنایی و شاگردی من همواره برایم قابل توجه بوده، سحرخیزی، نظم و پیگیری مثال‌زدنی ایشان است. از همان سال‌های دوره کارشناسی تاکنون، همواره این ویژگی را در رفتار و منش ایشان مشاهده کرده‌ام. دکتر محتشمی برزادران از آن انسان‌هایی هستند که روز خود را بسیار زود آغاز می‌کنند و با جدیت و پشتکار، پیگیر امور علمی و وضعیت دانشجویان خود هستند.

برای من بارها اتفاق افتاده است که صبح زود، حتی حوالی ساعت شش یا پیش از آن، با تماس تلفنی استاد از خواب بیدار شده‌ام. به مرور زمان، این موضوع برای من به یک نشانه آشنا تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که اگر تلفن در ساعات ابتدایی صبح به صدا درآید، با اطمینان می‌دانم که احتمالاً استاد پشت خط هستند؛ استادی که حتی در آغازین ساعات روز نیز دغدغه کار، پژوهش و پیگیری امور دانشجویانش را دارد.

این سحرخیزی و پیگیری مستمر، تنها یک عادت شخصی نیست، بلکه نمادی از روحیه مسئولیت‌پذیری، عشق به کار و احساس تعهد عمیقی است که ایشان نسبت به علم، دانشگاه و دانشجویان خود دارند. شاید یکی از دلایلی که نسل‌های مختلفی از دانشجویان با احترام و علاقه از ایشان یاد می‌کنند، همین حضور مداوم و دلسوزانه‌ای است که در مسیر علمی و زندگی آنان داشته‌اند.

امروز که در مراسم بزرگداشت این استاد فرهیخته گرد هم آمده‌ایم، در حقیقت تنها از یک استاد دانشگاه تجلیل نمی‌کنیم؛ بلکه از انسانی تقدیر می‌کنیم که سال‌ها با دانش، اخلاق و تلاش خستگی‌ناپذیر خود، چراغ راه بسیاری از دانشجویان بوده است. بی‌شک دکتر محتشمی برزادران یکی از سرمایه‌های ارزشمند علمی و انسانی دانشگاه و جامعه علمی کشور هستند و آثار تلاش‌های ایشان در دانش‌آموختگان و پژوهشگرانی که تربیت کرده‌اند، ماندگار خواهد بود. من به عنوان یکی از شاگردان ایشان، خداوند را شاکرم که فرصت بهره‌مندی از محضر چنین استاد بزرگواری را داشته‌ام و صمیمانه از تمامی زحمات، حمایت‌ها و محبت‌های ایشان سپاسگزارم. از برگزارکنندگان این مراسم نیز قدردانی می‌کنم که فرصتی فراهم کردند تا گوشه‌ای از دین خود را به این استاد گرانقدر ادا کنیم.

برای استاد عزیزم، جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران، سلامتی، طول عمر باعزت و توفیق روزافزون آرزو دارم و امیدوارم سال‌های سال جامعه علمی از حضور ارزشمند و پربرکت ایشان بهره‌مند باشد.

زهره بهدانی

دانشگاه خاتم الانبیاء بهبهان

به نام اولین آموزگار انسان استاد فرزانه، جناب آقای دکتر غلامرضا محتمشی برزادران



سخن گفتن درباره مقام والای استادی چون شما، برای چون منی بسیار دشوار است، اما با این‌همه، خوشه‌چینی کلمات می‌کنم و آنچه در قلب دارم، بر زبان جاری می‌کنم.

از اولین سال آشنایی (۱۳۸۰) که در کلاس «آمار و احتمال مقدماتی» در شهر زیبای بیرجند، که الفبای دانش را از شما می‌آموختم، گمان نمی‌کردم این کلاس، آغاز مسیری باشد که نگاه مرا به افق‌های دوردست آمار گره بزند. آن روزها که شما با کوله‌باری از دانش و تجربه تازه از دیار غربت بازگشته بودید، تنها «فرمول‌های آمار» را به ما نمی‌آموختید؛ بلکه «سخت‌کوشی» را در رگ‌های ما جاری می‌کردید.

دورانی که بر من گذشت، سرشار از سختی‌های فراوان بود؛ تلاقی همزمان کار و تحصیل، کار و تحصیل و باز کار و تحصیل، بارها مرا در آستانه‌ی فرسودگی قرار داد و شما تنها کسی بودید که بر عمق آن دشواری‌ها آگاه بودید. در آن لحظات، شما چون پدری که تمام وجودش وقف پیشرفت و عبور فرزندش از سختی‌هاست، دلسوزی کردید و خسته نشدید. شما معنای واقعی «سوختن و ساختن» بودید؛ شمع‌ای که در مسیر تاریک مشکلات ما سوخت تا راه فرزندان خود را روشن نگاه دارد.

استاد عزیزم، شما قله‌هایی را به من نشان دادید که پیش از آن بر من پنهان بود، و اکنون، من ناگزیر به فتح آن قله‌ها هستم و ایمان دارم که روزی بر بلندای آن تکیه خواهم زد، چرا که شما، آن قله‌ها را در ذهن من ترسیم کردید و نیز «راه رسیدن» به آن را استادانه به من آموختید.

معجزه کلام شما، حتی پس از ۱۳ سال دوری از فضای درس و مطالعه، جان تازه‌ای به اراده من بخشید. آن روز که به بهانه گرامیداشت روز آمار در دانشکده علوم ریاضی مشهد برای عرض ادب خدمت شما رسیدم، با تشویق‌های دلسوزانه و امیدبخش شما، در مدت چهار ماه مطالعه در همان سال موفق به کسب رتبه پنجم کنکور دکتری آمار شدم، بیش از هر چیز، وام‌دار باور شما به توانمندی‌هایم بودم.

در برابر سوالات ما، هرچند ساده، هیچ‌گاه اخمی در چهره‌تان ندیدم. شما با آغوش باز و گشاده‌رویی تمام، پاسخ می‌دهید و ادامه مسیر را برایمان روشن می‌کنید. و این معنی واقعی و تجلی تواضع علمی است.

استاد بزرگوارم

شما برای من، فراتر از یک استاد، «پدری دلسوز» و الگویی بی‌بدیل هستید. کلام قلبی من

این است: پدر عزیزم، با تمام وجود دوستتان دارم و قدردان لحظه لحظه‌ی حمایت‌هایتان در حق خودم و همه دوستانم هستم.
از خداوند متعال، برای آن وجود گران‌قدر، عمری با عزت و برکت روزافزون مسئلت دارم.
همچنین از تمامی دست‌اندرکاران این محفل پرشور که زمینه را برای تجلیل از این مقام شامخ فراهم کردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

حسن گلی ناری
دانشجوی دکتری آمار دانشگاه بیرجند



دلوخته های یک دانشجو



از دل کویر سوزان و رازآلود بیرجند، جایی که آسمانش بی پایان است و زمینش درس مقاومت می‌دهد، مردی برخاست با قامتی استوار و چشمانی چون چشمه های پنهان زیر ریگها. غلامرضا محتشمی برزادران؛ نامی که با شنیدنش، خاطره‌ی نظم و ریتم دقیق اعداد و ارقام و آمار، با گرمای محبتی پدانه گره می‌خورد. کویر به او آموخت که هر مسئله‌ای، پاسخی دارد؛ و او به کویر آموخت که هر پاسخی، باید با جان و دل داده شود. وارد دانشگاه که میشوی، حضور او چون نسیمی مطبوع و در عین حال استوار، فضایی دانشکده را پر می‌کند. او استاد آمار و ریاضی است؛ اما کلاسش، تنها آمار و احتمالات نیست، کارگاهی برای ساخت انسانهایی است که در عین دقت حسابشده، دل‌هایی مهربان و چشمانی دوراندیش داشته باشند. قانونمندی او، نه از سر خشکی مقررات، که از سر عشق به نظم و انضباط علمی است؛ او می‌داند که اعداد و ارقام و آمار دروغ نمی‌گویند و انسان دقیق، هرگز در مسیر زندگی گم نمی‌شود. دانشجویان، او را با قامتی بلند و نگاهی عمیق می‌بینند؛ نگاهی که در عین سختگیری علمی، از پشت چشمان مهربانش، دغدغه هایشان را می‌خواند. از او نمی‌ترسند؛ به او احترام می‌گذارند، عظمت علمی‌اش را درک می‌کنند و با شوق به سویی می‌شتابند، چون می‌دانند که پشت آن چهره‌ی جدی، دلی می‌تپد به وسعت کویر و مهری جاری است که همچون آب‌های قنات زادگاهش می‌جوشد. دانشجو برای او فقط یک شماره نیست؛ بلکه جوانیست با آرزوها، با مشکلات، با شبهای بیخوابی و با چشم‌انداز روشنی که نیازمند دستی تواناست تا او را از پیچ و خم مسائل عبور دهد. پدري دلسوز، با دل وسیع، با گوشه‌هایی که همیشه برای شنیدن مشکلات دانشجویان غریب و دلتنگ باز است. پای کار آنهاست، نه فقط در سر کلاس، که در خوابگاه‌ها، در جلسات مشاوره، در میان قفسه‌های کتابخانه و حتی پای پرسشهای شخصی یک دانشجوی خجالتی. وقتی دانشجویی در بحبوحه امتحانات یا بحرانهای زندگی دست و پا می‌زنند، استاد محتشمی با همان دقتی که معادلات آمار و ریاضی و جبر خطی را حل می‌کند، گره از کارش می‌گشاید؛ با صبری که از صبر کویر وام گرفته، و با لبخندی که نوید فردایی بهتر می‌دهد. ای میهن پرست راستین! ای بیرجندی عزیز ایران! عشق تو به این سرزمین، نه در سخنرانیهای پرشور، که در تربیت نسلی از متخصصان متعهد نمایان شد. هر دانشجویی که از دستانِ پرتوانت فارغ التحصیل می‌شود، چون سربازی مسلح به علم و اخلاق، به میدان آبادانی ایران گام می‌نهد. نام بیرجند را با افتخار بر زبان می‌آوری و کویر آن را با شعر و ریاضی می‌ستایی؛ چرا که میدانی این خاک کهن، گوهرهایی چون تو در سینه دارد. روح بزرگ و وسیع تو، چون افق کویر، هیچ

مرزې را براي نيکي نښناسد. سختگيري تو، عين مهربانيست؛ زيرا سهل انگاري را ظلم به آينده ي دانشجو مي داني. قانونمدي تو، سرچشمه ي اعتماد دانشجويان است؛ چرا که مي-دانند نمره اي که مي ده ي، آينه تلاش واقعي آنهاست و هيچکس در اين عدالت، شک نخواهد داشت. درود بر تو، اي استاد بي ادعا! اي غلامرضا محتشمي برزاداران، که نامت در ميان دانشجويان، به معنای اطمینان، احترام، شوق يادگيري و عشق ماندگار است. کوير به تو افتخار مي کند، دانشگاه به تو باليده است، و ايران، نسلي را از تو به ارث برده است که هرکجا باشند، زمزمه دعایشان، بدرقه راه هميشه پُربرکت تو خواهد بود. پايدار باشي، چون کوههاي خراسان؛ و جاري باشي، چون چشمه سار معرفت در دل اين سرزمين سربلند.

دکتر جلال چاچی
دانشگاه شهيد چمران اهواز



دانشجویان برای استاد عزیز جناب آقای دکتر محتشمی برزادران



اینجانب افتخار آشنایی با جناب آقای دکتر محتشمی را از سال ۱۳۸۱ دارم، وقتی اولین درس‌م یعنی آمار و احتمال مقدماتی را با ایشان گذراندم. زمانی که پس از چند جلسه کلاسی متوجه شدیم که دکتر خود را از انگلستان گرفته‌اند، برایمان این توافقی صمیمیتی که داشتند، جالب تر شد. هنوز امتحان‌هایی که چندین سوال داشت و هر سوال چندین قسمت و از همه جای کتاب سوال بود را به خاطر دارم. این شیوه‌ی امتحان را دوست داشتیم؛ چون برخلاف بسیاری از امتحان‌ها، محدودیت زمانی سختگیرانه‌ای نداشت و گاهی تا چهار ساعت ادامه پیدا می‌کرد. برایم تعلق خاطر و وابستگی که به زادگاهشان و شهرشان یعنی بیرجند دارند، قابل ستایش است. من نیز در این زمینه خود را مریدشان می‌دانم. در کنار رابطه دانشجویی و استادی به نظرم بسیار خوب ارتباط پدران‌ای با دانشجویان برقرار می‌کنند. در نگاه ایشان همواره دلسوزی پدران موج می‌زند. صداقت و یکرویی ایشان است که باعث می‌شود از هم‌صحبتی با ایشان سیر نشوید. معمولاً برای هر دانشجوی یک کدی در ذهن دارند که وی را به آن ویژگی می‌شناسند و حافظه بسیار خوبی دارند. دانشجویانی که سال‌ها قبل با ایشان درسی را گذرانده‌اند را هم به ذهن دارند و با آنها در ارتباطند و حال و احوالشان را جویا می‌شوند. هر گاه که ایشان را می‌بینم سلام و علیک گرمشان («سلام مجید آقا») برایم روحیه بخش و انرژی بخش است.

از دیگر ویژگی‌های بارز شخصیتشان یکدل و یکراه کردن یک مجموعه برای انجام کارهای تیمی است. تحت مدیریت ایشان، تجربه برگزاری پنجمین سمینار احتمال و فرآیندهای تصادفی در شهریور ۱۳۸۴ برای ما دانشجویان کادر اجرایی بسیار به یادماندنی و دلچسب بود. اینکه چگونه با درایت همه اعضای کادر اجرایی یک دل برای برگزاری این سمینار از جان و دل تلاش می‌کردند تا جایی که حتی یکی دوشب در اتفاقی که بعدها اتفاق کارم در دانشگاه بیرجند شد، برای انجام امور سمینار تا صبح بیدار ماندیم، را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم. در پایان امیدوارم که طی این سال‌ها کدی که از من در ذهنشان مانده نیز خوشایند باشد. برایشان آرزوی سلامتی و طول عمر دارم و هیچ‌گاه دلسوزی‌ها و رهنمودهای پدران‌ای ایشان را فراموش نمی‌کنم.

دکتر مجید چهکندی
دانشگاه بیرجند



یکی از شگردهای دکتر محتشمی این بود که همیشه در اولین درسی که با هر ورودی داشتن یه دعوایی با بچه ها می کردن تا حساب کار دستشون بیاد و تا آخر دوره حواسشون باشه.

یادمه ترم سوم بودیم و برای اولین بار با آقای دکتر درس داشتیم (جبر خطی) کلاس ساعت ۲ شروع شده بود و یکی از بچه ها طبق عادت و عرف معمول نزدیکای ۳:۳۰ گفت استاد خسته نباشید!! دکتر یهو برگشت

سمت ما و با عصبانیت گفت: کی بود؟ کی بود؟ ما همه از ترس رنگمون مثل گچ سفید شده بود و نفسمون در نمیومد. دکتر هم شروع کردن به سخنرانی که شما فکر کردین اینجا دبیرستانه و.... خلاصه اون روز تا ۴ سرکلاس بودیم و تا آخر ۴ سال هم جرات نداشتیم بگیم خسته نباشید.

یادمه دو ترم بعد شبا آقای دکتر درس ریاضی برای آمار داشتیم. کلاس ساعت ۱۲ شروع شده بود و با اینکه ساعت ۱:۵۰ شده بود جرات نداشتیم بگیم استاد خسته نباشید تا اینکه چشم دکتر اتفاقی به ساعتشون افتاد و با تعجب پرسیدن ساعت چنده؟؟؟ ما هم گفتیم ده دقیقه به دو !!!!!!! گفتن خب چرا پس نمی گید به من؟؟ گفتیم استاد ما هنوز هم از اون ترم که دعوا کردین جراتش رو نداریم. آقای دکتر هم لبخند پیروزمندانه ای زدن و کلاس رو ترک کردن.

سال دوم دوره دکتری بودم. یه روز رفتم اتاق آقای دکتر تا چند مقاله جدید رو که تازه گرفته بودم بهشون بدم. یکی از دانشجویهای سال اول (خانم دکتر صانعی) اونجا بودن. یهو دکتر بی هیچ مقدمه ای شروع کردن به من توپ و تشر زدن که جراحی تلاشت کمه باید بیشتر کار کنی و از این حرفا!!! منم فقط بهت زده داشتم دکتر رو نگاه می کردم و می گفتم بله چشم و توی دلم می گفتم کاش حداقل جلوی خانم صانعی اینجوری برخورد نمی کردن.

روز بعدش دکتر که منو دید گفت جراحی از حرفای دیروزم ناراحت نشی عمدا اون حرفا رو بهت زدم که خانم صانعی حساب کار بیاد دستش! بعدها خانم صانعی به من گفت وقتی شما از اتاق رفتین بیرون دکتر محتشمی گفتن من فقط این حرفارو به جراحی گفتم که تو حواست رو جمع کنی.

یک شعر هم در وصف دکتر محتشمی به شرح زیر تقدیم می گردد:

علم و عالم به جهان سلطان است^۱

رحمت واسعه‌ی حضرت حق، باران است

گوشه چشمی نکند بر زر و بر سیم شما

پیر ما معدن عشق است و خودش شادان است^۲

۱. اشاره به حدیث: العلم سلطان

۲. شادان: نام یک معدن طلا در خراسان جنوبی

گرچه لبخند و تبسم نرود از لب او

درد و داغ وطنش، در سخنش، پنهان است

او جوانان وطن را به ثریا خواهد

فکر و ذکرش همه جا، ساختن انسان است

در حساب و ادب و شعر و نسب دارد دست

بر پریشانی و آشفتگی اهل زمین، درمان است

گر بدان مقصد عالی نتوانیم رسید^۳

دلخوش از لطف رضاییم، که بی پایان است^۴

در دو راهی شب و روز نمانم هرگز

چون کلامش سخن حق بود و فرقان است

راه پنهان سعادت بطلب از نفسش

سرّ اسرار ازل، در کف این رندان است

گفت و خوش گفت به من، حافظ شیرین گفتار

مایه ی محتشمی، خدمت درویشان است^۵

دکتر جلیل جراحی فریز

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

۳- تضمین به بیتی از حافظ

۴- رضا: اسم کوچک دکتر محتشمی

۵. مصرعی از حافظ

استادی که سقف آرزوها را برای من بلندتر کرد



بیست و پنج سال، زمان کوتاهی برای تماشای یک زندگی نیست. در این ربع قرن، از آن روزهای آغازین در سال ۱۳۸۰ در کلاسهای درس دانشگاه بیرجند تا قامت امروز علم و اندیشه، آنچه بیش از دانش آمار در ذهن و جان من حک شد، نه فرمولها، که «منش»

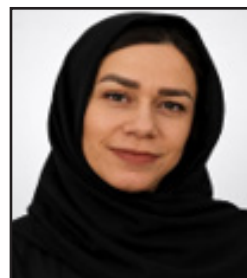
استادی بود که «بودن» را پیش از «آموختن» تدریس می کرد.

دکتر غلامرضا محتشمی برزاداران برای من، معماری است که تنها به بنای علمی شاگردانش نمی اندیشید؛ او در تمامی فراز و فرودهای زندگی، آن ترازوی دقیقی بود که مرز میان «مصلحت» و «حقیقت» را نشان می داد. در ساحت ایشان، قانونمداری با مهرورزی، و صلابت پژوهشی با فروتنی انسانی، چنان به هم آمیخته اند که تفکیکشان ناممکن است. به خاطر می آورم روزهایی را که ایشان، نه با گفتار، که با سپردن میدانهای بزرگ اجرایی - چون برگزاری پنجمین سمینار احتمال و فرآیندهای تصادفی، نشریه دانشجویی آمار (ندا) و بسیاری امورات اجرایی دیگر - به دانشجویان کارشناسی، به ما یاد دادند که «اعتماد»، بزرگترین دارایی یک معلم است. ایشان در تمامی این سالها، نه تنها برای من استادی راهبر، که پدری دلسوز بودند که در بزنگاههای تصمیم، چراغ راهی شدند تا مسیر رشد، هموارتر گردد.

امروز، این سطور نه برای ستایش مقام استادی، که برای پاسداشت «انسانبودنی» است که در جان من و تمامی شاگردانشان تکثیر شده است. برای ایشان و همراه صبور و مهربان شان، سرکار خانم محتشمی و فرزندان عزیزشان که می دانم سالهای بسیار سختی داشته اند و همواره همراه و پشتیبان هم بودند، از خداوند متعال، آرامشی به وسعت قلبی که سالها برای دیگران تپیده است، آرزو دارم.

دکتر محمد خراشادی زاده

دانشیار گروه آمار دانشگاه بیرجند



بعضی آدم‌ها را می‌شود از میان واژه‌ها توصیف کرد، اما بعضی‌ها آن قدر عمیق‌اند که واژه‌ها برایشان کم می‌آورند. گاهی آدم‌ها را به القابشان می‌شناسند، اما من شما را به همان «سادگی عمیقی» می‌شناسم که در نگاهتان موج می‌زند. همیشه فکر می‌کنم ریشه‌ی این همه مهربانی پدرانه در وجود شما از کجاست؟ شاید در همان سال‌هایی نهفته باشد که به دلیل کمبود امکانات و حتی نداشتن یک برگ کاربن، با فشار دست و خودکار، بر لایه‌های کاغذ مشق می‌کردید تا دانسته‌هایتان تکثیر شود.

آن روزها، فقط کاغذها را کپی نمی‌کردید؛ شما تمرین اراده می‌کردید. امروز که به شما نگاه می‌کنم، می‌بینم که شما از دل آن روزهای دشوار، انسانی ساخته‌اید که نه تنها خودش شکست نخورد، بلکه عصای دست هزاران انسان شد. شما برای من فقط یک استاد نیستید؛ شما تعریف زنده‌ی «انسان بودن» هستید؛ همان قدر فروتن، همان قدر دلسوز و همان قدر بی‌ادعا. بسیار سپاسگزارم که به من یاد دادید بزرگی، نه در ابزار و امکانات، که در همت بلند و قلبی است که می‌داند چگونه برای دیگران، تکیه‌گاه باشد.

دکتر سمیرا نایبان

فارغ التحصیل دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

استاد ارجمند، جناب آقای دکتر محتشمی برزادران



نوشتن در وصف شما، ورق زدن دفتر خاطراتی است که هر صفحه‌اش به مدد الطاف شما، روشنایی یافته است. پیش از آنکه پایم به دنیای آمار باز شود، از مسیر تحصیل برادرم در دانشگاه بیرجند، با نام بلند و اخلاق نیکوی شما آشنا شدم. آن روزها، شنیدن از سبک و سلوک علمی شما برایم آنچنان شیرین بود که جرعه اولیه شیفتگی به این مسیر را در دلم زد. هرچند دوران کارشناسی من همزمان شد با انتقال شما از دانشگاه بیرجند به دانشگاه فردوسی مشهد، اما همان دیدارهای اندک و پربار در فضای علمی دانشگاه بیرجند و راهنمایی‌های پدرا نه و دلسوزانه‌تان، چنان الهام‌بخش من بود که هیچ‌گاه از خاطرم نرفت. افتخار واقعی اما در مقطع کارشناسی ارشد رقم خورد؛ زمانی که این توفیق را یافتم که مستقیماً از چشمه زلال علم و اخلاق شما سیراب شوم و شیوه درست اندیشیدن و انسان زیستن را در محضرتان بیاموزم. این شاگردی و ارادت تا پایان دوره دکتری نیز تداوم یافت و رساله‌ام به نام پرفروغ استاد راهنمایم، جنابعالی، مزین گردید.

امروز که در عرصه خدمت در وزارت امور اقتصادی و دارایی مشغول به فعالیت هستم، به روشنی درمی‌یابم که آنچه از استاد آموخته‌ام، در مرزهای دانشگاه و کلاس درس باقی نمانده است. بخشی از آن دانش در کار و تخصص من جاری است و بخشی مهم‌تر، در شیوه نگاه من به مسئولیت، خدمت و رفتار با دیگران.

بودن در این جایگاه، مرا همواره به یاد الطاف پنهان و آشکارتان می‌اندازد و به من یادآوری می‌کند که گاه اثر یک استاد، بسیار فراتر از کلاس و دانشگاه، در زندگی شاگردانش ادامه می‌یابد.

از ژرفای جان، سپاسگزارم که چراغ علم و اخلاق را برای نسلی همچون من برافروختید و مسیر آموختن و خدمت را برایم روشن‌تر کردید.

دکتر عماد اشتری‌نژاد

فارغ التحصیل دکتری دانشگاه بیرجند

منش استاد



دکتر محتشمی ریاست دانشگاه بیرجند بودند و ما هم دانشجوی ایشان در مقطع کارشناسی (از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲). گروه عضو هیات علمی کافی نداشت و تقریباً در سالهای اول تدریس، ۹۰ درصد دروس اصلی با دکتر بود. یادم نمی رود که روز یکشنبه از ساعت ۷:۴۵ تا ساعت ۲۰ کلاس داشتیم (اسمش را که برنامه نمی شد گذاشت). خلاصه بگم زمستان بود و کارهای معاون دانشگاه به مذاق دانشجویان خوش نیامد و در صحن دانشکده مهندسی (واقع در خیابان ۱۷ شهریور) تحصن شد. تحصن از عصر شروع و همه متقاضی حضور و پاسخگویی رئیس دانشگاه بودند. رئیس اهمیتی نداد و تماسها بی فایده و جواب داده نمی شد. تحصن ادامه داشت و بچه‌ها تا سحر در صحن دانشکده لرزیدن. سحر سرو کله ریاست دانشگاه پیدا شد و متحصین عصبانی. از هر باب شعار می دادند. من و همکلاسیم در وسط متحصین نشسته و ریاست دانشگاه پشت تریبون رفتن و صحبت کردن. علت تاخیر در حضور را جلسات مختلف و فشرده بودن برنامه کلاسهایشان اعلام کردند و در بین جمعیت رو به من کردن و گفتن «اگر باورتان نمی شود عارفی هست و می تواند شهادت دهد». دنیا پیش چشمانم تیر و تار شد و با خودم می گفتم که حتماً تمام دروس را خواهم افتاد. اولین جلسه کلاس بعد از این موضوع در کلاس ۲۰۷ دانشکده بود و ما از ترس دکتر رفتیم انتهای کلاس نشستیم که چشم دکتر به ما نیفتد. آقای دکتر با منش استادی که داشتند در کلاس حاضر شدند و بدون توجه به آن موضوع درسشان را دادند و رفتند و در هیچ جا نه مطرح شد و نه در کلاس و درس و نمره ما تاثیری گذاشت. این مطلب و منش استادی همواره در ذهن من مانده و هر جا دانشجویی خطایی کند و یا مطلبی که برای من ناخوشایند باشد را بیان کند، در درس و نمره او هیچ تاثیری ندارد.

رصد استاد راهنما

دانشجوی کارشناسی ارشد بودم و استاد راهنما دکتر محتشمی. با توجه به قبولی در مقطع دکتری، کار پایان نامه بسیار فشرده بود. آقای دکتر ما را از هر کاری منع کرده بودند. بزرگ شده بودیم و باید دستمان تو جیب خودمان می بود. در تابستان ۱۳۸۴ در دانشگاه آزاد فردوس بدون اطلاع آقای دکتر پنجشنبه و جمعه حق تدریسی درس می دادم و به بهانه نداشتن سیستم در دانشگاه، آخرهای هفته شهرستان می رفتم و تدریس. آقای دکتر هر از گاهی تلفنی ما را چک می کردن که مبادا خواب باشیم و یا کار دیگری انجام دهیم. از ترس ایشان ظهر خواب نداشتیم. به خانواده سپرده بودم که هر وقت ایشان زنگ زدند بگویند

بیدار است. موضوع به جایی رسید که یک شب حدود ساعت ۱۲:۴۵ نصف شب گوشی زنگ زد و آقای دکتر ما را رصد کردند و خوشبختانه ما بیدار. روزگار سختی بود و چاره ای هم نبود و اگر این سختگیری‌ها نبود کار به نتیجه نمی رسید. ولی یکی از خاطرات شیرین من و آقای دکتر است و بارها ایشان آن را بیان کرده اند و با منش استادی که دارند از من عذرخواهی کرده اند. امیدوارم همواره سلامت و پر انرژی باشند.

دکتر محسن عارفی
گروه آمار دانشگاه بیرجند



دکتر غلامرضا محتشمی برزادران

نکوداشت استاد پیشکسوت گروه آمار
دانشگاه‌های بیرجند و فردوسه مشهد
ورئیس اسبق دانشگاه بیرجند



یادداشت‌های تقدیمی ۵

دوستان و دبیران با دکتر محتشمی



بنده مسعود اسماعیلی مود دبیر ریاضی آموزش و پرورش مشهد هستم. در سال‌های ۶۶ تا ۷۰ افتخار شاگردی استاد فرهیخته جناب آقای دکتر محتشمی را داشتم و نیز چند سال همکار ایشان در گروه ریاضی دانشگاه بیرجند به عنوان مدرس حق التدریس بودم.

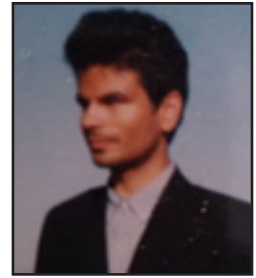


حضور در کلاس و گوش دادن به تدریس و بیان شیوا و دلچسب ایشان، بنده و دانشجویان رو علاقمند به درس آمار و احتمال می‌کرد. صراحت لهجه، سماجت و پیگیری امور و چهره حمایتی و خیرخواهانه ایشان زبانزد خاص و عام می‌باشد. ایشان از جمله اساتیدی هستند که همیشه در مشکلات کنار همکاران و دانشجویان می‌باشند.

در زمان ریاست دانشگاه نیز امور مربوط به دانشگاه را به نحو احسن مدیریت می‌کردند و همواره پیگیر جذب اساتید جوان و ادامه تحصیل آنها بودند و خودم شاهد پیگیری ایشان برای جذب انتقال بنده از آموزش و پرورش به دانشگاه بیرجند بودم که متأسفانه نشد. اما در لباس معلمی با ۳۹ سال سابقه، همیشه از علم ایشان و از آموزه‌هایی که ایشان به من یاد دادند و منش و روش معلمی در تدریس بهره می‌برم. برای ایشان و خانواده محترمشان سلامت و عزت را خواهانم.

مسعود اسماعیلی مود
دبیر ریاضی ناحیه ۴ مشهد مقدس

در ستایش استاد



به نام خداوندی که لوح و قلم را در اختیار او قرار داد تا با نظمی بی خطا، بر دل پاک نهادان، خطوط هندسه زندگی را ترسیم کند که ستون آن بر حقیقت استوار باشد: به جان آدمی، شوق کشف مجهولات نا روشن دانایی را بدمد تا اینکه حاصلش معرفت و فرزangi باشد.

انسان، گاه در مسیر ترقی، نردبان آسانسور گونه را چنان می پیماید که ساعتها و ثانیه ها از ثبت آن در مانده می شود، و گردش چرخ روزگار، آماری از فریاد خاموش اعداد، که وقوع رخدادها را نشان می دهد در دفتر روزگار می نگارد: و اینچنین است که انسان ذی شعور و بصیر، انگشت تعجب بر دهان می گذارد.

در خلوتگاه اعداد، آنجا که آمار، زمزمه رازهای نهان هستی می شود مردی می ایستد با قامت یک قضیه اثبات نشده در وسعت وجود. او نه در هیاهوی ارقام، که در سکوت معانی، بسا شخصیت می آفریند! شخصیهایی که تمام مجهولات مثل او شدن را، ابتدا در غالب یک پازل نامتقارن می بینی، و به تدریج در می یابی که آنها چگونه مسیر تکاملی اضلاع وجودی وی را رسم می کنند. به طوری که گویی خود او می شوند. اینگونه است که شخصیت اودر دانشجویانش حلول می کند. بگونه ای که نگرستن، و غور در تشخص آنها، و جنات و وقار و متانت او را، که در دیدگان غفلت زده سال های دور، پنهان، و در صندوقچه گرد و غبار گرفته خاطرات ذهنها نهان است در خواطر، متبادر می سازد.

آری، استاد محترمی، با شوکتی پیمبر گونه، بیرق پیشرفت رهپویان عرصه آمار را چنان در جهت درست خود به پیش برد که هر یک به تنهایی اینک، همچون ستاره ای پر فروغ، در آسمان بی نهایت آمار و ریاضیات می درخشد، و با نور استدلال، مسیر بی پایان کشف و استدلال را منور می سازد.

بزرگواریش به گستردگی وسعت کرانه هاست، تا جایی که پاسداشت مقام او در معادلات انسانی نمی گنجد. شرافت، سوگند سکوتش در برابر نا راستی هاست، و وجدان، صدای خداییست که در ضمیر این استاد، با هر گام تدریس، طنین انداز می شود: و پژواک آن طوری در وجود رهپویانش انعکاس می یابد که آنها را به سر منزل مقصود رهنمون می گرداند. حقیقت هم همین است. چرا که محترمی، این تمثال اخلاق حسنه، هیبت و شکوه و حشمت را جامه قامت خود ساخت تا بعنوان انسانی محترم شناخته شود.

امید است کسانی که او را درک کرده اند فراموش نکنند که از چه خورشیدی نور گرفته اند! و گرنه، نقطه هایی سر گردان می شوند که در نهایت سر گشتگی، پرگار وجود خود را گم می کنند. درود بر او که خطوط کج و ماوج روزگار را با دستخط مهر و عطوفت خویش برای شاگردانش

از یکدیگر تمیز داد، اما به آنان آموخت که جدول زندگیشان را خودشان به درستی ترسیم کنند.

بیا تا قدر یکدیگر بدانیم،
چو بر گورم بخواهی بوسه دادن،
که تا نا گه یکدیگر نمائیم.
رخم را بوسه ده که اکنون همانیم.

حسین محمدزاده
دبیر در مشهد مقدس



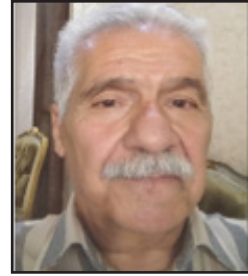


آشنایی بنده با جناب آقای دکتر محتشمی از گذشته های بسیار دور و عمدتاً معطوف به دوران دانشجویی بنده بوده و پس از سالها بی خبری تصادفاً افتخار ملاقات حضوری و ارتباط در فضای مجازی با این شخصیت فرهیخته از هم کلاسی های دوره دانشجویی نصیبم شد، که با اطلاع از رشد و ارتقا علمی و موفقیت ایشان طی سالیان دراز پس از فارغ التحصیلی در سنگر آموزش و پژوهش موجبات خرسندی و افتخار بیش از پیش بنده و سایر همکلاسی های خود را فراهم نمود، از اینرو بنده خاطره خود را به دورهمی های آموزشی زمان دانشجویی محدود می‌کنم که در این جمع های دوستانه معمولاً علاوه بر ارتقا مستمر دانش خود در حوزه آمار و ریاضی مدام به رفع اشکال و رفع ابهام مفاهیم آماری و ریاضی به مثابه یک استاد در محیط دانشکده و یا منزل مسکونی یکی از دانشجویان و مدتی کوتاه هم در خوابگاه در کمال بردباری و با علاقه یافته های خود را به دوستان منتقل و با حل مسائل ایشان کمک شایانی را به دوستان می‌کرد که به باور بنده مشاهده این‌گونه رخدادهای میمون در آن زمان های دور می‌شد تا چشم انداز توفیق استاد را در تحصیلات تکمیلی و مالا در عرصه شغلی پیش بینی نمود، از آنجا پس از فارغ التحصیلی افتخار تعامل در حوزه شغلی را با نامبرده نداشتم لذا ذکر خاطره در این حوزه هم برای بنده توجیه ندارد مگر در محافلی دوستانه که عمدتاً تفریحی که به ندرت در سنوات گذشته رخ داده و ایشان با طیب خاطر به تهران مسافرت نموده و در این‌گونه دورهمی های دوستانه یاران قدیمی حضور می‌یافتن که به نوبه خود بیانگر علاقه وافر نامبرده به گذشته های دور و مرور خاطرات و نوستالژی های شیرین گذشته با دوستان بود، بدیهی است رزومه آموزشی و شغلی نامبرده چه در داخل کشور و یا خارج از کشور قطعاً در آن مرکز آموزشی محترم و یا دانشگاه فردوسی مشهد مستند شده است که تصدیق خواهید فرمود ورود به این مقوله خارج از حیطه قضاوت و ارزیابی بنده و یا سایر دوستان زمان دانشکده نامبرده خواهد بود.

در خاتمه با آرزوی توفیق آن مدیریت محترم در پاسداشت پیشکسوتان در این حوزه برای این استاد گرامی نیز آرزوی توفیق و سلامتی و طول عمر با عزت در پناه مهریزدان را خواهانم.

مهندس محمد عزیزی
 بازنشسته مسکن و شهرسازی

بنده علی حسینیان نژاد، از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰ در دانشگاه بیرجند در رشته ریاضی مشغول به تحصیل بودم، و یکی از اساتید که افتخار شاگردیشان را داشتم، جناب آقای محتشمی بودند، آنچه از ایشان بیاد دارم، سعه صدر و آرامش ایشان در رفتارشان با ما بود.



دانشجویان رشته ریاضی عموماً جذب آموزش و پرورش می شدند، رفتار ایشان جدا از مرتبه علمی و تدریس خویشان، آماده کردن ما برای کار زیبا و دشوار معلمی بود. در آن زمان دانشگاه امکانات زیادی نداشت، باین حال آمار بالائی در قبولی کارشناسی ارشد داشتیم که مدیون اساتید سختگیر ولی منطقی امثال ایشان بودیم.

من آنچه از ایشان بیاد دارم، حافظه عالی، چهره خندان و سعه صدر در رفتارشان با ما شاگردانشان بود.

من در ادامه، در دانشگاه صنعتی اصفهان فوق لیسانس خواندم. در مقایسه امکانات، با دانشگاه بیرجند باور نکردنی بود، اما از نظر کار و بازده علمی، من خیلی مدیون اساتید دانشگاه بیرجند هستم. ممنون که از این بزرگواران قدردانی میکنید.

علی حسینیان نژاد





اینجانب حمیدرضا رضائی دبیر بازنشسته و دانشجوی ریاضی دانشگاه بیرجند در سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ افتخار شاگردی و آشنایی با آقای دکتر محتشمی را به مدت بیش از چهل سال دارم. یکی از ویژگیهای بارز آقای دکتر علاوه بر تدریس مسلط و موفق و برقراری ارتباط صمیمانه با دانشجو و درس به بهترین روش، درک و فهم حالات روحی و روانی آنان و اهمیت دادن به آن است. بطوریکه دانشجویان، اعم از دختر و پسر، مجرد و متأهل، خیلی راحت و مطمئن از رازداری دکتر، مشکلات و گرفتاریهای خارج از درس و حتی دانشگاه را با ایشان در میان گذاشته و مشورت بگیرند و دل و گوشی مطمئن و امین برای بیان مشکلات و درد دلهایشان بیابند. این امر سبب شده که ارتباط دانشجویان با ایشان و برعکس، پس از فراغت از تحصیل و حتی بعد از چند دهه هنوز برقرار باشد بطوری که مشتاق دیدارشان در هر شرایطی هستند و به محض اطلاع از حضور دکتر در شهر و دیارشان به هر طریق ممکن به دیدنشان میروند و خاطرات خوش خود را زنده می‌کنند. دعاگوی سلامتی و عزتشان هستم.

حمیدرضا رضائی

دبیر بازنشسته و دانشجوی ریاضی دانشگاه بیرجند

به یاد استادی که برایمان فراتر از یک مدیر بود؛ روایتی از منش دکتر غلامرضا محتشمی برزادران



وقتی به سال‌های همکاری با دکتر غلامرضا محتشمی برزادران نگاه می‌کنم، بیش از آنکه تصویر یک مدیر پشت میز نشین در ذهنم نقش ببندد، تصویر انسانی را می‌بینم که ارتقای جایگاه دانشگاه،

شایسته‌سالاری، رشد علمی همکاران و ... دغدغه‌ی شبانه‌روزی‌اش بود.

ایشان همیشه معتقد بودند که بدنه کارشناسی دانشگاه، قلب تپنده آن است؛ به همین دلیل پیش از آنکه مسئولیتی را به کسی بسپارند، با تیزبینی خاصی افراد را محک می‌زدند. اما وقتی اعتماد می‌کردند، این اعتماد مطلق بود. برای من که افتخار داشتم در دفتر ریاست و معاونت آموزشی در کنار ایشان باشم، این اعتماد با سپردن مسئولیت‌های حساسی چون «دفتر محرمانه»، عضویت در هسته گزینش کارکنان و پیگیری نامه‌های ارجاعی معاونین همراه بود. ایشان برای اینکه کارها معطل نماند، همیشه پیگیر مجدانه بودند و در تصمیم‌گیری‌های کلان، به جای تکیه بر روی، از خرد جمعی همکاران دلسوز استفاده می‌کردند. یکی از زیباترین خاطرات من به سال ۱۳۷۸ برمی‌گردد؛ دورانی که بخشنامه‌های سخت‌گیرانه، ادامه تحصیل کارکنان را با دشواری همراه کرده بود. اما دکتر محتشمی، فراتر از این محدودیت‌ها، بزرگ‌ترین حامی برای پیشرفت فردی و سازمانی در دانشگاه بیرجند بود. خوب به یاد دارم که در یک مأموریت کاری به دانشگاه فردوسی مشهد، با وجود مشغله‌های زیاد، من را همراه خود بردند تا در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کنم. یادم هست که وقتی نتیجه قبولی‌ام را شنیدند، چنان از موفقیت من خوشحال شدند که گویی فرزند خودشان به موفقیت رسیده است؛ آن روز با اهدای یک هدیه نفیس، بزرگ‌ترین انگیزه را در مسیر تحصیلم ایجاد کردند. دکتر محتشمی از آن دسته مدیرانی بود که «مردم‌داری» و «انصاف» را نه در شعار، که در عمل معنا می‌کرد. حمایت‌های ایشان تنها محدود به محیط اداری نبود؛ ایشان به خانواده و فرزندان همکاران نیز توجه داشتند و از هیچ کمکی، حتی برای تسهیل ثبت‌نام فرزندان ما در مدارس خوب شهرستان، دریغ نمی‌کردند. این خصلت‌ها، ریشه در اصالت خاندانی ایشان داشت که همواره با علم و فضیلت عجین بوده است. دکتر محتشمی برزادران شخصیتی بود که با نگاه وسیع و دغدغه‌مندش، به دانشگاه روح می‌بخشید و مسیر ارتقای علمی و اخلاقی را برای ما هموار می‌کرد. سپاس‌گزار تمام لحظاتی هستم که در سایه‌ی تدبیر و مهربانی‌اش، درس زندگی و خدمت آموختم.

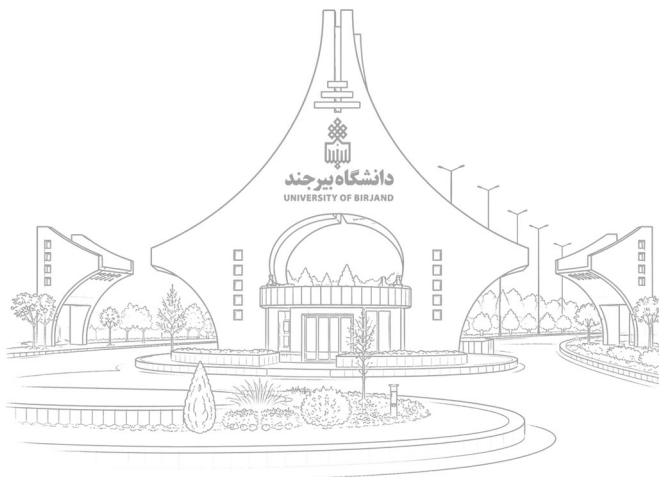
دکتر غلامرضا محتشمی برزادران

نکوداشت استاد پیشکسوت گروه آمار
دانشگاه‌های بیرجند و فردوسه مشهد
ورئیس اسبق دانشگاه بیرجند



یادداشت‌های تقدیمی ۶

اعضای خانواده دکتر محتشمی



یادداشت همسر دکتر محتشمی



من خدیجه محتشمی همسر دکتر غلامرضا محتشمی هستم. ما در فروردین سال ۱۳۶۱ ازدواج کردیم، که در آن دوران ایشان دبیر آموزش و پرورش و دانشجوی فوق لیسانس بودند، البته چون تحصیلات ایشان با انقلاب فرهنگی مصادف شده بود، از تهران به بیرجند منتقل، و در اینجا مشغول تدریس شدند. زندگی روال خود را داشت، ایشان در خانه همیشه مشغول مطالعه بودند. تا اینکه دانشگاه باز شد، و دعوت به تحصیل شدند و در حالی که دو فرزند داشتیم و محل کار من روستا بود، ایشان بدون فوت وقت ما را به خدا سپرده و راهی تهران برای ادامه تحصیل شدند. بعد از دریافت فوق لیسانس با معدل ۲/۱۹ از آموزش و پرورش به وزارت علوم و در نتیجه به مجتمع آموزش عالی بیرجند منتقل شدند. پس از انتقال ایشان تقریباً وقتی برای خانواده نداشت، مدام در حال مطالعه بود و در مقابل اعتراضات من می گفتند صبر کن من کمی به کار سوار شوم، حتماً به کمکت می آیم. اما دریغ که هرگز آن روز نرسید. ایشان چندین نوبت اعزام به خارج امتحان دادند و همیشه هم جزو نفرات برتر بودند، ولی چون مادر پیری داشتند و اجازه نمی دادند، ادامه تحصیل به تعویق می افتاد تا این که در آستانه چهل سالگی رضایت مادر را گرفتند و برای تحصیل به خارج از کشور رفتیم. در آنجا هم انجام امورات زندگی تا جای ممکن به عهده من بود و ایشان تمام همت خود را معطوف به امر تحصیل می کردند و خوشبختانه موفق هم بودند. شاید گفتن اینها لازم نباشد، اما در پشت این چند جمله ای که نوشتم دنیایی از گرفتاری و مشکلات بر دوش ایشان سنگینی می کرد. وجود مادر پیر و تنها و چهار فرزند کوچک و اداره زندگی، یادگیری زبان، تحمل غربت و فرهنگ بیگانه و تمشیت زندگی با ارز محدود (برای ۴ نفر از ۶ نفر) بدون پشتیبان فقط از عهده غلامرضا محتشمی برزاداران بر می آمد. زندگی در فرهنگ بیگانه مساعی زیادی را می طلبید که به سهولت ممکن نبود. مدیریت این امور از مشکلات اقتصادی به مراتب سهمگین تر است، ولی با همه مشکلات موجود بدون اغراق با مدیریت درست و سنجیده ایشان این مهم به سر آمد و به وطن باز گشتیم.

هنوز نرسیده به ریاست دانشگاه منصوب شدند و علاوه بر مشکلات خانه و خانواده مشکلات دانشگاه هم اضافه شد. کمبود بودجه، اعتراضات دانشجویی، عدم امکانات رفاهی و از این دست مشکلات کم نبود. ایشان با سعه صدر و پشتکار منحصر به فرد درصدد رفع و رجوع کارها برآمد و چنان که می دانیم و همه می دانند ساخت و ساز در دانشگاه شروع شد. ساخت مسجد، استخر، بانک، دانشکده کشاورزی، دیوار باغ امیرآباد و ساختمانهای دیگر که از خاطر من فراموش شده و همه اینها با همت عالی دکتر محتشمی برزاداران صورت گرفت هر بار تهران



می‌رفت، بصلاح، به زور، به دعوا یا هر روش ممکن معقول بودجه‌ای دست و پا می‌کرد تا رونقی به این دانشگاه بدهد و تا روزی که استعفا کرد مجدانه برای این مهم تلاش کرد. برای ارتقای دانشگاه از هیچ کاری کوتاهی نمی‌کرد. حتی بچه‌ها گاهی به شوخی گلایه می‌کردند که اگر بابا لازم بدانند برای ارتقای دانشگاه بیرجند ما را جلوی در دانشگاه قربانی می‌کنند. واقعاً دکتر محتشمی دانشگاه بیرجند را مانند کودک یتیمی می‌دید که باید او را پرورش دهد و ارتقا بخشد. تمام کسانی که واجد شرایط بودند، برای ادامه تحصیل فرستاد و تعهد گرفت به دانشگاه برگردند، در حالی که قبلاً هر استادی که استخدام می‌شد یکی دو سال بعد انتقالی می‌گرفت و می‌رفت. در کل همه همت و توان و خواسته ایشان، محیط درخشان دانش-اندوزی و داشتن اساتید بی‌بدیل و در نهایت ارتقای دانشگاه بیرجند بود. خود ایشان در طول مدت ریاست با آن همه گرفتاری تعداد زیادی مقاله علمی چاپ و به مجامع علمی ارائه کرد. با اینکه با دنیایی از مشکلات دست و پنجه نرم می‌کرد، هرگز از پژوهش و کار علمی غفلت نورزید. هر جا دانشجوی مستعد و درس خوانی می‌دید سعی می‌کرد راه تحصیل کامل را برایش هموار کند و تشویق و پیگیری شروع می‌شد و طرف را مرتب و قدم به قدم پیش می‌برد تا به مقصد برسد و از کسانی که هیچ امیدی به ادامه تحصیل و دریافت مدارک بالا نداشتند، انسانهای مصمم و ساعی می‌ساخت که نمونه آن کم نیست. خلاصه این طور بگویم که از ۲۴ ساعت شبانه روز بدون اغراق حداقل ۱۶ ساعت آن به مطالعه می‌گذشت بقیه ساعات صرف اموری چون خواب و خانواده و کارهای اداری دانشگاه می‌شد. از جمله کارهای مدیریتی دکتر محتشمی نظارت غیر مستقیم به رفتار کارکنان و کارگزاران دانشگاه بود. ایشان با تدبیر خاص خود از دربان تا رده‌های بالای اداری را مدیریت می‌کرد بدون اینکه به کسی دستوری بدهد یا خواهشی کند مستقیم و غیر مستقیم بر کار همگان نظارت داشت. به رده‌های پایین و کم درآمد توجه ویژه داشت و از آنها غافل نمی‌شد و مستقیم و غیر مستقیم در حل مشکلاتشان کوشا بود. اساتید و دانشجویان را به ادامه تحصیل و جدیت در آن تشویق می‌کرد و آنچه به دیگران می‌گفت خود قبل از همه بدان عمل می‌کرد. به طوری که در این ۴۵ سال زندگی مشترک می‌توانم قسم یاد کنم که ایشان را بدون قلم و کاغذ و مشاهده نکرده‌ام و همیشه اتاق خودشان که هیچ، تمام اتاقها و حتی راهروها و پله‌ها هم از چکنویس‌های ایشان در امان نبود و بسیار وقتها در همه جای خانه پخش بود، حتی اگر برای دیدار اقوام هم می‌رفتیم باز خودکار و کتاب یا مقاله و کاغذ همراهشان بود و جالب تر اینکه قلم و کاغذ دیگران هم در خانه از دستبرد ایشان در امان نبود و هرکس نت یا قلم و دفترش را نمی‌یافت روی میز بابا را جستجو می‌کرد. به هر حال ایشان در کار خود بسیار ساعی و جدی بود و به حواشی کمتر توجه می‌کرد.

بعد از کنار رفتن از ریاست دانشگاه، در دانشگاه بیرجند ماند بدون اینکه از مخالفین و معاندین بترسد و این رسم را در دانشگاه باب کرد که با ورود رئیس جدید از دانشگاه نباید رفت، بلکه

باید ماند و از کارنامه خود با تمام انتقادهای و نامهربانی‌ها دفاع کرد که خوشبختانه کارنامه ایشان واقعاً درخشان بود بطوری که هنوز هم از آن به نیکی یاد می‌کنند. خلاصه اینکه ایشان همان طور که معلمی توانا بود، مدیری لایق نیز بود و از همه مهم تر اینکه، انسانی بود که در بحبوه مشکلات نه تنها از راه راست منحرف نمی‌شد، بلکه بسیار خویشتندار و منعطف بود و با مخالفین خود با سعه صدر و احترام رفتار می‌کرد. بعد از گذشت سالها، بچه‌ها برای تحصیل به دانشگاه مشهد رفتند و من هم با دخترها منتقل شدم ولی دکتر محتشمی باز در بیرجند ماند. بعد از گذشت دو سال با اصرار خانواده به دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و در آن جا باز دردش دانشگاه بیرجند بود و دانشجویانش بچه‌های بیرجند بودند که آنها را از فرزندان خود بیشتر یاری می‌رساند. تا به حال که ۴۵ سال از زندگی مشترک ما می‌گذرد می‌توانم بگویم گر چه ایشان برای من در امور زندگی تشریک مساعی کمتری داشتند، اما در کار خودشان بسیار جدی و اثرگذار بودند. تعداد زیادی مقاله علمی نوشته و درگسترش دانش همه مساعی خود را بکار گرفت. دانشجویانش در سراسر ایران در زمره بهترین اساتید هستند و هنوز هم مانند فرزندان به همه‌شان عشق می‌ورزد و ارتباطی تنگاتنگ بینشان وجود دارد. در برگزاری سمینارها و کنفرانسهای علمی همه سعی خود را معطوف می‌داشت و حتماً با مقاله در آن شرکت می‌کرد. در انجمن آمار سالیان متمادی عضو هیئت مدیره بود و همیشه با اتوبوس از بیرجند به تهران می‌رفت تا به موقع به جلسات انجمن برسد، بطوری که از ساکنین تهران زودتر می‌رسید. بعد از چندین دوره عضویت هیئت مدیره دیگر خود از پذیرفتن آن ابا داشت و معتقد بود باید عرصه را به جوانترها سپرد تا این شجره سایه گستر شود. روابطشان با اساتید خودشان بسیار محترمانه و مصداق حدیث «هرکس به من کلمه‌ای بیاموزد مرا بنده خود ساخته است» بوده و هست. با دوستان و همکاران همواره در ارتباط و تبادل دانش هستند و از محاسن آنها پیش همه تمجید می‌کنند و چنانچه ایرادی باشد دوستانه به عرض طرف می‌رسانند.

از بیرجند به عنوان استاد پروازی با اتوبوس و اتومبیل به زاهدان میرفت تا گروه آمار دانشگاه زاهدان پا گیرد. از انرژی زیادی که برای گسترش کارش صرف می‌کرد تعجب می‌کردم ولی علاقه وافر به کارشان و ارج و ارزشی که برای آن قائل بودند مسئله را حل می‌کرد.

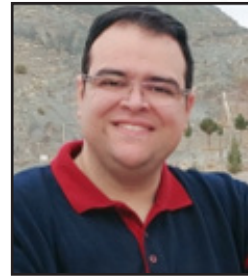
در پایان باید بگویم سوای مشارکت در زندگی ایشان به نظر من انسانی شایسته، دوراندیش، دگر اندیش، کلان نگر، ساعی، جدی، تلاشگر، دلسوز، پیگیر، باسواد و مطلع در دانش خود و خردمند در امور اجتماعی و زندگی بسیار مجرب در تنویر افکار دانشجویان و از همه مهمتر در دسترس بودن ایشان است. ممکن است جواب تماس من همسر را ندهند اما دانشجویان نباید بی‌جواب بمانند و گاهی این اولویتها باعث خشم خانواده و در نتیجه اصطکاک فی ما



بین می‌شد که مثلاً چرا برای دانشجو وقت هست برای خانواده نیست. با همه فراز و نشیبها ایشان انسانی جامع، فهیم و قدرتمند هم در جامعه، هم در تفکر، هم در دانش و هم در اداره خانواده هستند و من به عنوان همسر و درکنار ایشان از بسیاری دغدغه‌ها مصون بودم، چون با انسانی پاک و پیراسته و مصمم زندگی میکنم و سوای بعضی اختلاف نظرهای عادی تقریباً همه جوری قبولشان دارم.

خدیجه محتشمی
همسر دکتر

تقدیم به استاد بی‌همتایم، پدر مهربانم



در فرهنگ ما، پدرنخستین استاد است و «استاد» دومین پدر؛ و چه نیکوست آن هنگام که این دو مقام والا در یک تن جمع شوند. امروز قلم به دست گرفته‌ام تا نه برای یک استاد، که برای تمام هستی نورباران خود بنویسم؛ برای کسی که هم معنای پدر را در من

باز آفرید و هم واژه استاد را جان بخشید.

در مکتب‌خانه زندگی، بعد از مادر مهربانم، تو نخستین کسی بودی که حروف الفبای مهر را به من آموختی. دستان گرم و پرآوازه ورق زدن کتاب زندگی را به من نشان داد. نفس‌هایت، بی‌آنکه بدانی، برای من تمرین همیشگی صبر و استقامت بود. آنگاه که پایم به دنیای درس و دانشگاه گشوده شد، تو بودی که نه با گفتار، که با سیرت و رفتار بی‌پیرایه‌ات، درس‌هایی به من دادی که در هیچ کتابی یافت نمی‌شد.

تواضع در برابر دانش را نه در کتاب‌ها، که در طرز نشستن تو پای دفتر استادانی چون دکتر مشکانی (استاد راهنما کارشناسی ارشد) و دکتر شانبا (استاد راهنما دکتری) آموختم. در آن سال‌ها، نه فقط نگرانی‌های تحصیلت را شنیدم، که شادی‌هایت را نیز از نزدیک دیدم. چون از تحصیل در انگلستان بازگشتی، دانشگاه بیرجند از تمامی دقایق عمرت بهره‌مند شد؛ هم در مقام استاد گروه آمار و هم در جایگاه رئیس دانشگاه بیرجند. چه شب‌ها که در اتوبوس مسیر بیرجند به تهران، چراغ دانش را روشن نگاه‌داشتی تا سهمی در گسترش آمار و تعالی انجمن آمار ایران باشد. همکارانت را از هر رأی و اندیشه‌ات آگاه می‌ساختی و اگر مخالفتی بود، با منطق و مدارا، دل‌ها را همراه می‌کردی. نگاه موشکافانه‌ات را در ریزترین مسائل دریافتم و زیست‌انسانی‌تر را از رفتار بزرگوارانه‌ات با هر دانشجو، هر همکار، حتی هر رهگذری که به تو پناه آورد، به خاطر سپردم.

به یاد دارم که چگونه هر روز، سپیده‌دم ساعت شش و شامگاهان ساعت نه، با تکتک دانشجویان (علی‌الخصوص تحصیلات تکمیلی) تماس می‌گرفتی، از روند پیشرفت‌شان آگاه می‌شدی، و چنان با دقتی تمام‌ناشدنی بر ایشان نظارت داشتی تا مبادا گوشه‌ای از توان والا، زیبایی نگاه عمیق و ژرفای ذکاوتشان به ظهور نرسد یا در پرده‌ای از غفلت بماند. مرز توانمندی آنها را جابجا و در سخت‌ترین لحظات مایه امید و انگیزه آنها بودی. نتیجه این زحمات آن است که هر نگاهی به نقشه ایران و جهان می‌کنم، درختانی استوار و پر محصول می‌بینم.

پس از آن‌که اوج شکوفایی در بیرجند را، با خودگذشتگی تمام، به پای ارزش‌های خانواده نهادی و رخت به دانشگاه فردوسی مشهد کشیدی، به من و خواهرانم آموختی که اعتبار، نه



در جایگاه کار، که در عیار وجود انسان است. این، اقبال دانشگاه فردوسی بود که از ژرفای تخصص در نظریه اطلاعات، قابلیت اعتماد، شاخص‌های اقتصادی و دیگر عرصه‌های علم آمار بهره‌مند شد، و شاگردانی بی‌همتا را به ثمر نشاند که هر یک، چونان شاخه‌ای از درخت پربرگ دانش تو، بالیدند.

در برابر تو، نه چونان شاگردی، که چونان فرزندی، سر تعظیم فرود می‌آورم. هر قطره دانشی که از تو چشیدم، در عمق جانم به دریاچه‌ای از سپاس بدل شده است. هر واژه محبت‌آمیزت، مشعلی شده فروزان در مسیر تاریک دشواری‌های زندگی. تو به من نشان دادی که می‌توان هم استادی چیره‌دست بود و هم پدری مهربان؛ هم بر قله‌های دانش ایستاد و هم در دره‌های فروتنی گام زد. از تو سپاسگزارم که به من یاد دادی چگونه بیاموزم، و از تو ممنونم که به من آموختی چگونه دوست بدارم. دستانت را می‌بوسم و بر چشم می‌نهم؛ همان دستانی که کتاب‌های بی‌شمار را ورق زده‌اند، قلم‌های بسیار به نسل‌ها سپرده‌اند و هرگز از نوازش سرم کوتاهی نکرده‌اند.

پدر من، استاد من، زنده‌باد نام نیکت، پاینده‌باد راه پرافتخارت

حسینعلی محتشمی برزادران

پسر دکتر محتشمی

پدر عزیزم



گاهی فکر می‌کنم اگر بخواهم تو را در یک جمله توصیف کنم، هیچ جمله‌ای کامل نخواهد بود. چون تو برای من فقط یک پدر نبوده‌ای؛ معلمی بوده‌ای که پیش از هر کلاس و هر کتاب درسی، درس زندگی را به من آموخته است.

از اولین خاطرات کودکی‌ام، تصویر تو را به یاد دارم که هر شب پس از بازگشت از محل کار، از من درباره کتابی که خوانده بودم سؤال می‌کردی. آن سؤال‌ها برایم آزمون نبودند؛ دعوتی بودند به فکر کردن، به فهمیدن و به دوست داشتن دانایی. بعد کتاب را از دستم می‌گرفتی و در قفسه می‌گذاشتی. من با شوق به آن قفسه نگاه می‌کردم و از زیاد شدن کتاب‌ها خوشحال می‌شدم. آن روزها نمی‌دانستم که در کنار آن کتابخانه، چیزی بزرگ‌تر نیز در حال شکل گرفتن است؛ عشقی به خواندن و آموختن که تو در وجودم کاشته بودی. تو همیشه آموزش را رسالتی می‌دانستی که از هر مقام و عنوانی ارزشمندتر است. بارها دیده‌ام که چگونه با تمام وجود به آموزش ایمان داشته‌ای و چگونه برای گسترش دانش تلاش کرده‌ای. از میان همه باورهایت، آنچه بیش از همه در ذهنم مانده، اعتقاد راسخ به آموزش زنان است؛ باوری که هرگز از آن کوتاه نیامدی و آن را ضرورتی برای رشد و پیشرفت جامعه می‌دانستی.

یکی از ویژگی‌هایی که همیشه در تو تحسین کرده‌ام، پابندی بی‌تزلزلت به اصول و ارزش‌هاست. تو از آن دسته انسان‌هایی نیستی که حقیقت را فدای آسایش یا مصلحت کنند. حتی نزدیک‌ترین آدم‌های زندگی‌ات هم می‌دانند که در مسائل اصولی، با هیچ کس تعارف نداری. شاید گاهی این استواری دشوار به نظر برسد، اما من آموخته‌ام که پشت آن، صداقت و شرافتی عمیق نهفته است.

تو به همان اندازه که عاشق علم هستی، هنر را نیز دوست داری. در نگاهت، دانایی و زیبایی دو روی یک حقیقت‌اند. و شاید همین نگاه است که باعث شده حضورت برای اطرافیان فقط آموزنده نباشد، بلکه الهام‌بخش نیز باشد.

از تو مردم‌داری را آموختم؛ اینکه با آدم‌ها مهربان باشم، به حرفشان گوش بدهم و تا جایی که می‌توانم دستگیرشان باشم. بخشنده‌ام تو فقط در آنچه داشتی نبود، بلکه در آنچه می‌دانستی نیز بود. دانشت را، وقتت را و توجهت را بی‌دریغ با دیگران قسمت می‌کردی. امروز که به گذشته نگاه می‌کنم، بیش از هر چیز بابت میراثی از تو سپاسگزارم که نه در کتابخانه‌ها جا می‌شود و نه در عنوان‌ها و افتخارات. میراث تو برای من عشق به دانستن، احترام به حقیقت، پابندی به اصول، و باور به قدرت آموزش است.



پدر عزیزم، اگر امروز چیزی آموخته‌ام، اگر کتاب‌ها هنوز برایم دوست‌داشتنی‌اند و اگر دانش را راهی برای بهتر شدن جهان می‌دانم، بخش بزرگی از آن را مدیون تو هستم. از تو برای همه درس‌هایی که گفته‌ای و حتی برای آنهایی که فقط با شیوه زندگی‌ات به من آموخته‌ای، سپاسگزارم.

فاطمه محتشمی برزادران
دختر بزرگ دکتر محتشمی

پدر عزیزم، استاد گرانقدرم



سخن گفتن از کسی که هم پدر ماست و هم استادم، کار آسانی نیست. برای من، شما فقط یک پدر نیستید. استادی هستید که درس‌هایتان هرگز محدود به کتاب و کلاس نماند، بلکه در تمام مسیر زندگی‌ام همراهم بوده است.

یکی از جمله‌هایی که همیشه به من می‌گفتید این بود: «درس بخوان، چون این تنها کاری‌ست که برای خودت انجام می‌دهی.» شاید آن روزها عمق این کلمات را آن‌طور که باید نمی‌فهمیدم، اما امروز می‌دانم که پشت آن‌ها، عشق، آینده‌نگری و دغدغه‌ای صادقانه برای آینده‌ام نهفته بود.

شما به ما یاد دادید که یادگیری فراتر از کتاب است. چه در ایران و چه در سال‌هایی که در انگلستان زندگی می‌کردیم، همیشه ما را به موزه‌ها می‌بردید، به دیدن و تجربه کردن تشویق می‌کردید و می‌گفتید که آدم باتجربه، دید بزرگ‌تری نسبت به جهان پیدا می‌کند. اما شاید مهم‌ترین چیزی که از شما آموختم، نگاه‌تان به ارزش دانش است؛ این که علم زمانی معنا پیدا می‌کند که به دیگران منتقل شود. همیشه می‌گفتید: «هر چه یاد می‌گیرید، به هر کسی که مشتاق یادگیری است یاد بدهید، چون جامعه این‌گونه پیشرفت می‌کند.» و نکته‌ای که بارها به آن اشاره کرده‌اید این است که معلمان و استادان هستند که زندگی آدم‌ها را تغییر می‌دهند. می‌گفتید هر کدام از ما در زندگی‌مان استاد یا معلمی داشته‌ایم که مسیرمان را عوض کرده؛ و مهم این است که خودمان هم بکوشیم چنین تأثیری بر دیگران بگذاریم، تأثیری که به سمت رشد و درستی باشد.

این باور به آموزش و این ایمان به نقش انسان در زندگی دیگران، چیزی است که از شما به من رسیده و همیشه قدردانش خواهم بود. آنچه امروز هستم و آنچه می‌دانم، بی‌تردید ریشه در تلاش، محبت و باور شما دارد.

حمیده محتشمی برزادران

دختر دکتر محتشمی

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین



چه افتخاری بالاتر از این که امروز در نکوداشت استاد عزیز و پدر
مهربانم جناب آقای دکتر غلامرضا محتشمی برزادران چند سطر
بنویسم.

دوران کودکی من مصادف بود با زمانی که پدرم دانشجوی دکتری
بودند ایشان از صبح تا عصر در دانشگاه در اتاق کارشان مشغول مطالعه و پژوهش
بودند و زمانی هم که به خانه بر می‌گشتند مدتی را با خانواده می‌گذراندند و سپس کار
علمی خودشان را دوباره از سر می‌گرفتند. علاقه به یادگیری، تلاش و پشتکار ایشان واقعا
ستودنی است.

زمانی که در سنین دبستان بودم پدرم ریاست دانشگاه بیرجند را برعهده داشتند اما هرگز
به دلیل داشتن کار اجرایی از کار علمی و آموزشی خودشان فاصله نمی‌گرفتند و هیچ
گاه از کیفیت آموزشی و استانداردهای آموزشی خود به دلیل مشغله کم نمی‌کردند. به
یاد دارم در آن روزها هرگاه می‌خواستند نمرات امتحانی دانشجویانشان را پس از تصحیح
برگه‌های امتحانی محاسبه کنند به منظور این که در عملیات ساده ریاضی اندکی تمرین
کنم ابتدا به من می‌گفتند که نمراتشان را با هم جمع کنم و سپس خودشان آن‌ها را
کنترل می‌کردند که مبادا اشتباهی رخ داده باشد. توانایی مدیریت امور، مسئولیت پذیری
و وجدان کاری از دیگر ویژگی‌های ایشان است که همیشه آن را تحسین کرده‌ام.
ایشان پدری بسیار مهربان، با بینش، آینده نگر و دوراندیش هستند و همواره درکی عمیق و
جامع از شرایط پیرامون خود دارند. ایشان به ما همیشه توصیه می‌کردند که همه جوانب
امور را سنجیده و مسائل را سطحی و پیش پا افتاده ارزیابی نکنیم.

از آنجایی که مسیر زندگی من بر این رقم خورد که در رشته آمار ادامه تحصیل دهم
این فرصت را پیدا کردم که نظاره گر ابعاد معلمی ایشان از نزدیک نیز باشم. در کلاس
درس، معلمی جدی و سختگیر بودند و همزمان رفتاری پدرانه با دانشجویانشان داشتند.
ایشان دانشجویانشان را همانند فرزندان خود می‌دیدند و همیشه دغدغه مند پیشرفت
و موفقیت آن‌ها بودند و دانشجویانشان را همواره به مطالعه و تحقیق در مسائل علمی
تشویق می‌کردند و روند پیشرفت کارهای علمی آن‌ها را با جدیت دنبال می‌کردند و امروز
می‌بینیم که دانشجویانشان در دانشگاه‌های سراسر ایران عضو هیئت علمی بوده و هر
کدام از آن‌ها در جایگاه معلمی، اساتیدی با سواد و سرآمد هستند.

هر چند عضو کوچکی از جامعه آماری ایران هستم ولی از آنجایی که از نزدیک نظاره‌گر
ابعاد شخصیتی، خانوادگی و معلمی ایشان بوده‌ام می‌توانم بگویم که ایشان رسالت

خویش را برای جامعه آماری ایران به درستی و به خوبی انجام داده است.
در پایان برای استاد درس و زندگی ام، پدر دلسوز و بی نظیرم و همراه همیشه صبور و با
محبتشان مادر عزیزم عمری طولانی، سلامتی، شادی و آرامش از خداوند متعال مسئلت
دارم.

وحیده محتشمی برزادران

دختر دکتر محتشمی

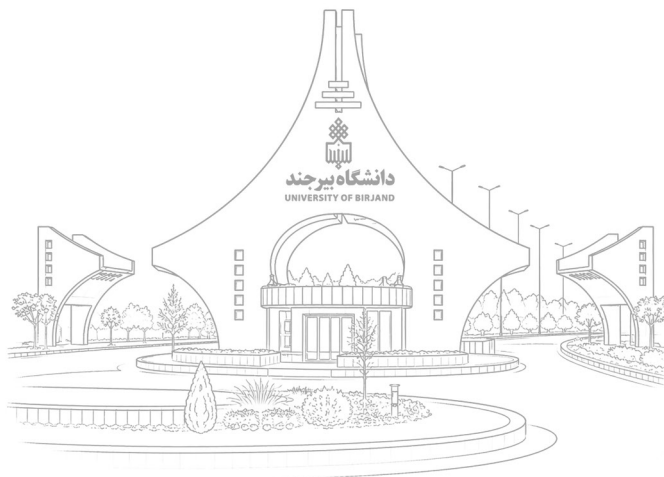


دکتر غلامرضا محترم برزادران

نکوداشت استاد پیشکسوت گروه آمار
دانشگاه های بیرجند و فردوسی مشهد
ورئیس اسبق دانشگاه بیرجند



تصاویر ماندگار



سمینار و همایش‌ها



پنجمین سمینار احتمال دانشگاه بیرجند-۱۳۸۴



سمینار در اذربایجان با گروه ریاضی



نهمین سمینار دانشگاه سیستان و بلوچستان ۱۳۹۲



دهمین سمینار دانشگاه یزد ۱۳۹۴



یازدهمین سمینار دانشگاه قزوین-۱۳۹۶



دوازدهمین سمینار دانشگاه سمنان-۱۳۹۸



گردهمایی فارغ التحصیلان موسسه آمار بعد ۴۰ سال



درجمعی که دکتر بهبودیان هستند



عکس با دکتر راسخ و نواب پور در هلسینکی



عکس با دکتر راسخ و دکتر سلطانی در سمینار های خارج



سفر به کره از طریق مسکو و دیدار با دوستان بیرجند در مسکو



کنفرانس در کره



هجدهمین گردهمایی رؤسای مؤسسات آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی کشور



گردهمایی فارغ التحصیلان رشته ریاضی ورودی های ۱۳۶۴-۱۳۶۶ دانشگاه بیرجند

در طبیعت



تحصیل در انگلستان



عکس با دکتر مجید اسدی در شفیلد



دوره دکتری انگلستان



با دکتر رحیم زاده و گپریانو



عکس گروهی در دیپاتمان امار شفیلد



عکس با پروفسور کپریانو هم دوره ای دکتری



گردهمایی دانشجویان دکتری امار انگلستان

دکتر محتشمی و دانشجویان







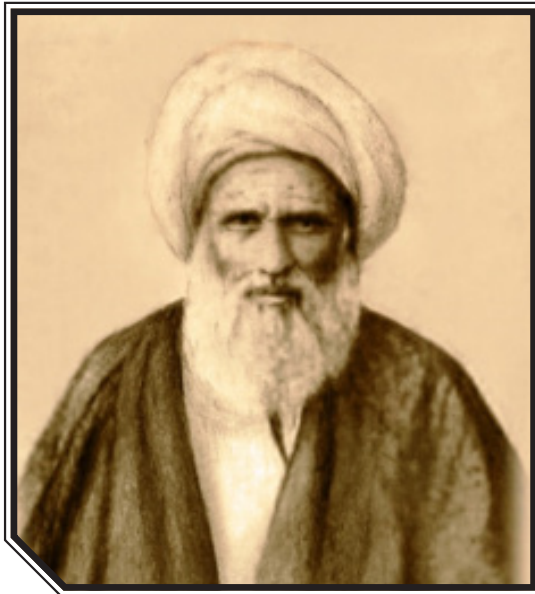


دکتر مشکانی استاد راهنما در دوره فوق لیسانس

دوره دبیرستان



ملا محمد حسن هردنگی



دکتر محتشمی و خانواده



همسر و کوچکترین دختر



با دکتر فقیهی و دکتر محمدزاده

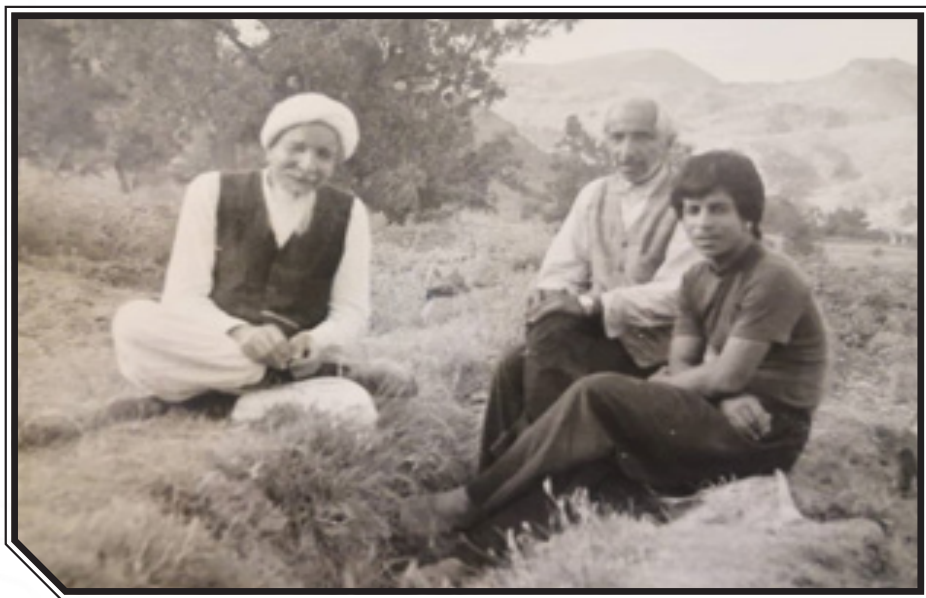


عکس با خواهر



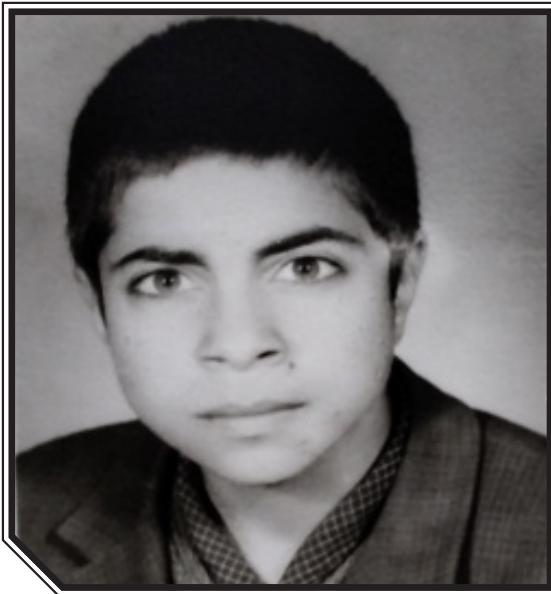


همراه با پدر و مادر در برزادران



همراه با عمو و پدر

دوران کودکی



دوران جوانی



در حال رفتن به تهران و بدرقه پدر و مادر



دکتر غلامرضا محترم برزادران

نکوداشت استاد پیشکسوت گروه آمار
دانشگاه‌های بیرجند و فردوسی مشهد
ورئیس اسبق دانشگاه بیرجند

همزمان با هجدهمین کنفرانس آمار ایران



روابط عمومی و اطلاع‌رسانی دانشگاه بیرجند